



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده روان‌شناسی
رشته روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا
پایان‌نامه کارشناسی ارشد

نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

استاد راهنما
دکتر باقر غباری بناب

استاد مشاور
حجت‌الاسلام حمید رفیعی‌هنر

نگارش
احمد عرفانی

بهمن ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

بسم تعالی

صورت جلسه دفاع پایان نامه

بانیادت خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای احمد عرفانی رشته: روانشناسی اسلامی گرایش روانشناسی مثبت گرا

تحت عنوان: نقش واسطه‌ای خودمراقبتی در رابطه بین شکلی خدا با کارکرد خانواده

با حضور اساتذ راهنما، اساتذ مشاور و هیأت داوران در موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰ برگزار گردید و پایان نامه ایشان -

بدون احتساب نمره مقاله مستخرج از پایان نامه - با کسب نمره به عدد: ۱۸ - به حروف: هجده پذیرفته شد.

نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
مدیر گروه: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمدرضا احمدی		
استاد راهنما: جناب آقای دکتر باقر غباری پناپ		
استاد مشاور: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حمید رفیعی هنر		
استاد ناظر: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر جعفر جدیری		
نماینده تحصیلات تکمیلی: حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدرضا کریمی		

معاون آموزشی موسسه

سید حسین رکن الدینی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده روان‌شناسی
رشته روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا
پایان‌نامه کارشناسی ارشد

نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

استاد راهنما
دکتر باقر غباری بناب

استاد مشاور
حجت‌الاسلام حمید رفیعی‌هنر

نگارش
احمد عرفانی

بهمن ۱۳۹۵

باسمه تعالی

تعهدنامه اصالت پایان نامه

این جانب احمد عرفانی فرزند محمدحسین متولد ۱۳۶۲ به شماره شناسنامه ۹۰۷ صادره از فریمان به شماره دانش پژوهی ۹۲۱۱۴۰۰۹ رشته روان شناسی اسلامی گرایش مثبت گرا متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی این جانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این زمینه از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است.

این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط مؤسسه از اعتبار ساقط خواهد شد.

نام و نام خانوادگی دانش پژوه

امضاء

حقوق مادی و معنوی پایان نامه

چاپ و انتشار پایان نامه های تحصیلی دانش پژوهان مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت بیان گر بخشی از فعالیت های علمی- پژوهشی مؤسسه است.

این جانب **احمد عرفانی** دانش پژوه رشته روان شناسی اسلامی گرایش مثبت گرا مقطع کارشناسی ارشد، متعهد می گردم که موارد ذیل را در خصوص حقوق مادی و معنوی پایان نامه ام با موضوع:

نقش واسطه ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

رعایت نمایم و در صورت تخلف از موارد ذیل، کلیه تبعات حقوقی آن بر عهده این جانب خواهد بود:
در صورت اقدام به چاپ پایان نامه، مراتب را قبلاً به صورت کتبی به معاونت پژوهش مؤسسه اطلاع دهم و در صورت تمایل مؤسسه به چاپ پایان نامه به صورت کتاب، اولویت با مؤسسه خواهد بود.
در صورت موافقت معاونت پژوهش با چاپ پایان نامه به صورت کتاب توسط دانش پژوه در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل چاپ گردد:

کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روان شناسی اسلامی گرایش مثبت گرا است که در سال ۱۳۹۵ در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت به راهنمایی آقای دکتر باقر غباری بناب و مشاوره آقای حجت الاسلام والمسلمین حمید رفیعی هنر از آن دفاع شده است.

به منظور غنی سازی منابع و مآخذ کتابخانه مؤسسه دو نسخه از آن به کتابخانه و دو نسخه نیز جهت بهره برداری به معاونت پژوهش اهدا خواهد شد.

نام و نام خانوادگی دانش پژوه

امضاء

تقدیم به

برترین جلوه دل‌بستگی به معبود،

به او که مهرش مهار جان،

و جلب رضایتش، برترین کار کرده‌ر خانواده‌ای است.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ...

الحمد لله على ما أنعم، وله الشكر بما ألهم...

(حضرت زهرا سلام الله عليها-بجاء الانوار، ج ٢٩، ص ٢١٧)

تقدیر و تشکراز:

جناب آقای دکتر غباری بناب و جناب حجت الاسلام حمید رفیعی هنر، اساتید گرامی راهنما و مشاور این پایان نامه که با تواضع و خیرخواهی هدایت این پایان نامه را پذیرفتند و نظرات محققانه و ارزشمندشان همواره چراغ راهم بود.

همسر گرامی و فرزندان دلبندم که با صبر و همدلی خود زمینه تلاش بی دغدغه مرا در این مسیر فراهم نمودند.

و سایر اساتید محترم و دوستان عزیز که از نظر ایشان در این کار بهره‌ها بردم؛ به ویژه استاد گرامی جناب آقای دکتر محمد رضا احمدی، مدیر گروه روان شناسی مؤسسه اخلاق و تربیت و برادران بزرگوارم جناب آقای محمد فرهوش و جناب آقای حسین رادمرد که همراهی و راهنمایی های بی دریغشان، روشنگر و دلگرم کننده بود.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده انجام گردید. برای دستیابی به هدف فوق، در یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، تعداد ۴۶۱ نفر از افراد متأهل ساکن در مجتمع‌های مسکونی منطقه پردیسان قم، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های دلبستگی به خدا (روات و کرک‌پاتریک)، فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری (تانجی) و ابزار سنجش خانواده (مک‌مستر) استفاده شد و داده‌های پژوهش از طریق آزمون‌های همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون خطی و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه کیفیت دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده را به صورت میانجی‌گری جزئی تأیید نمودند. همچنین یافته‌ها نشان داد که دلبستگی ایمن به خدا و خودمهارگری با کارکرد (ناسالم) خانواده، رابطه منفی و معنادار دارند و هریک از متغیرهای کیفیت دلبستگی به خدا و خودمهارگری به طور معناداری کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌نمایند. از سوی دیگر دلبستگی ایمن به خدا با خودمهارگری نیز رابطه مثبت و معنادار دارد. بر اساس این پژوهش، هرچه کیفیت دلبستگی اعضای خانواده به خداوند ایمن‌تر باشد، خودمهارگری آن‌ها افزایش یافته و از آن طریق، کارکرد خانواده (حل مسائل، انجام وظایف، برقراری روابط عاطفی، مشارکت همدلانه، و وضع مقررات و پایبندی به آن) مطلوب‌تر خواهد شد. از نتایج این تحقیق می‌توان جهت طراحی بسته‌های آموزشی برای ارتقاء کارکرد خانواده از طریق کیفیت دلبستگی به خدا و خودمهارگری استفاده نمود.

کلمات کلیدی: کارکرد خانواده، عملکرد خانواده، دلبستگی به خدا، خودمهارگری، خودکنترلی

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱
۱-۱- مقدمه.....	۲
۱-۲- بیان مسئله.....	۴
۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۸
۱-۳-۱- اهمیت پژوهش.....	۸
۱-۳-۲- ضرورت پژوهش.....	۹
۱-۴- اهداف پژوهش.....	۹
۱-۴-۱- هدف اصلی.....	۹
۱-۴-۲- اهداف فرعی.....	۹
۱-۵- فرضیه‌های پژوهش.....	۱۰
۱-۵-۱- فرضیه اصلی.....	۱۰
۱-۵-۲- فرضیه‌های فرعی.....	۱۰
۱-۶- تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم.....	۱۰
۱-۶-۱- کارکرد خانواده.....	۱۰
۱-۶-۲- دلبستگی به خدا.....	۱۱
۱-۶-۳- خودمهارگری.....	۱۱
فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش.....	۱۳
۲-۱- مقدمه.....	۱۴
۲-۲- مبانی نظری.....	۱۴
۲-۲-۱- کارکرد خانواده.....	۱۴
۲-۲-۱-۱- مفهوم خانواده.....	۱۴
۲-۲-۱-۲- اهمیت مطالعه حوزه خانواده.....	۱۵
۲-۲-۱-۳- مفهوم کارکرد خانواده.....	۱۵
۲-۲-۱-۴- اهمیت مطالعه کارکرد خانواده.....	۱۶
۲-۲-۱-۵- تاریخچه خانواده و خانواده‌درمانی.....	۱۷
۲-۲-۱-۶- دیدگاه‌ها و نظریات در باب کارکرد خانواده.....	۱۸
۲-۲-۱-۷- الگوهای کارکرد خانواده.....	۲۰
۲-۲-۱-۸- خانواده و کارکردهای آن از دیدگاه اسلام.....	۲۹

۳۳	۲-۲-۲- دل‌بستگی به خدا.....
۳۳	۲-۲-۲-۱- مفهوم و تاریخچه دل‌بستگی.....
۳۴	۲-۲-۲-۲- مفهوم دل‌بستگی به خدا.....
۳۵	۲-۲-۲-۳- اهمیت مفهوم دل‌بستگی به خدا.....
۳۷	۲-۲-۲-۴- کارکردهای دل‌بستگی.....
۳۸	۲-۲-۲-۵- سبک‌های دل‌بستگی به خدا.....
۴۰	۲-۲-۲-۶- منابع دل‌بستگی به خدا.....
۴۲	۲-۲-۲-۷- دل‌بستگی به خدا از دیدگاه اسلام.....
۴۵	۲-۲-۳- خودمهارگری.....
۴۵	۲-۲-۳-۱- مفهوم خودمهارگری.....
۴۶	۲-۲-۳-۲- بررسی مفاهیم مرتبط با خودمهارگری.....
۴۸	۲-۲-۳-۳- اهمیت مطالعه خودمهارگری.....
۵۱	۲-۲-۳-۴- تاریخچه خودمهارگری.....
۵۴	۲-۲-۳-۵- الگوهای نظری خودمهارگری.....
۵۴	۲-۲-۳-۶- حوزه‌های عملکرد خودمهارگری.....
۵۷	۲-۲-۳-۷- خودمهارگری از دیدگاه اسلام.....
۵۸	۲-۳- پیشینه تجربی.....
۵۸	۲-۳-۱- دل‌بستگی به خدا و کارکرد خانواده.....
۶۰	۲-۳-۲- خودمهارگری و کارکرد خانواده.....
۶۱	۲-۳-۳- دل‌بستگی به خدا و خودمهارگری.....
۶۲	۲-۳-۴- نقش واسطه‌ای خودمهارگری.....
۶۳	۲-۳-۵- رابطه سه‌گانه متغیرهای پژوهش.....
۶۳	۲-۳-۶- جمع‌بندی.....
۶۷	فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش.....
۶۸	۳-۱- مقدمه.....
۶۸	۳-۲- طرح پژوهش.....
۶۹	۳-۳- جامعه آماری.....
۶۹	۳-۴- حجم نمونه.....
۷۰	۳-۵- روش نمونه‌گیری.....
۷۱	۳-۶- ابزار پژوهش.....
۷۱	۳-۶-۱- مقیاس دل‌بستگی به خدا.....

۷۱	۳-۶-۲- فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری.....
۷۲	۳-۶-۳- ابزار سنجش خانواده مک‌مستر.....
۷۲	۳-۷- شیوه اجرا.....
۷۳	۳-۸- شیوه تحلیل داده‌ها.....
۷۳	۳-۹- ملاحظات اخلاقی پژوهش.....
۷۴	۳-۹-۱- ملاحظات اخلاقی در اجرای میدانی.....
۷۵	۳-۹-۲- ملاحظات اخلاقی در نگارش پژوهش.....
۷۹	فصل چهارم: یافته‌های پژوهش.....
۸۰	۴-۱- مقدمه.....
۸۰	۴-۲- یافته‌های توصیفی.....
۸۰	۴-۲-۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان.....
۸۰	۴-۲-۱-۱- جنسیت.....
۸۱	۴-۲-۱-۲- سن.....
۸۲	۴-۲-۱-۳- تحصیلات.....
۸۳	۴-۲-۱-۴- شغل.....
۸۴	۴-۲-۱-۵- طلبه یا غیر طلبه بودن.....
۸۵	۴-۲-۱-۶- مدت ازدواج.....
۸۶	۴-۲-۲- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش.....
۸۶	۴-۲-۲-۱- دلبستگی به خدا.....
۸۷	۴-۲-۲-۲- خودمهارگری.....
۸۸	۴-۲-۲-۳- کارکرد خانواده.....
۸۹	۴-۳- یافته‌های استنباطی.....
۸۹	۴-۳-۱- بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش.....
۹۱	۴-۳-۲- بررسی فرضیه‌های پژوهش.....
۹۱	۴-۳-۲-۱- فرضیه فرعی اول.....
۹۲	۴-۳-۲-۲- فرضیه فرعی دوم.....
۹۳	۴-۳-۲-۳- فرضیه فرعی سوم.....
۹۳	۴-۳-۲-۴- فرضیه فرعی چهارم.....
۹۴	۴-۳-۲-۵- فرضیه فرعی پنجم.....
۹۵	۴-۳-۲-۶- فرضیه اصلی.....
۱۰۵	فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری.....

۱-۵-۱- مقدمه.....	۱۰۶
۲-۵-۲- بررسی فرضیه‌های پژوهش.....	۱۰۶
۱-۲-۵- فرضیه فرعی اول.....	۱۰۶
۲-۲-۵- فرضیه فرعی چهارم.....	۱۰۷
۳-۲-۵- فرضیه فرعی دوم.....	۱۰۹
۴-۲-۵- فرضیه فرعی سوم.....	۱۱۱
۵-۲-۵- فرضیه فرعی پنجم.....	۱۱۱
۶-۲-۵- فرضیه اصلی.....	۱۱۲
۳-۵-۳- محدودیت‌های پژوهش.....	۱۱۶
۴-۵-۴- پیشنهادها.....	۱۱۹
۱-۴-۵- پیشنهادهای پژوهشی.....	۱۱۹
۲-۴-۵- پیشنهادهای کاربردی.....	۱۲۱
۶- فهرست منابع.....	۱۲۳

فهرست جداول

جدول ۱-۴: جنسیت شرکت کنندگان.....	۸۱
جدول ۲-۴: سن شرکت کنندگان.....	۸۱
جدول ۳-۴: تحصیلات کلاسیک شرکت کنندگان.....	۸۲
جدول ۴-۴: تحصیلات حوزوی شرکت کنندگان.....	۸۳
جدول ۵-۴: شغل شرکت کنندگان.....	۸۳
جدول ۶-۴: طلبه یا غیر طلبه بودن شرکت کنندگان.....	۸۴
جدول ۷-۴: مدت ازدواج شرکت کنندگان.....	۸۵
جدول ۸-۴: شاخص‌های توصیفی متغیر دلبستگی به خدا.....	۸۶
جدول ۹-۴: شاخص‌های توصیفی متغیر خودمهارگری.....	۸۷
جدول ۱۰-۴: شاخص‌های توصیفی متغیر کارکرد خانواده.....	۸۸
جدول ۱۱-۴: نتایج آزمون‌های سنجش نرمال بودن در اسپاس.....	۹۰
جدول ۱۲-۴: شاخص کشیدگی و کجی متغیرهای پژوهش.....	۹۱
جدول ۱۳-۴: نتایج همبستگی پیرسون دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده.....	۹۲
جدول ۱۴-۴: نتایج همبستگی پیرسون دلبستگی به خدا با خودمهارگری.....	۹۲
جدول ۱۵-۴: نتایج همبستگی پیرسون خودمهارگری با کارکرد خانواده.....	۹۳
جدول ۱۶-۴: نتایج تحلیل رگرسیون دلبستگی به خدا و کارکرد خانواده.....	۹۳
جدول ۱۷-۴: نتایج تحلیل رگرسیون خودمهارگری و کارکرد خانواده.....	۹۴
جدول ۱۸-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر کامل.....	۹۶
جدول ۱۹-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر میانجی.....	۹۷
جدول ۲۰-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر میانجی.....	۹۹
جدول ۲۱-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر میانجی.....	۱۰۱
جدول ۲۲-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر میانجی.....	۱۰۳

فهرست اشکال و نمودارها

- شکل ۱-۴: نمودار طلبه یا غیر طلبه بودن شرکت کنندگان ۸۴
- شکل ۲-۴: نمودار مدت ازدواج شرکت کنندگان ۸۶
- شکل ۳-۴: دیاگرام مدل علی متغیر واسطه‌ای ۹۵
- شکل ۴-۴: دیاگرام مدل اثر کامل ۹۶
- شکل ۵-۴: دیاگرام اثر میانجی ۹۷
- شکل ۶-۴: دیاگرام اثر کامل ۹۸
- شکل ۷-۴: دیاگرام اثر میانجی ۹۸
- شکل ۸-۴: دیاگرام مدل اثر کامل ۱۰۰
- شکل ۹-۴: دیاگرام مدل اثر میانجی ۱۰۰
- شکل ۱۰-۴: دیاگرام مدل اثر کامل ۱۰۲
- شکل ۱۱-۴: دیاگرام مدل اثر میانجی ۱۰۲

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱-۱- مقدمه

از هنگام تشکیل اولین خانواده آفرینش یعنی آدم و حوا، خانواده با موضوع دلبستگی به خدا و خودمهارگری دست‌به‌گریبان بوده است. هرچند با فریب شیطان، در خودمهارگری آدم خللی وارد شد و این موجب گشت تا آن دو از بهشت رانده شوند؛ لیکن دلبستگی آدم و حوا به خداوند مهربان و گریه‌های دل‌تنگی‌شان در دوری از جوار الهی، بخشش خداوند را برایشان به ارمغان آورد. البته آن دو برای همیشه در زمین ماندند و این آغازی بود برای درگیری دائمی انسان و خانواده‌های انسانی با دو پدیده دلبستگی به خدا و خودمهارگری.

اهمیت نهاد خانواده به‌عنوان هسته اصلی جامعه و مهد رشد و نمو انسان بر هیچ‌کس پوشیده نیست. برخی از نیازهای مهم آدمی همچون نیاز به صمیمیت، نیاز جنسی و نیاز به امنیت، تعلق و خودشکوفایی در بستر خانواده تأمین می‌شود. شناخت و تقویت خانواده به‌عنوان یکی از مسائل مهم در علم روان‌شناسی است. اما چگونه و با توجه به چه عواملی می‌توان خانواده را شناخت و آن را تقویت نمود؟ در پژوهش حاضر، برای شناخت و سنجش خانواده از شاخص کارکرد خانواده استفاده شد و در راستای بررسی راه‌های تقویت کارکرد خانواده، دو عامل دلبستگی به خدا و خودمهارگری موردتوجه قرار گرفت.

کارکرد خانواده به‌طور سیستمی به کیفیت زندگی خانواده در رابطه با سلامت، شایستگی‌ها، کفایت‌ها، ضعف‌ها و قدرت‌های نظام خانواده توجه می‌کند. در رویکردهای مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، کارکردهای مختلفی برای خانواده برشمرده شده است. بر اساس رویکرد

خانواده‌درمانی مک‌مستر، حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتار از مهم‌ترین کارکردهای خانواده به‌شمار می‌آیند.

پژوهش‌هایی عوامل اثرگذار بر کارکرد خانواده را بررسی نموده و نقش عواملی همچون ویژگی‌های شخصیتی، باورهای ارتباطی و مهارت‌های زندگی را نشان داده‌اند. بر اساس پژوهش‌ها یکی از عوامل مرتبط با کارکرد خانواده، ابعاد معنوی زوجین است. از طرفی از مهم‌ترین شاخص‌های بیان‌کننده معنویت، می‌توان به متغیر کیفیت دلبستگی به خدا اشاره نمود که در پژوهش حاضر به تبیین رابطه آن با کارکردهای خانواده پرداخته خواهد شد. اما در مورد چگونگی این رابطه می‌توان به مکانیسم‌ها و متغیرهای واسطه‌ای اشاره نمود. در این پژوهش، متغیر خودمهارگری به‌عنوان متغیر واسطه‌ای موردتوجه قرار گرفت؛ چراکه از سویی پژوهش‌های متعددی بر رابطه دین‌داری و معنویت با خودمهارگری تأکید نموده‌اند و دلبستگی به خدا نیز ازجمله این عوامل است و از سوی دیگر رابطه خودمهارگری با شاخص‌های مختلف سنجش خانواده و زناشویی (که کارکرد خانواده نیز در همین زمره است) در پژوهش‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. ازاین‌رو به نظر می‌رسد که خودمهارگری، رابطه دلبستگی به خدا با کارکردهای خانواده را واسطه‌گری می‌کند.

در بررسی پیشینه رابطه سه متغیر دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده، خلأهای متعددی به چشم خورد که به‌عنوان مثال می‌توان به فقر پژوهشی و برخی یافته‌های متناقض در زمینه ارتباطات دوگانه این متغیرها اشاره نمود. به‌ویژه هیچ پژوهشی یافت نگردید که سه متغیر یادشده را همراه باهم موردبررسی قرار داده باشد. وجود پشتوانه‌های نظری و تجربی در حمایت از مسئله پژوهش حاضر و از طرفی مواجهه با خلأهای متعدد یادشده، ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌سازد.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده است. در طی پنج فصل این پایان‌نامه، پس از آشنایی با کلیات پژوهش و بررسی مبانی نظری و پیشینه تجربی آن و همچنین روش‌های برگزیده در انجام پژوهش، یافته‌های تحقیق ارائه و تبیین می‌شود. درنهایت نیز محدودیت‌های این پژوهش و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده بیان خواهد گردید.

در فصل پیش رو به کلیات پژوهش ازجمله بیان مسئله، اهمیت، ضرورت و اهداف پژوهش و سپس به ارائه تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم پرداخته خواهد شد.

۲-۱- بیان مسئله

خانواده مهم‌ترین رکن اجتماع محسوب می‌شود، نهادی که سلامت یا اختلال آن تعیین‌کننده سلامت یا بیماری جامعه است (زاده‌وش، نشاط‌دوست و رسول‌زاده، ۱۳۸۷). پژوهش‌گران، خانواده را از جنبه‌های مختلف موردبررسی قرار داده‌اند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های خانواده که در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی موردتوجه پژوهش‌گران قرارگرفته است، کارکرد خانواده^۱ است.

کارکرد خانواده به کیفیت زندگی خانواده در سطح سیستمی یا روابط دوتایی اشاره دارد و به نمونه‌هایی از قبیل سلامت، شایستگی‌ها، کفایت‌ها، ضعف‌ها و قدرت‌های نظام خانواده برمی‌گردد (شک^۲، ۲۰۰۲ به نقل از سیف و اسلامی، ۱۳۸۷). در رویکردهای مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، کارکردهای متعددی برای خانواده برشمرده شده است. بر اساس رویکرد خانواده‌درمانی مک‌مستر^۳ مهم‌ترین کارکردهای خانواده عبارت‌اند از: حل مسئله^۴، ارتباط^۵، نقش‌ها^۶، پاسخ‌دهی عاطفی^۷، مشارکت عاطفی^۸ و کنترل رفتار^۹. (اپستاین^{۱۰}، بالدوین^{۱۱}، بیشاپ^{۱۲}، ۱۹۸۳).

پژوهش‌های بسیاری تاکنون به بررسی عوامل تأثیرگذار بر کارکرد خانواده پرداخته‌اند. ازجمله این عوامل می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی زوجین (بهبودی، هاشمیان، پاشاشریفی و نوابی‌نژاد، ۱۳۸۸)، باورهای ارتباطی (سیف و اسلامی، ۱۳۸۷) و مهارت‌های زندگی (پورقاسمی، ۱۳۸۹) اشاره نمود.

-
1. family functioning
 2. Shek, D. T. L.
 3. McMaster
 4. problem solving
 5. communication
 6. roles
 7. affective responsiveness
 8. affective involvement
 9. behaviour control
 10. Epstein, N. B.
 11. Baldwin, L.
 12. Bishop, D. S.

یکی از عواملی که در ارتباط با کارکرد خانواده مورد پژوهش قرار گرفته است، میزان دین‌داری و معنویت افراد خانواده است. البته پژوهش‌های کمی محدودی در این زمینه در ایران انجام گرفته است. به‌عنوان مثال پژوهش عبدالله‌پور، مقیمی، قلی‌زاده، سیدمهدوی و علی‌اشرفی (۱۳۸۸)، اثر مثبت دین‌داری بر کارکرد خانواده را مورد تأیید قرار می‌دهد.

اما در پاسخ به این سؤال که دین‌داری چگونه بر کارکرد خانواده تأثیر می‌گذارد، به متغیرهای مختلفی می‌توان اشاره کرد. اندیشمندان روان‌شناسی دین معتقدند از میان دیدگاه‌های مختلف در روان‌شناسی، نظریه دلبستگی^۱ در تحلیل و تفسیر پدیده دین و مفاهیم وابسته به آن کارآمدتر عمل کرده است (کرک‌پاتریک^۲، ۲۰۰۵، ترجمه محمودی، ۱۳۹۳، ص ۳). همان‌طور که ایجاد رابطه دلبستگی ایمن در کودکان برای رشد و ارتقای سلامت آنان در بزرگسالی یک امر حیاتی تلقی می‌شود، شکل‌گیری و تحول دلبستگی ایمن به خدا نیز می‌تواند در شکوفایی معنوی، سازگاری، سلامت و بهزیستی انسان‌ها نقش اساسی داشته باشد (غباری و حدادی، ۱۳۹۰). دلبستگی به خدا^۳ نیز به‌عنوان مفهومی که از نظریه دلبستگی برگرفته شده است، بسیار موردتوجه پژوهش‌گران قرار گرفته و در ایران نیز پژوهش‌های مختلفی درباره آن انجام گردیده است. بخش عمده‌ای از این پژوهش‌ها از نوع توصیفی-همبستگی است که رابطه دلبستگی به خدا را با متغیرهای مختلف روان‌شناختی ازجمله تاب‌آوری (گلی‌علی‌پور و اکبرنیا، ۱۳۹۳)، سلامت روان، هوش عاطفی، رضایت از زندگی (سیمایی، ۱۳۸۸)، رضایت زناشویی (حیدریان، ۱۳۹۳) و سبک‌های هویت (نیری، ۱۳۹۳) می‌سنجد. از میان پژوهش‌های داخلی، موارد معدودی ازجمله ایزدی‌پناه (۱۳۹۳)، حیدریان (۱۳۹۳) و شهابی‌زاده (۱۳۹۰ و ۱۳۹۴) به بررسی رابطه مفهوم دلبستگی به خدا با شاخص‌های خانواده پرداخته‌اند. از آن میان نیز، تنها دو پژوهش شهابی‌زاده (۱۳۹۰ و ۱۳۹۴) به بررسی رابطه دو متغیر دلبستگی به خدا و کارکرد خانواده می‌پردازند.

-
1. Attachment theory
 2. Kirkpatrick, L. A.
 3. Attachment to God

از سوی دیگر، یکی از عواملی که به تأیید پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی، ازجمله تانجنی^۱، بون^۲ و بامیستر^۳ (۲۰۰۴)، قدیمی (۱۳۹۱) و یاری (۱۳۹۲)، بر شاخص‌های مختلف زناشویی و خانواده تأثیر مثبت دارد، سازه خودمهارگری^۴ است. هرچند خودمهارگری به زندگی درونی افراد مربوط بوده و خانواده ناظر به روابط میان فردی است و این دو مفهوم، مقولاتی کاملاً مجزا از هم به نظر می‌رسند؛ اما اهتمام پژوهش‌گران ثابت می‌کند که این دو درآمیختگی قابل توجهی با یکدیگر دارند؛ توانایی افراد در کنترل تکانه‌های ناسازگار شخصی، ارتباطی مثبت و قوی با رفتارهای شایسته و مطلوب در روابط صمیمانه دارد (واس^۵ و فینکل^۶، ۲۰۰۶ به نقل از ب. حسینی، ۱۳۸۸).

خودمهارگری عبارت است از توانایی تنظیم و مهار تعمدی، هشیار و نیازمند به تلاش تمایلات، رفتارها، افکار و هیجانات خویش، به گونه‌ای که مستلزم متوقف نمودن هدفی برای رسیدن به هدفی با سودمندی طولانی‌مدت‌تر و رساندن خود تا حد معیارهایی چون آرمان‌ها، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی می‌باشد. خودمهارگری با مفاهیم «قدرت اراده»، «خودانضباط‌دهی»، «خودداری» و «مدیریت خود» مترادف بوده و مفاهیم «تأخیر ارضاء» و «بازداری پاسخ» از نشانه‌ها و لوازم آن به شمار می‌آیند (رفیعی‌هنر، جان‌بزرگی، پسندیده و رسول‌زاده، ۱۳۹۳).

یکی از ابعاد مهم خودمهارگری «اسباب و انگیزه‌های» مهار است. از نگاه اسلامی، انسان‌ها با یک مجموعه از انگیزه‌ها به مهار خویشتن روی می‌آورند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۱). موضوعی که به اذعان محققان (بامیستر و واس، ۲۰۰۷ به نقل از رفیعی‌هنر و همکاران، ۱۳۹۳) کمتر موردتوجه روان‌شناسان عرصه خودمهارگری قرار گرفته است. دین‌داری و معنویت می‌تواند به عنوان یکی از انگیزه‌های خودمهارگری نقش ایفا کند. در پژوهش‌های متعددی، ارتباط متغیرهای دینی و معنوی با خودمهارگری مورد تأیید قرار گرفته است (حسین‌خان‌زاده، همتی، آقابابایی، مرادی و رضایی،

-
1. Tangney, J. P.
 2. Boone, A. L.
 3. Baumeister, R. F.
 4. self-control
 5. Vohs, K. D.
 6. Finkel, E. J.

۱۳۹۰؛ آراین پور، شهابی زاده و بحرینیان، ۱۳۹۳؛ نصرت زهی، ۱۳۹۳؛ رفیعی هنر و همکاران، ۱۳۹۳؛ جان بزرگی و دادستان، ۱۳۷۸).

بنابراین با توجه به آنچه در باب رابطه دین داری با خودمهارگری و رابطه خودمهارگری با شاخص های کیفیت خانواده و همچنین رابطه دلبستگی به خدا (به عنوان یکی از شاخص های دین داری) با کارکرد خانواده گذشت، اکنون می توان متغیرهای دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده را در کنار هم مورد بررسی قرار داد؛ بدین ترتیب که دلبستگی به خدا (به عنوان یک عامل برانگیزاننده) با خودمهارگری و خودمهارگری نیز (به عنوان یک عامل کنترل کننده عاطفی - رفتاری) با کارکرد خانواده رابطه دارد.

از این رو این فرض قابل طرح است که دلبستگی به خدا از طریق خودمهارگری بر کارکرد خانواده تأثیر می گذارد. بنابراین با توجه به اهمیت پرداختن به موضوع کارکردهای خانواده در راستای حفظ و تقویت نهاد خانواده و با توجه به خلأ علمی و فقر پژوهشی در باب رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده با توجه به عامل خودمهارگری، پژوهش حاضر به بررسی مسئله مذکور اختصاص یافته و محقق در پی آن است که «نقش واسطه ای خودمهارگری را در رابطه دلبستگی خدا با کارکرد خانواده» مورد بررسی قرار دهد.

از طرفی با توجه به رشد فزاینده آپارتمان نشینی در کشور و محدودیت ها و اقتضائات خاصی که این نوع زندگی بر خانواده ها تحمیل نموده (شیعه، ۱۳۸۴؛ صفاری نیا، ۱۳۹۰؛ محمدپور، کریمی و ولی زاده، ۱۳۹۱) و زمینه بروز مسائلی و اختلالاتی را در کارکرد خانواده های ساکن در این مجتمع ها فراهم می آورد، به نظر می رسد لازم است تقویت کارکرد خانواده در این بافت اجتماعی خاص مورد توجه قرار گیرد. از این رو «افراد متأهل ساکن در مجتمع های مسکونی در منطقه پردیسان شهر قم» به عنوان جامعه این پژوهش انتخاب گردیدند.

۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

هر پژوهشی به پشتوانه منطق و استدلالی انجام می‌گیرد؛ به عبارت دیگر پژوهش نیاز به اهمیت و ضرورتی دارد که انجام آن را توجیه نماید. گفتنی است که تعبیر اهمیت، به جنبه علمی اهمیت پژوهش و تعبیر ضرورت به جنبه عملی آن اشاره دارد (حسن‌آبادی، ۱۳۹۲).

۳-۱-۱- اهمیت پژوهش

مفاهیم دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده، هر سه از متغیرهای مهم موردبررسی در علم روان‌شناسی و روان‌درمانی هستند (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۵؛ تانجی، ۲۰۰۴؛ کرک‌پاتریک، ۲۰۰۵، ترجمه محمودی، ۱۳۹۳). اهمیت مطالعه مفهوم دین‌داری، بخصوص در جوامع مذهبی ازجمله کشورمان و از طرفی جایگاه مفهوم دلبستگی به خدا به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بیان‌گر دین‌داری (کرک‌پاتریک، ۲۰۰۵، ترجمه محمودی، ۱۳۹۳، ص ۳)، ضرورت توجه به این متغیر روان‌شناختی را مشخص می‌نماید. خودمهارگری نیز به عنوان عاملی که مستقیماً با اراده انسانی عجین بوده و در همه شئون زندگی و کلیه افعال، افکار و احساسات انسان تأثیرگذار است و بنا بر نتایج پژوهش‌های متعدد (به عنوان مثال: تانجی، ۲۰۰۴؛ مک‌کولا^۱ و ویلابی^۲، ۲۰۰۹) با بسیاری از شاخص‌های مثبت روان‌شناختی مرتبط می‌باشد، از موضوعات مهم برای پژوهش‌های روان‌شناختی محسوب می‌شود. کارکرد خانواده نیز مفهومی است که تأثیر بسزایی در شناخت و سنجش خانواده دارد؛ از این رو جایگاه مهمی در خانواده‌درمانی یافته است.

علیرغم اهمیت این سه متغیر روان‌شناختی و حمایت پیشینه نظری و تجربی از ارتباط این سه باهم، پژوهشی که این ارتباط سه‌گانه را بسنجد در پیشینه یافت نگردید. ارتباط دوگانه متغیرها نیز از فقر پژوهشی جدی برخوردار بود.

بنابراین با توجه به لزوم تحلیل دقیق‌تر پدیده دین‌داری (به‌ویژه در بافت‌های مذهبی همچون کشور ما) و فرآیند تأثیرگذاری آن بر سایر پدیده‌های روان‌شناختی و از طرفی حمایت پیشینه از وساطت

1. McCullough, M. E.
2. Willoughby, B. L. B.

متغیر خودمهارگری در این فرآیند، ضرورت بررسی «نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده» روشن می‌گردد.

۲-۳-۱- ضرورت پژوهش

اهمیت نهاد خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی و اولین کانون رشد و پرورش انسان بر هیچ‌کس پوشیده نیست. یکی از جنبه‌های مهم خانواده که سبب پایداری این نهاد دیرپای اجتماعی گردیده، کارکردهای حیاتی و متعدد آن است. با مشاهده آمار نگران‌کننده افزایش طلاق، کاهش ازدواج و افزایش روزافزون پرونده‌های مربوط به اختلافات زناشویی در دادگاه‌های کشور، لزوم شناخت و تقویت کارکردهای خانواده که به استحکام بنیان خانواده خواهد انجامید، مشخص می‌گردد. ارائه روش‌های جدید و کارآمد برای آموزش و مداخلات خانواده، یکی از مهم‌ترین راه‌های نجات خانواده از وضعیت فعلی و رشد و ارتقای آن است. در این راستا بررسی روان‌شناختی عوامل تأثیرگذار بر خانواده و کارکردهای آن ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی رشد فزاینده سکونت افراد جامعه در مجتمع‌های مسکونی (آپارتمانی) و سکونت بخش مهمی از جمعیت کشور در این‌گونه مجتمع‌ها، لزوم توجه به این بافت خاص را در پژوهش‌ها روشن می‌نماید.

۴-۱- اهداف پژوهش

۱-۴-۱- هدف اصلی

بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

۲-۴-۱- اهداف فرعی

۱. بررسی رابطه کیفیت دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

۲. بررسی رابطه کیفیت دلبستگی به خدا با خودمهارگری

۳. بررسی رابطه خودمهارگری با کارکرد خانواده

۴. بررسی پیش‌بینی کارکرد خانواده توسط کیفیت دلبستگی به خدا

۵. بررسی پیش‌بینی کارکرد خانواده توسط خودمهارگری

۱-۵-۱- فرضیه‌های پژوهش

۱-۵-۱-۱- فرضیه اصلی

خودمهارگری تأثیر کیفیت دلبستگی به خدا بر کارکرد خانواده را میانجی‌گری می‌کند.

۱-۵-۲- فرضیه‌های فرعی

۱. کیفیت دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده رابطه معنادار دارد.

۲. کیفیت دلبستگی به خدا با خودمهارگری رابطه معنادار دارد.

۳. خودمهارگری با کارکرد خانواده رابطه معنادار دارد.

۴. کیفیت دلبستگی به خدا کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند.

۵. خودمهارگری کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند.

۱-۶- تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

۱-۶-۱- کارکرد خانواده

کارکرد خانواده پدیده‌ای بسیار پیچیده است (ایدلسون^۱ و اپستاین، ۱۹۸۲) که به اعتقاد پورتس^۲، براون^۳ و هاول^۴ (۱۹۹۲) به معنای تولدانی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجادشده در طول حیات، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حدود مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد، با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است (به نقل از کرامتی، مرادی و کاوه، ۱۳۸۴)

1. Eidelson, R. J.

2. Portes, P. R.

3. Brown, J. H.

4. Howell, S. C.

در پژوهش حاضر، منظور از متغیر کارکرد خانواده نمره‌ای است که هر شرکت‌کننده در مقیاس «ابزار سنجش خانواده مک‌مستر - FAD^۱ (اپستاین، بالدوین، بیشاپ، ۱۹۸۳)» کسب می‌کند.

۲-۶-۱- دلبستگی به خدا

دلبستگی به خدا تحت عنوان ارتباط و گرایش عاطفی فرد به خداوند تعریف می‌شود. در این تعلق خاطر، خداوند به عنوان پایگاه امنی شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جستجو کرد (گرانکوئست^۲، میکولینسر^۳ و شیور^۴، ۲۰۱۰).

در پژوهش حاضر، منظور از دلبستگی به خدا، نمره‌ای است که شرکت‌کنندگان در پاسخ به مقیاس دلبستگی به خدا (روات و کرک‌پاتریک، ۲۰۰۲) کسب می‌کنند.

۳-۶-۱- خودمهارگری

خودمهارگری به ظرفیت فرد برای غلبه کردن و بازداری تکنه‌های غیرقابل‌پذیرش و نامطلوب و نظم دادن به رفتارها، تفکرات و هیجانات خود اشاره دارد (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴).

در پژوهش حاضر، منظور از خودمهارگری، نمره‌ای است که شرکت‌کنندگان در پاسخ به مقیاس خودمهارگری (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴) کسب می‌کنند.

-
1. the McMaster family assessment device
 2. Granqvist, P.
 3. Mikulincer, M.
 4. Shaver, P. R.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش

۱-۲- مقدمه

این فصل به بررسی مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش اختصاص دارد. در این فصل ابتدا مبانی نظری پژوهش حاضر، در قالب سه متغیر دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده به تفصیل ذکر خواهد گردید. سپس پیشینه تجربی پژوهش در زمینه هریک از متغیرها و روابط دوگانه و سه‌گانه آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد تا پشتوانه‌های تجربی پژوهش یافت شده و خلأهای موجود در پیشینه آن آشکار گردد.

۲-۲- مبانی نظری

در این بخش هریک از متغیرهای پژوهش از بعد نظری مورد بررسی قرار گرفته و تعاریف، اهمیت، تاریخچه و دیدگاه‌های نظری درباره هریک مرور خواهد شد. از آنجاکه پژوهش حاضر در یک جامعه اسلامی صورت می‌پذیرد، در پایان مباحث هر متغیر، به اختصار به دیدگاه اسلام درباره آن مفهوم پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۲- کارکرد خانواده

۱-۲-۱-۱- مفهوم خانواده

گرچه ارائه تعریف واحد برای خانواده بسیار سخت است؛ ولی می‌توان گفت اصطلاح خانواده در محدودترین معنا، به واحد خویشاوندی بنیادی اطلاق می‌شود و در شکل هسته‌ای آن، خانواده مرکب است از پدر، مادر و فرزندان (پورافکاری، ۱۳۷۳). همچنین خانواده را می‌توان گروه کوچک متشکل از افرادی دانست که از طریق پیوند زناشویی یا خونی با یکدیگر در ارتباط متقابل هستند و در کنار

یکدیگر در واحدی خاص زندگی می‌کنند، از تجارب فرهنگی مشترکی برخوردارند و اهداف و امیال مشترک، آن‌ها را از نظر عاطفی با یکدیگر پیوند داده است (نظری، ۱۳۹۴، ص ۲۴)

۲-۲-۱-۲- اهمیت مطالعه حوزه خانواده

خانواده مهم‌ترین رکن اجتماع محسوب می‌شود، نهادی که سلامت یا اختلال آن تعیین‌کننده سلامت یا بیماری جامعه است (زاده‌وش و همکاران، ۱۳۸۷). خانواده را می‌توان بنیادی‌ترین و کهن‌ترین واحد اجتماعی دانست که مبدأ و منشأ پدید آمدن دیگر واحدهای متوسط و کلان اجتماعی، همچون عشیره، خویشاوندان، قبیله و به‌طور کلی، جامعه انسانی به حساب می‌آید (شرف‌الدین، ۱۳۸۶، ص ۸۴). خانواده می‌تواند نیازهای مادی، عاطفی، تکاملی و همچنین معنوی انسان‌ها را برطرف کند. این واحد اجتماعی مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است. اهمیت خانواده به اندازه‌ای است که سلامت و بالندگی هر جامعه‌ای وابسته به سلامت و رشد خانواده‌های آن است و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد (بیرو^۱، ۱۹۶۹، ترجمه ساروخانی، ۱۳۷۵). صاحب‌نظران بر این باورند که جامعه سالم از خانواده‌های سالم تشکیل شده است و شرط سلامت خانواده وجود روابط سالم و صحیح در این نهاد است (نظری، ۱۳۹۴، ص ۱۵).

از سویی خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت به شمار می‌آید. به همین دلیل، کمتر نظریه مربوط به شخصیت را می‌توان یافت که به نحوی در آن از تأثیر این عامل بر شکل‌گیری شخصیت انسان سخن به میان نیامده باشد (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۴۱).

۲-۲-۱-۳- مفهوم کارکرد خانواده

یکی از بهترین راه‌های شناخت و تعریف خانواده، بیان وظایف و کارکردهای آن است (نظری، ۱۳۹۴، ص ۲۱). کارکرد به معنای سودمندی، مورد استفاده بودن (ولندنبوس^۲، ۲۰۰۷، ترجمه احدی، جمهوری، خداوردیان و آزادفلاح، ۱۳۹۱)، وظیفه، عملکرد و کنش یک چیز است (ساعتچی، ۱۳۸۹).

1. Birou, A.

2. VandenBos, G. R.

همچنین به فعالیت یا رفتار مناسب یک شخص، یک اندام، یک ساختار، یک دستگاه، یا یک نقش اجتماعی تعریف شده، کارکرد گویند (ربر^۱، ۱۹۹۵، ترجمه کریمی، ۱۳۹۰). بر این اساس، می‌توان کارکرد خانواده را به معنای وظایف و فعالیت‌های مورد انتظار از یک خانواده دانست.

کارکرد خانواده پدیده‌ای بسیار پیچیده است (ایدلسون و اپستاین، ۱۹۸۲)، که به اعتقاد شک (۲۰۰۲) به کیفیت زندگی خانواده در سطح سیستمی یا روابط دوتایی اشاره دارد و به نمونه‌هایی از قبیل سلامت، شایستگی‌ها، کفایت‌ها، ضعف‌ها و قدرت‌های نظام خانواده برمی‌گردد (به نقل از سیف و اسلامی، ۱۳۸۷). همچنین از نگاه پورتس، براون و هاول (۱۹۹۲) کارکرد خانواده به معنای تولدانی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجادشده در طول حیات، حل کردن تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حدود مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد، باهدف حفاظت از کل نظام خانواده است (به نقل از کرامتی، مرادی و کاوه، ۱۳۸۴).

۴-۱-۲-۲- اهمیت مطالعه کارکرد خانواده

بررسی کارکردهای خانواده از موضوعاتی است که مورد توجه صاحب‌نظران رشته‌های مختلف، مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌درمانگری قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که برخی کارکردهای خانواده را می‌توان از مباحث بین‌رشته‌ای برشمرد (د. حسینی، ۱۳۸۸).

خانواده‌ها به سبب ارزش‌های فرهنگی و زمینه‌های قومی و سایر عوامل، ترکیب بسیار متفاوتی دارند و کنش خانواده سالم می‌تواند اشکال متفاوتی به خود بگیرد، لذا بررسی ویژگی‌هایی که در ارزیابی و کنش‌های خانواده و طبیعی یا غیرطبیعی بودن آن‌ها مطرح است و تعیین میزان اهمیت آن‌ها به گرایش و دیدگاه درمانگر مبتنی است. «کارکرد مطلوب خانواده» مفهوم مفیدی است که نه تنها در مورد مشکلات احتمالی به وجود آمده در خانواده، بلکه در تعیین این‌که آیا نیازهای زوجین و فرزندان آن‌ها، آن‌چنان‌که می‌بایست برطرف می‌شوند یا نه نیز مدنظر قرار می‌گیرد. هر خانواده باید هم نیازهای عاطفی و هم روان‌شناختی اعضای خود را برآورده سازد و کودکان را برای زندگی مستقل در دنیایی

که بعدها در آن قرار خواهند گرفت آماده سازد و در موقع مناسب آن‌ها را روانه جامعه کند (بارکر^۱، ۱۹۹۸، ترجمه دهقانی و دهقانی، ۱۳۷۵).

روابط و کارکرد مناسب خانواده برای سلامتی فرد، خانواده و جامعه ضروری است (واکر^۲ و شپرد^۳، ۲۰۰۸، ص ۱). نقش کارکرد خانواده در تمامی ابعاد و زمینه‌ها بر روی رفتار، شخصیت و رشد استعدادهای گوناگون فرد قابل توجه و مهم است. محققان علوم رفتاری، محیط مناسب را گلستان استعدادها و محیط مناسب را گورستان استعدادها می‌دانند (جهانگیری، ۱۳۸۳).

۵-۱-۲-۲- تاریخچه خانواده و خانواده‌درمانی

قدمت خانواده به اندازه قدمت تاریخ بشریت است. گرچه خانواده در طول تاریخ، رشد و تکامل یافته است. لیکن بسیاری از وظایف و کارکردهای اولیه خود را همچنان حفظ کرده است. بدین ترتیب که خانواده‌ها فرزندان را در دامن خود بزرگ می‌کنند و باهم بودن را به آن‌ها می‌آموزند. زمینه را برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و ایفای نقش‌های مهمی در قالب فرزندان، همسران و خویشان فراهم می‌سازند (گلادینگ^۴، ترجمه بهاری، ۱۳۸۶).

خوامناخواه مشکلاتی در درون خانواده بروز می‌کند. خانواده‌ها به عنوان نیروهای قدرتمندی تلقی می‌شوند که به عنوان یک کلیت، خواه به سود و یا به زیان اعضای خود، بر آن‌ها تأثیرگذارند (گلادینگ، ترجمه بهاری، ۱۳۸۶). خانواده‌درمانی اصطلاحی جامع و گسترده برای طیفی از روش‌هاست که در رابطه با مشکلات و مسائل زیستی، روانی و اجتماعی خانواده به کار می‌رود (کار^۵، ۲۰۰۰، ترجمه تبریزی، ۱۳۸۴). از آنجا که مفهوم کارکرد خانواده در عرصه روان‌شناسی، بیشتر در فضای خانواده‌درمانی مطرح می‌شود، لذا در اینجا به تاریخچه تحولات خانواده‌درمانی به اختصار اشاره می‌گردد:

-
1. Barker, P.
 2. Walker, R.
 3. Shepherd, C.
 4. Gladding, S. T.
 5. Carr, A.

در گستره خانواده‌درمانی، در طول زمان، افراد و دیدگاه‌ها و نظریه‌های متعددی ظهور نموده‌اند. پیش از سال ۱۹۴۰ در روان‌درمانی تأکید بر فرد و روان تحلیلی بود. به‌تدریج آموزش مهارت‌های تربیت فرزند و همچنین مشاوره ازدواج توسط برخی از روان‌شناسان آغاز گردید. طی سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۹ انجمن مشاوران ازدواج آمریکا تأسیس شد و میلتن اریکسون^۱ روش‌های درمانی را رواج داد که بعدها از سوی خانواده‌درمانی پذیرفته شد. در بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹ ناتان آکرمن^۲ رویکرد روان تحلیلی را برای کار کردن با خانواده‌ها مطرح کرد. کارل ویتاکر^۳ اولین کنفرانس را درباره خانواده‌درمانی برگزار کرد. در طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۹ جی هیلی^۴ رویکردهای درمانی میلتن اریکسون را پالایش و معرفی کرد و اولین نشریه در خانواده‌درمانی منتشر شد. جی هیلی کتاب روان‌درمانی خانواده (۱۹۷۶) را منتشر کرد. انجمن خانواده‌درمانی آمریکا در سال ۱۹۷۷ شروع بکار کرد و در سال ۱۹۹۰ خانواده‌درمانی‌های متمرکز بر راه‌حل گسترش یافتند (گلادینگ، ترجمه بهاری، ۱۳۸۶). دهه ۹۰ نقطه حرکت خانواده‌درمانی به‌سوی یکپارچگی و وحدت به‌حساب می‌آید (گلدنبرگ^۵ و گلدنبرگ^۶، ۲۰۰۸، ترجمه حسین‌شاهی، نقش‌بندی و ارجمند، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵).

۶-۱-۲-۲- دیدگاه‌ها و نظریات در باب کارکرد خانواده

خانواده در شکل‌های مختلف آن، همواره کارکردهای متعددی را ایفا کرده است. دو تن از جامعه‌شناسان به نام‌های ویلیام آگبرن^۷ و کلارک تیبیتس^۸ شش کارکرد اساسی خانواده را مورد تأکید قرار می‌دهند که عبارت‌اند از: تولیدمثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عاطفه و همراهی و تأمین پایگاه اجتماعی. از کارکردهای دیگر خانواده می‌توان به آموزش، تربیت دینی، تأمین پدر مشروع، کنترل اجتماعی، تأمین نیازهای اقتصادی، انتقال کالاهای مادی، گذراندن اوقات فراغت و رشد و تثبیت شخصیت اشاره نمود (بستان، ۱۳۸۳).

-
1. Erickson, M. H.
 2. Acerman, N.
 3. Whitaker, C.
 4. Haley, J. D.
 5. Goldenberg, I.
 6. Goldenberg, H.
 7. Ogburn, W. F.
 8. Tibbitts, C.

اسکینر و همکارانش، از دیدگاه روان‌شناختی، کارکرد خانواده را در هفت بعد مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از انجام وظیفه، ایفای نقش، ارتباط، ابراز محبت، دخالت عاطفی، کنترل و تعیین ارزش‌ها و هنجارها (اسکینر^۱، استین‌هاور^۲ و سیتارنیوس^۳، ۲۰۰۰).

اگرچه این دو دیدگاه جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه در مورد کارکرد خانواده نقاط مشترکی با یکدیگر دارند، ولی از جهاتی باهم متفاوت‌اند. اما آنچه دارای اهمیت است توجه به کارکرد خانواده در هر دو رشته علمی است و این امر اهمیت پرداختن به بحث کارکرد خانواده و انتظاری را که از خانواده می‌رود، روشن می‌نماید (د. حسینی، ۱۳۸۸).

بنا بر نظریه کارکردگرایی در علم جامعه‌شناسی، کارکرد به اثر یا پیامدی گفته می‌شود که یک پدیده در ثبات، بقاء و انسجام نظام اجتماعی دارد (محسنی، ۱۳۹۳، ص ۵۳). بر طبق اصل «عمومیت کارکردی» در نظریه مذکور، همه پدیده‌های اجتماعی دارای کارکرد مثبت‌اند و پدیده‌های فاقد کارکرد یا دارای کارکرد منفی قابلیت بقاء ندارند (گولدنر^۴، ترجمه ممتاز، ۱۳۶۸، ص ۴۵۸). از طرفی بنا بر اصل «ضرورت کارکردی»، هر امر اجتماعی دارای کارکردی منحصر به فرد است که هیچ امر غیر سنخ آن نمی‌تواند بدیل آن واقع شود (ریتزر^۵، ۲۰۱۰، ترجمه ثلاثی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). خانواده نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی، کارکردهای منحصر به فردی دارد که بدون آن‌ها قادر به بقا نیست و پایداری نهاد خانواده در طول دوره‌های مختلف تاریخی دلالت بر کارکردی بودن این نهاد دارد (نظری، ۱۳۹۴، ص ۱۵). اما درباره این که کارکردهای خانواده چیست، نظریات مختلفی وجود دارد: به اعتقاد سون^۶ و همکاران (۲۰۰۶) کارکردهای خانواده عبارت‌اند از چگونگی ارتباط، تعامل، حفظ روابط، چگونگی تصمیم‌گیری‌ها و حل مشکلات اعضای خانواده. علینی (۱۳۹۴) کارکردهای خانواده را به سه دسته زیستی - روانی، تربیتی - اجتماعی و مراقبتی - حمایتی تقسیم نموده است. از کارکردهای دسته اول می‌توان به تنظیم رفتار، تولیدمثل و آرامش روانی اشاره نمود. همچنین دسته دوم مواردی همچون

-
1. Skinner, H.
 2. Hauer, S.
 3. Sitarenios, G.
 4. Gouldner, A. W.
 5. Ritzer, G.
 6. Sven, S.

آموزش و تربیت، جامعه‌پذیری و اوقات فراغت و دسته سوم نیز کارکردهایی همچون مراقبت، حمایت و کنترل را شامل می‌شود.

نکته مهم در این باره این است که کارکردهای خانواده ممکن است کاملاً متنوع باشد، اما کارکرد اصلی خانواده باید برآوردن نیازهای فردی اعضای خانواده باشد. مثلاً در موقع لطمه شدید به یکی از اعضای خانواده، این نیازها امکان دارد به شکل تقاضای فزاینده برای منابع و وقت خانواده درآید (زاده‌محمدی و ملک‌خسروی، ۱۳۸۵).

۷-۱-۲-۲- الگوهای کارکرد خانواده

تاکنون نظریه‌های مختلفی درباره کارکرد خانواده ارائه شده است. هر نظریه بر اساس نگاهی که به خانواده و ساختار و نیازهای آن دارد، کارکردهای مختلفی برای خانواده بیان می‌نماید. برخی از این نظریه‌ها بدین قرار است:

۱-۷-۱-۲-۲- الگوی ساختاری مینوچین

رویکرد ساختاری در ارزیابی خانواده‌ها، توسط مینوچین^۱ و همکارانش شکل گرفت. مینوچین (۱۹۷۴) به نقل از عباسی، (۱۳۹۲) معتقد است که رویکرد ساختاری به خانواده بر مبنای این مفهوم استوار است که خانواده چیزی بیش از پایه‌های روانی - زیستی منفرد اعضای آن است. اعضای خانواده در قالب آرایه‌های خاصی که حاکم بر تبادلهای آنان است، باهم رابطه برقرار می‌کنند. این آرایه‌ها اگرچه به‌وضوح ابراز یا حتی شناسایی نمی‌شوند، یک کل، یعنی یک ساخت خانوادگی را به وجود می‌آورند. ماهیت این ساختار از نظم و ترتیبی تبعیت می‌کند که با ماهیت فردی یکایک اعضا متفاوت است.

سیمون^۲، کلمنت^۳ و اشتیرلین^۴ (۱۹۹۶) اعتقاد دارند که مینوچین در روند ارزیابی یک سیستم خانوادگی شش بعد مختلف را در نظر گرفته است: (۱) الگوهای تعاملی ترجیحی (۲) انعطاف‌پذیری و ظرفیت سیستم که عمدتاً در اتحادهای خانوادگی نمایان می‌گردد (۳) بازتاب، یعنی توجه اعضای

-
1. Minuchin, S.
 2. Simon, F. B.
 3. Clement, U.
 4. Stierlin, H.

خانواده نسبت به یکدیگر ۴) بافت زیستی که هم ذخایر موجود و هم تنگناهای احتمالی در خانواده را تشریح می‌کند ۵) مرحله رشد و تکامل کنونی خانواده و این مطلب که وظایف و اقدامات متناسب با این مرحله تا چه حد جامعه عمل می‌پوشد ۶) اهمیت تعارض و حفظ الگوهای تعاملی ترجیحی (به نقل از عباسی، ۱۳۹۲). این رویکرد شیوه‌های درک سیستم‌های اصلی و فرعی خانواده و مرزهای آن را نیز به درمانگر یادآور می‌شود (زاده‌محمدی و ملک‌خسروی، ۱۳۸۵).

۲-۲-۱-۷-۲- الگوی اولسون

اولسون^۱ و همکارانش در الگوی چند مختصاتی^۲ خود به دو جنبه رفتار خانواده یعنی یکپارچگی و انطباق‌پذیری اهمیت بنیادین داده و علاوه بر آن بعد تسهیل‌کنندگی را نیز مطرح می‌نماید (اولسون، ۲۰۰۰). بعد انطباق‌پذیری از پایین به بالا در مقوله‌هایی به صورت خشک، ساختارمند، انعطاف‌پذیر و هرج‌ومرج‌گونه مشخص می‌شوند. مقوله‌های ساختارمند و انعطاف‌پذیر، دو سطح ملایم کارکرد هستند. بعد یکپارچگی در چهار سطح گسسته، جداشده، متصل و به هم تنیده مشخص می‌شوند. فرض بر آن است که سطوح بالای به هم تنیدگی یا سطوح پایین یکپارچگی ممکن است برای خانواده‌ها مشکل‌ساز باشند. خانواده‌هایی که آشکارا در هر دو بعد یکپارچگی و انطباق‌پذیری خیلی بالا یا خیلی پایین هستند، ناکارآمد به نظر می‌رسند (گلادینگ، ترجمه بهاری، ۱۳۸۶).

۲-۲-۱-۷-۳- الگوی بیورس

این الگو توسط بیورس^۳ در سال ۱۹۸۱ معرفی شد (بیورس و همپسون^۴، ۲۰۰۰) و دارای دو محور است؛ یکی مربوط به کیفیت سبک تعامل خانواده که تحت عنوان گرایش به مرکز^۵، آمیخته و گریز از مرکز^۶ طبقه‌بندی می‌شوند و دیگری پیوستار گرمسیری (انعطاف و انطباق) نامیده می‌شود که ساختار، اطلاعات موجود و انعطاف‌پذیری انطباقی نظام خانواده را دربر می‌گیرد و مربوط به میزان کارایی خانواده است. بر همین اساس خانواده‌ها به پنج دسته تقسیم می‌شوند: خانواده‌های با کارکرد شدیداً

1. Olson, D. H.

2. circumplex model

3. Beavers, R.

4. Hampson, R. B.

5. centripetal

6. centrifugal

مختل، خانواده‌های مرزی، خانواده‌های متوسط، خانواده‌های باکفایت مناسب و خانواده‌های با کارکرد بهینه (بارکر، ۱۹۹۸، ترجمه دهقانی و دهقانی، ۱۳۷۵). از طرف دیگر، کرانه‌ها در سبک تعاملی نامرکزگرا یا مرکزگرا، احتمال دارد که موجب کارکرد خانوادگی ضعیف شوند. خانواده‌های دارای سبک مرکزگرا اعضایی دارند که رضایت از رابطه‌شان را به صورت آمدن به درون خانواده می‌بینند. آن‌ها تمایل دارند بچه‌هایی را پرورش دهند که خانواده از آن‌ها سفت‌وسخت مراقبت می‌کند؛ به طوری که مستعد رفتار ضداجتماعی، غیرمسئولانه و خودمحورانه هستند و انواع خاص نشانه‌های مرضی را در نوجوانی نشان می‌دهند. مشخصه خانواده‌های دارای سبک گریز از مرکز، تمایل به بیرون راندن اعضا و دیدن رضایت از رابطه‌شان به صورت بیرون آمدن از خانواده می‌باشد. احتمال دارد آن‌ها فرزندی را تربیت کنند که از نظر اجتماعی منزوی، درهم‌ریخته و یا کناره‌گیر باشند (گلادینگ، ترجمه بهاری، ۱۳۸۶).

۴-۷-۱-۲-۲- الگوی مک‌مستر

بررسی کارکرد خانواده طبق مدل مک‌مستر^۱، توسط گروهی از محققین روان‌شناس بالینی، تحت سرپرستی ناتان اپستاین در دانشگاه مک‌گیل^۲ در شهر مونترال کانادا، بیش از ۵۰ سال پیش آغاز شد (یوسفی، ۱۳۹۱). در حقیقت الگوی مک‌مستر (اپستاین، بیشاپ و لوین^۳، ۱۹۷۸) شکل تکامل‌یافته‌ای است از یک الگوی انتشار نیافته به نام طرح طبقات خانوادگی که برای نخستین بار در سال ۱۹۶۲ مطرح گشت. این الگو، راه مفیدی برای بررسی خانواده‌ها ارائه داده و بر رویکرد نظام‌دار استوار است (بارکر، ۱۹۹۸، ترجمه دهقانی و دهقانی، ۱۳۷۵). یکی از مبانی زیربنایی خانواده‌درمانی مک‌مستر این است که به خانواده به عنوان یک نظام باز نگاه می‌کند. در این نگاه نظام چیزی فراتر از جمع تک‌تک افراد است.

الگوی مک‌مستر همه جنبه‌های کارکرد خانواده را در برنمی‌گیرد. بلکه بر ابعادی از کارکرد خانواده تأکید دارد که بر سلامت هیجانی و جسمی یا مشکلات اعضای خانواده، بیشترین تأثیر را دارند (رایان^۴، ۲۰۰۵، ترجمه بهرامی، ۱۳۹۱، ص ۴۴). ابعاد کارکرد خانواده که در الگوی مک‌مستر مورد

-
1. McMaster model of family functioning
 2. McGill
 3. Levin, S.
 4. Ryan, C. E.

تأکید قرار می‌گیرد عبارت‌اند از حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتاری.

در نگاه الگوی مک‌مستر، کارکرد اصلی واحد خانواده ایجاد موقعیتی برای رشد اجتماعی، روانی و زیستی و بقای اعضای خانواده است. در طی فرایند برآوردن این کارکرد، خانواده‌ها با مسائل و مشکلات یا تکالیفی مواجه می‌شوند که به سه حوزه دسته‌بندی می‌شوند. چنانچه خانواده‌ها توان مواجه‌شدن مؤثر با این حوزه‌های وظیفه را نداشته باشند، به‌احتمال بیشتری مشکلات مهم بالینی یا رفتارهای ناسازگار را پدید می‌آورند. این سه حوزه عبارت‌اند از:

حوزه وظایف اساسی: این حوزه مهم‌ترین حوزه وظایف خانواده به شمار می‌رود. همان‌طور که از نام آن برمی‌آید این حوزه مسائل ابزاری مثل تهیه خوراک، پول، حمل‌ونقل و سرپناه را شامل می‌شود.

حوزه وظایف تحولی: این وظایف با مسائل خانوادگی‌ای مرتبط هستند که در طی مراحل تحولی در سطح فرد و خانواده پدید می‌آیند. سطح فردی بحران‌ها عموماً در سنین نوزادی، کودکی، نوجوانی، میان‌سالی و پیری رخ می‌دهد. سطح خانوادگی بحران‌ها ممکن است در مرحله آغاز زندگی زناشویی، اولین بارداری، یا آشیان خالی رخ دهد.

حوزه وظایف در شرایط اضطراری: این حوزه وظیفه عبارت است از مواجه‌شدن با بحران‌هایی که ممکن است در طی بیماری، تصادف، از دست دادن درآمد، تغییر شغل و غیره پدید آیند (رایان، ۲۰۰۵، ترجمه بهرامی، ۱۳۹۱، ص ۴۵).

در پژوهش حاضر از الگوی مک‌مستر به‌عنوان مبنای نظری بررسی کارکرد خانواده استفاده گردید، زیرا این الگو به‌عنوان یک الگوی پیشرفته خانواده‌درمانی، دارای همگنی درونی و اثربخشی مشخص است. زیربنای نظری این الگو بر اساس فرآیند درمان جمعی میان درمانگر و اعضای خانواده‌پیریزی شده است. مدل مک‌مستر چارچوب مفهومی مناسبی را برای ارزیابی و تشخیص کارکرد خانواده و درمان آن به دست می‌دهد. این مدل نتیجه سال‌ها کار کردن با انواع خانواده‌ها با مشکلات متفاوت است (رایان، ۲۰۰۵، ترجمه دهقانی و عباسی، ۱۳۹۰، صص ۱۵-۱۶)

۱-۴-۷-۱-۲-۲-۲-ابعاد کارکرد خانواده در الگوی مک‌مستر

١-١-٤-٧-١-٢-٢- حل مسئله

حل مسئله به معنای توانایی خانواده برای حل مسئله در سطحی است که خانواده بتواند کارکرد مؤثر خود را حفظ کند. مشکلات خانوادگی موضوعی است که یکپارچگی و توانایی کارکرد خانواده و این که خانواده گاهی با حل مشکلات مواجه هستند را مورد تهدید قرار می دهد. تعدادی از خانواده ها مشکلات حل نشده ای دارند که هرگز تمامیت آن ها و کارکردشان را تهدید نمی کند. این مشکلات در نظر گرفته نشده است. شاید تصور شود که خانواده های نامؤثر نسبت به خانواده های با کارکرد مؤثر مشکلات بیشتری دارند؛ اما نتایج پژوهش ها چیز دیگری را نشان می دهند. اگرچه خانواده ها با دامنه ای از مشکلات مشابه مواجه هستند، ولی خانواده های با کارکرد مؤثر مشکلات را حل کرده، در حالی که خانواده های با کارکرد نامؤثر نمی توانند چنین باشند.

و در زمینه‌های ابزاری و عاطفی باهم در ارتباط باشند. در مقابل، بدترین حالت این است که یک خانواده باهم به صورت کاملاً مبهم و غیرمستقیم ارتباط داشته باشند (رایان، ۲۰۰۵، ترجمه بهرامی، ۱۳۹۱، ص ۴۱-۴۲).

۳-۱-۴-۷-۱-۲-۲- نقش‌ها

نقش‌ها الگوهای تکراری رفتار هستند که اعضای خانواده مطابق با آن‌ها عمل می‌کنند. خانواده‌ها باید بر بعضی از اعمال به صورت مداوم نظر داشته باشند تا همواره به صورت یک سیستم سالم و کارا باقی بمانند. پنج کارکرد ضروری خانواده که هرکدام تعدادی فعالیت دیگر را در برمی‌گیرند، در قالب نقش‌ها قابل طرح است:

- تهیه کردن منابع، مانند تهیه غذا، پوشاک، پول و سرپناه.
 - تربیت و حمایت، از جمله تأمین آسایش، راحتی، اطمینان خاطر و حمایت از اعضای خانواده.
 - رضایت جنسی بزرگسالان، به معنای سطحی از فعالیت جنسی که برای ایجاد رضایت جنسی بین والدین نیاز است (که در خانواده‌های مختلف می‌تواند بسیار متفاوت باشد).
 - رشد شخصی، که فعالیت‌های مربوط به رشد و پرورش مهارت‌های زندگی را شامل می‌شود؛ مانند کمک به بچه‌ها برای شروع و پیشرفت در مدرسه، کمک به بزرگسالان برای اخذ یک شغل و همچنین کمک برای پرورش بعد اجتماعی اعضای خانواده.
 - نگهداری و اداره سیستم خانواده، که وظایفی همچون تصمیم‌گیری و رهبری، عضویت و مرزها (در ارتباط با خانواده‌های گسترده، دوستان و ...)، نظارت بر رفتار و حفظ استانداردها و قوانین رفتاری، مدیریت بودجه خانوادگی و وظایفی مربوط به سلامت را در برمی‌گیرد.
- دو جنبه مهم در بعد نقش‌ها در خانواده، تخصیص نقش و پاسخ‌گویی نقش است. بدین معنا که آیا این نقش درست تخصیص داده شده است و آیا فرد موردنظر نقش مربوطه را به درستی انجام می‌دهد

یا خیر. نقش‌ها در یک خانواده ممکن است مرتبط با قومیت یا مذهب و یا روش زندگی والدین باشد (رایان، ۲۰۰۵، ترجمه بهرامی، ۱۳۹۱، صص ۴۵-۴۳).

۴-۱-۴-۷-۱-۲-۲- پاسخ‌دهی عاطفی

در این بعد از ابعاد کارکرد خانواده، نحوه پاسخ‌دهی اعضای خانواده به محرک‌های عاطفی مدنظر است. در این زمینه دو جنبه از پاسخ‌های عاطفی موردتوجه قرار می‌گیرد: آیا اعضای خانواده قادرند به طیف وسیعی از احساسات تجربه‌شده در زندگی عاطفی‌شان پاسخ دهند یا خیر؟ و آیا آن‌ها هیجاناتی یکنواخت و متناسب با محرک یا بافت تحریک‌کننده را تجربه می‌کنند یا خیر؟

در این بعد بر کیفیت، کمیت و کفایت این پاسخ‌ها در اعضای خانواده تمرکز می‌شود. اعضای خانواده باید با عشق و ملاحظت به هم پاسخ دهند، نه با خشم و ناراحتی. در غیر این صورت باید این‌گونه فرض کرد که چیزی در خانواده تحریف شده است. علاوه بر این، احتمال دارد رشد شخصی بچه‌های چنین خانواده‌هایی به تعویق بیفتد. در خانواده‌های کارآمد، اعضای خانواده دامنه وسیع‌تری از هیجانات را تجربه می‌کنند و پاسخ‌های عاطفی مناسب‌تری نیز می‌دهند (رایان، ۲۰۰۵، ترجمه بهرامی، ۱۳۹۱، صص ۴۷-۴۶).

۴-۱-۵-۷-۱-۲-۲- مشارکت عاطفی

مشارکت عاطفی بسیار گسترده است و طی آن اعضای خانواده علاقه و ارزشی که برای فعالیت‌های خاص با اعضای خانواده قائل‌اند را نشان می‌دهند. در اینجا بر میزان علاقه‌ای که اعضا به مشارکت با یکدیگر دارند و شیوه‌ای که این علاقه را نشان می‌دهند، تمرکز می‌شود. دامنه‌ای از سبک‌های مشارکت وجود دارد که عبارت‌اند از:

- **فقدان مشارکت:** اعضای خانواده، هیچ علاقه یا سرمایه‌گذاری نسبت به یکدیگر نشان نمی‌دهند. آن‌ها مثل یک گروه دانش‌آموزان شبلنه‌روزی، فقط در کارکردها و محیط‌های ابزاری و فیزیکی باهم شریک هستند.

- **مشارکت عاری از احساسات:** در این نوع مشارکت، علاقه کمی از سوی اعضا دیده می‌شود؛ ولی سرمایه‌گذاری اندکی از خود یا احساساتشان در روابط نشان می‌دهند. سرمایه‌گذاری فقط زمانی صورت می‌گیرد که از فرد تقاضا می‌شود و حتی در چنین شرایطی، حداقل انرژی را صرف اعضای خانواده می‌کند. علاقه‌اش هم اساساً عقلانی است.
 - **مشارکت خود - دوستارانه:** سرمایه‌گذاری برای دیگران، اساساً خود-محورانه است و فرد در موقعیت‌های خاص هیچ اهمیتی برای دیگران قائل نیست.
 - **مشارکت همدلانه:** اعضای خانواده، توجه عاطفی حقیقی در علاقه به یکدیگر نشان می‌دهند. حتی ممکن است آن‌ها را به خواسته‌های خودشان ترجیح دهند.
 - **مشارکت افراطی:** این شیوه با رفتارهای محافظتی و مداخله‌ای افراطی در اعضای خانواده نسبت به یکدیگر شناخته می‌شود.
 - **مشارکت همزیستانه:** این مشارکت آنقدر شدید است که مرزهای بین دو یا چند نفر از اعضای خانواده از بین می‌رود. این نوع فقط در روابط به‌شدت آشفته دیده می‌شود که در آن‌ها به‌سختی یک عضو از سایر اعضا متمایز می‌شود.
- دامنه وسیعی از سبک‌های مشارکت عاطفی وجود دارد که مؤثرترین و سالم‌ترین شکل آن مشارکت همدلانه است؛ بنابراین هرچه خانواده‌ها از شیوه همدلانه دور شوند، کارکرد غیر مؤثرتری خواهند داشت (رایان، ۲۰۰۵، ترجمه بهرامی، ۱۳۹۱، صص ۴۹-۴۸).

۶-۱-۴-۷-۱-۲- کنترل رفتار

- بعد کنترل رفتار به توصیف الگویی می‌پردازد که خانواده برای مدیریت رفتار در سه حوزه خاص به کار می‌برد:
- موقعیت‌های خطرناک فیزیکی، مثل بازی کردن بچه با کبریت و دویدن بی‌محابا در خیابان یا رانندگی بی‌ملاحظه، نوشیدن افراطی مشروبات الکلی یا اقدام به خودکشی برای بزرگسالان.

- موقعیت‌هایی که شامل بروز و نشان دادن نیازها و سابق‌های زیستی روانی می‌شوند؛ یعنی وضع الگوهای برای کنترل رفتار هنگام مواجهه با نیازهای زیستی روانی خود از قبیل خوردن، خوابیدن، رابطه جنسی و پرخاشگری.
- موقعیت‌هایی که شامل رفتارهای اجتماعی بین اعضای خانواده و رفتارهای اجتماعی نظام خانواده با دنیای خارج می‌باشد. اعضای خانواده در مورد رفتار اجتماعی چه درون و چه بیرون سیستم خانواده، استانداردهای خاصی را وضع می‌کنند.
- همچنین خانواده‌ها میزان انعطاف‌پذیری در مقید بودن به این استانداردهای رفتاری را نیز تعیین می‌کنند. چهار سبک کنترل رفتار، بر پایه استانداردها و میزان انعطاف‌پذیری استوار هستند:
- **کنترل رفتار انعطاف‌ناپذیر:** قوانین محدود و سخت‌گیرانه که گفتگو یا انعطاف‌پذیری سهم کوچکی در آن‌ها دارد.
- **کنترل رفتار انعطاف‌پذیر:** قوانین و استانداردهای منطقی، به همراه فرصت گفتگو و تغییر.
- **بدون کنترل:** سهل‌گیری و بی‌توجهی کامل و فقدان استاندارد و دستورالعمل.
- **کنترل رفتار هرج و مرجی:** خانواده بین بروز غیرقابل پیش‌بینی و تصادفی کنترل نامنعطف، منعطف و فقدان کنترل در نوسان است. اعضای خانواده نمی‌دانند که کدام استانداردها را در چه زمانی باید به کار ببرند و حتی نمی‌دانند که در صورت امکان چه میزان گفتگو امکان‌پذیر است (رایان، ۲۰۰۵، ترجمه بهرامی، ۱۳۹۱، صص ۴۹-۴۸).

۸-۱-۲-۲- خانواده و کارکردهای آن از دیدگاه اسلام

دین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین، تشکیل خانواده را بسیار مورد تأکید قرار داده است؛ تا آنجا که هیچ بنایی را نزد خداوند متعال محبوب‌تر از بنای خانواده نمی‌داند (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲). خداوند در قرآن تشکیل خانواده را مایه آرامش و کانون محبت می‌داند: «و از نشانه‌های خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا بدان‌ها آرامش یابید و در میان شما الفت و

مهربانی قرار داد. همانا که در این موضوع برای اندیشمندان نشانه‌هایی است (روم، ۲۱). «همچنین در آیه دیگری فرموده است: «اوست خدایی که شمارا از نفس واحدی آفرید و همسرش را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد (اعراف، ۱۸۹)». بر اساس آیات مذکور، می‌توان یکی از مهم‌ترین کارکردهای تشکیل خانواده را از دیدگاه اسلام کسب آرامش دانست. از طرفی در آیه شریفه مذکور، زندگی خانوادگی بر پایه نیرومند الفت و مهربانی استوار گردیده است؛ بنابراین می‌توان یکی دیگر از ثمرات و کارکردهای تشکیل خانواده را ایجاد الفت و مهربانی میان زن و شوهر دانست.

یکی دیگر از کارکردهای خانواده از نگاه اسلام آموزش و تربیت فرزندان است. بر اساس روایات اسلامی، ازدواج نقش مهمی در زمینه‌سازی تربیت نسل دارد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: «به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود جایگاهی مناسب انتخاب کنید» (شیخ حر عاملی، ج ۲۹، ص ۱۴). اهمیت این مسئله تا آن اندازه است که اسلام برای پیش از بارداری، دستورهای ویژه‌ای در مورد تغذیه و رفتارهای مادر و نوع رابطه او با دیگران دارد تا جنین در محیطی سالم و به‌دور از هرگونه رذیله اخلاقی و در شرایط کامل سلامت جسم و روح شکل بگیرد. سپس اسلام دستورهای خاصی برای مادر در دوران بارداری تدارک دیده است تا رشد و نمو جنین در بهترین شرایط صورت گیرد. پس از تولد فرزند نیز، آموزه‌های اسلام برای هر مرحله از رشد و تکامل، برنامه‌های ویژه‌ای را در باب تعامل کودک با پدر و مادر، آشنایان، دوستان و دیگران در نظر گرفته است تا پایه اولیه سرمایه اجتماعی در درون محیط خانواده به بهترین نحو شکل بگیرد (علینی، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

از دیگر کارکردهای خانواده از دیدگاه اسلام می‌توان به همیاری و حمایت معنوی اعضای خانواده از یکدیگر اشاره نمود. در برخی روایات آمده است که از ویژگی‌های همسر مناسب آن است که همسرش را در بندگی و اطاعت خداوند و انجام وظایف دینی یاری کند (شیخ حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۲۴ و ۲۵).

با توجه به این که در پژوهش حاضر، کارکردهای خانواده با رویکرد مک‌مستر مدنظر است، در اینجا برخی از ابعاد کارکرد خانواده که در این رویکرد مورد توجه قرار گرفته، از نگاه اسلام به اختصار بررسی می‌گردد:

• نقش‌ها و وظایف

در منابع اسلامی، سفارش‌های زیادی به اعضای خانواده در باب انجام وظایفشان صورت گرفته است. انجام وظایف پایه به عنوان یکی از وظایف اساسی مردان، از اهمیت خاصی برخوردار است. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «از ما نیست کسی که از لحاظ مال و ثروت در وسعت باشد، اما بر اهل و عیالش سخت بگیرد (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰۴، ص ۶۹)». همچنین در روایات اسلامی مردی که در جهت برآوردن نیازهای خانواده‌اش کوشش کند، هم‌مقام با مجاهد در راه خدا شمرده شده است (کلینی، بدون تاریخ، ج ۵، ص ۸۸).

قرآن کریم نیز نقش سرپرستی خانواده را به مرد سپرده است تا تأمین امور مادی خانواده، حمایت از اعضای خانواده، سرپرستی خانواده و فرایند تصمیم‌گیری و حفظ مرزهای خانواده محقق شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مردان سرپرست زنان هستند (نساء، ۳۴)».

• پاسخ‌دهی عاطفی

در تعالیم و توصیه‌های اسلام، به ارتباط شایسته و محبت‌آمیز میان اعضای خانواده سفارش شده است. قرآن کریم درباره ارتباط مردان با همسرانشان می‌فرماید: «با آنان (زنان) به شایستگی ارتباط برقرار کنید (نساء، ۱۹)». همچنین شاخص‌های روابط کلامی مطلوب میان اعضای خانواده را می‌توان از دستورات عمومی بیان‌شده در آیات دیگر نیز برداشت نمود. برخی از این آیات عبارت‌اند از: «مبادا که گروهی گروه دیگر را مسخره کنند... از هم عیب‌جویی مکنید... یکدیگر را به القاب زشت بخوانید (حجرات، ۱۱)؛ چون جاهلان آنان را مخاطب سازند، به ملایمت سخن گویند (فرقان، ۶۳)؛ خدا بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد، مگر آن‌کس که به او ستمی شده باشد (نساء، ۱۴۸)؛ بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن (مؤمنون، ۹۶)».

اسلام برای استحکام بنای خانواده به زوجین سفارش می‌کند که به یکدیگر محبت نمایند و این محبت را در رفتارهای کلامی و غیرکلامی خود نشان دهند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «نشستن مرد نزد همسرش، نزد خداوند از اعتکاف در مسجد من برتر است.»

• کنترل رفتار

الگویی که آموزه‌های اسلامی در زمینه نظارت و کنترل اعضای خانواده می‌دهد، الگوی مسئولیت سرپرست خانواده نسبت به سایر اعضای آن می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم این‌گونه مردان را مورد خطاب قرار می‌دهد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتش دوزخ نگاه‌دارید (تحریم: ۶)». مرد به عنوان سرپرست خانواده وظیفه دارد خود و اعضای خانواده‌اش را در جهت رشد متعادل و کمال انسانی یاری کند و از مسائلی که موجب اختلال در کارکرد خانواده می‌شود، جلوگیری نماید (د. حسینی، ۱۳۸۸).

در کنترل همسران، کنترل مستقیم هریک از دو زوج بر رفتارهای طرف مقابل به‌ویژه رفتارهای جنسی خارج از چارچوب ازدواج، امری است که در بسیاری از فرهنگ‌های گذشته و حال به چشم می‌خورد و به شیوه مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌پذیرد. در شماری از آیات و روایات از ازدواج با کلمه «احصان» تعبیر شده است که از واژه «حصن» به معنای دژ و قلعه مشتق شده است و اشاره‌ای تلویحی به این مطلب دارد که هریک از دو همسر برای دیگری به‌منزله دژ و قلعه‌ای هستند که دیگری را از خطر افتادن در ورطه انحرافات جنسی نگاه می‌دارند (نساء، ۲۴ و ۲۵). همچنین آیه شریفه‌ای (بقره، ۱۸۷) که زنان را لباس مردان و مردان را لباس زنان معرفی کرده، به این نکته اشاره دارد که همچنان که لباس، زشتی‌ها و شرمگاه انسان را می‌پوشاند و موجب زینت و حفظ آبروی او می‌شود، زن و شوهر نیز با ارضای متقابل نیاز جنسی و پیش‌گیری از انحرافات، زشتی‌های همدیگر را می‌پوشانند و به این لحاظ، زینتی برای یکدیگرند (علینی، ۱۳۹۴).

۲-۲-۲- دلبستگی به خدا

۱-۲-۲-۲- مفهوم و تاریخچه دلبستگی

دلبستگی در ادبیات عامه به معنای پیوند عاطفی میان دو فرد است (پورافکاری، ۱۳۷۳). این پیوند عاطفی نیرومند، به طور معمول در زندگی هرکسی به وجود می‌آید و از نیازهای اولیه برای تحول شخصیت است (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۵۷).

ورود اصطلاح دلبستگی به علم روان‌شناسی در سال ۱۹۶۹، توسط جان بالبی^۱ و در قالب «نظریه دلبستگی» صورت گرفت (سیمپسون^۲، ۱۹۹۹). بدون شک نظریه دلبستگی، یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین دستاوردهای روان‌شناسی معاصر است (علیایی، سامانی و فانی، ۱۳۹۰). برخی پژوهش‌گران نظریه دلبستگی را به عنوان رستاخیز دوباره روان‌تحلیل‌گری و عامل مهم احیای دوباره این مکتب می‌دانند (شیور و میکولینسر، ۲۰۰۵).

دلبستگی را می‌توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد. این که کودک مراقب خود را که معمولاً مادر اوست، می‌جوید و به او می‌چسبد، مؤید وجود دلبستگی میان آنهاست. این دلبستگی و ارتباط عاطفی با مادر است که سبب می‌شود کودک به دنبال آسایش حاصل از وجود مادر باشد، بخصوص هنگامی که احساس ترس و عدم اطمینان می‌کند. نظریه دلبستگی بر این باور است که دلبستگی، پیوندی جهان‌شمول است و در تمام انسان‌ها وجود دارد (ابوحمز و خوشابی، ۱۳۸۷، صص ۳۱-۳۲).

درواقع، نظریه دلبستگی، یک نظریه روانی، تکاملی و رفتارشناسی است که یک چارچوب توصیفی برای درک روابط بین فردی بین انسان‌ها فراهم می‌کند. بالبی به منظور تدوین نظریه‌ای جامع از ماهیت دلبستگی، طیف وسیعی از زمینه‌ها و نظریه‌ها از جمله تکامل^۳ و انتخاب طبیعی، روابط موضوعی^۴،

1. Bowlby, J.

2. Simpson, J. A.

3. evolution theory

4. object relations

نظریه سیستم‌های کنترل^۱، زیست‌شناسی تکاملی^۲، رفتارگرایی و انسان‌گرایی را موردبررسی قرار داد (سیمپسون، ۱۹۹۹).

جان بالبی و مری اینسورث^۳ نظریه دلبستگی را با مطالعه کودکان و مراقبین آنها مطرح ساختند. سال‌ها نظریه دلبستگی فقط برای کودکان و مراقبین آنها به کار می‌رفت؛ تا این‌که اواخر دهه ۱۹۸۰ سندی هازن^۴ و فیلیپ شیور، نظریه دلبستگی را برای روابط عاطفی بزرگسالان نیز به کاربردند. هازن و شیور متوجه شدند که تعاملات عاطفی بین دو بزرگسال شباهت‌های زیادی به تعاملات بین کودکان و مراقبین آنها دارد. برای مثال زن و شوهر تمایل دارند تا باهم نزدیک و صمیمی باشند (ابوحمز و خوشابی، ۱۳۸۷، صص ۱۰۳-۱۰۴). درواقع پژوهش‌گران دریافتند که دلبستگی در فرایند زندگی، از مادر به نزدیکان، سپس به غریبه‌ها و سرانجام به گروه‌های وسیع‌تری تسری می‌یابد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۵۹).

۲-۲-۲-۲- مفهوم دلبستگی به خدا

دلبستگی به خدا تحت عنوان ارتباط و گرایش عاطفی فرد به خداوند تعریف می‌شود. در این تعلق‌خاطر، خداوند به‌عنوان پایگاه امنی شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جستجو کرد (گرنکوئست^۵، میکولینسر و شیور، ۲۰۱۰).

در اوایل دهه ۹۰ میلادی، روان‌شناسانی چون کرک‌پاتریک، نظریه دلبستگی و ارتباط کودک با مراقبین را به ارتباط با خدا، به‌ویژه در بزرگسالی بسط داده و مفهوم دلبستگی به خدا را وارد علم روان‌شناسی نمودند (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۵). البته پیش از آن نیز در نظریه‌های روان‌تحلیل‌گری، به شباهت رابطه کودک و والد با دین‌داری اشاره شده بود. به‌عنوان مثال، فروید^۶ خدا را یک چهره پدرانه قدرتمند و مذهب را در مقابل جهان ترسناک، پناهگاهی برای احساس ایمنی می‌داند (کرک‌پاتریک و هازن،

-
1. control theory
 2. evolutionary biology
 3. Ainsworth, M.
 4. Hazan, C.
 5. Granqvist, P.
 6. Freud, S.

۱۹۹۴). به عقیده کرک پاتریک، نظریه دلبستگی، چارچوب مناسبی برای تفهیم و تبیین بسیاری از ابعاد اعتقادات مذهبی، به ویژه درک ارتباط با خداست (کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۲). اصل اساسی در ادیان توحیدی، ایمان به وجود خدایی است که افراد رابطه‌ای نزدیک با او دارند. باور به این اصل، سرمنشأ کاربرد نظریه دلبستگی در بررسی ارتباط ادراک شده فرد با خداست (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۵۹).

با اندکی دقت، می‌توان رفتارها و احساس‌های دلبستگی را در مؤمنین به ادیان مختلف مشاهده نمود. بسیاری از مؤمنان خداوند را پناهگاه امن می‌دانند که در مواقع فشارهای روانی و تهدیدهای مختلف به او رو می‌آورند تا آرامش پیدا کنند و خداوند را پایگاه امن می‌دانند که برای آنان جسارت و تهور رودرویی با مشکلات را فراهم می‌کند. مسلمانان و مسیحیان در بسیاری از مناسک عبادی و رفتارهای نمادین خود، شاخص‌های رفتار دلبستگی از جمله جوارجویی نسبت به خداوند را نشان می‌دهند (چیتیک^۱، ۱۹۸۹ به نقل از غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰).

۳-۲-۲-۲- اهمیت مفهوم دلبستگی به خدا

دلبستگی به خدا یکی از مفاهیمی است که جایگاه ویژه‌ای در روان‌شناسی به خود اختصاص داده است^۲ (زاهد بابلان، رضایی و حرفتی، ۱۳۹۱). دلبسته بودن انسان مؤمن به خداوند و باور او به حضور فناپذیر خداوند در لحظه لحظه زندگی، منبعی سرشار از آرامش و آسایش برای او فراهم می‌آورد (کرک پاتریک، ۲۰۰۵، ترجمه محمودی، ۱۳۹۳، ص ۷۷).

از جنبه نظری، مفهوم دلبستگی به خدا از آن جهت اهمیت می‌یابد که چارچوب کارآمدی را برای تبیین دین و رفتارهای دین‌دارانه فراهم می‌سازد. اندیشمندان روان‌شناسی دین معتقدند از میان دیدگاه‌های مختلف و متنوع در روان‌شناسی، نظریه دلبستگی در تحلیل و تفسیر پدیده دین و مفاهیم وابسته به آن کارآمدتر عمل کرده است (کرک پاتریک، ۲۰۰۵، ترجمه محمودی، ۱۳۹۳، ص ۳).

1. Chittick, W. C.

2. attachment to God

اما برای فهم ارتباط دین و دلبستگی باید نگاهی دقیق‌تر به ماهیت دین داشت. فرم^۱ (۱۹۴۵) واژه دین را مشتق از واژه لاتین «religare»، به معنای «پایبندی» یا «relegere»، به معنای «گرد هم آمدن» می‌داند. به عبارتی مفهوم دین را می‌توان یک مفهوم ارتباطی دانست. محوریت مقوله رابطه در زندگی دینی توسط اندیشمندان متعددی بیان شده است. به عنوان مثال مکتب روابط موضوعی در روان‌تحلیل‌گری، تاریخچه‌ای طولانی در مفهوم‌سازی باور و تجربه دینی بر اساس روابط بین خویشتن و دیگران دارد. حتی مردم عادی نیز از این باور مستثنا نیستند؛ به طوری که ۵۱ درصد از شرکت‌کنندگان در یک نظرسنجی در آمریکا، در پاسخ به سؤال درباره ماهیت دین، آن را رابطه با خداوند دانسته‌اند (در مقابل ۲۰، ۱۹ و ۴ درصد برای سایر پاسخ‌ها) (کرک‌پاتریک، ۲۰۰۵، صص ۵۳-۵۴). از این روست که پژوهش‌گران به این ایده دست یافتند که رابطه بین انسان و خدا را می‌توان به عنوان رابطه دلبستگی تجسم نمود (کرک‌پاتریک و شیور، ۱۹۹۰). روان‌شناسان معتقدند بیشتر ویژگی‌های نظام دلبستگی، در ارتباط فرد با خداوند که به شکل دلبستگی به خدا متمایز شده است، به روشنی دیده می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها جست‌وجو و حفظ نزدیکی و مجاورت با خداست (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۹۴، ص ۵۹).

اما از جنبه کاربردی نیز، پژوهش‌های بسیاری به اهمیت مفهوم دلبستگی به خدا اشاره نموده و رابطه آن را با دیگر شاخص‌های روان‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند. به عنوان مثال، دلبستگی ایمن به خدا با شاخص‌های سلامتی و بهزیستی از قبیل خوش‌بینی، رضایت از زندگی، کاهش اضطراب و افسردگی و کاهش در نشانگان بیماری‌های جسمانی همراه است (کرک‌پاتریک و شیور، ۱۹۹۲؛ سیم^۲ و لو^۳، ۲۰۰۳). همچنین بر اساس پژوهش‌ها، شکل‌گیری و تحول دلبستگی (ایمن) به خدا، می‌تواند در شکوفایی معنوی انسان‌ها نقش اساسی داشته باشد (غباری‌بناب و حدادی‌کوهسار، ۱۳۹۰). افزون بر این دلبستگی ناایمن به خدا با سلامت روان پایین و مشکلات سازگاری، کاهش در سلامت

1. Ferm, V.

2. Sim, T. N.

3. Loh, B. S. M.

و بهزیستی مذهبی و وجودی، نوروزگرایی و افزایش هیجان‌های منفی توأم است (بک^۱ و مک دونالد^۲، ۲۰۰۴؛ روات^۳ و کرک‌پاتریک، ۲۰۰۲).

۴-۲-۲-۲- کارکردهای دلبستگی

گفته شد که مفهوم دلبستگی به خدا در چارچوب نظریه دلبستگی بالبی شکل گرفت. در همین راستا کرک‌پاتریک (۱۹۹۴) معتقد است که چهار ویژگی که اینسورث (۱۹۸۵)، برای دلبستگی انسانی (کودک - مراقب) برشمرده است، در ارتباط با خداوند به عنوان چهره دلبستگی، قابل ردیابی است. بر این اساس، او پنج معیار برای دلبستگی به خدا برشمرده است:

۱-۴-۲-۲-۲- جستجو و حفظ مجاورت با خداوند

کودکان وقتی به سنین نوجوانی می‌رسند، بر اثر رشد شناختی و تفکر انتزاعی، حتی در غیاب چهره دلبستگی و فقدان تعاملات دیداری یا کلامی، به صرف ادراک و آگاهی از اینکه چهره دلبستگی در صورت نیاز در دسترس است، احساس ایمنی می‌کنند. در دلبستگی به خدا نیز اگرچه فرد نمی‌تواند به‌طور فیزیکی به خدا نزدیک شود؛ اما بسیاری از رفتارهای مذهبی همانند نمازخواندن، دعا کردن و زیارت اماکن متبرکه، در ادیان و مذاهب مختلف، شبیه به واری‌های متناوب کودک برای اطمینان از این‌که چهره دلبستگی در دسترس و پاسخ‌گوست، می‌باشد و نوعی رفتار مجاورت‌جویانه با خداست.

۲-۴-۲-۲-۲- خداوند به عنوان پناهگاه امن

همان‌طور که کودک در شرایط استرس‌زا و بحرانی به سمت چهره اصلی دلبستگی (مراقب) برمی‌گردد، فرد مؤمن نیز در شرایط استرس، درماندگی و بحران، به خداوند به عنوان یک پناهگاه مطمئن رو می‌آورد.

-
1. Beck, R.
 2. McDonald, A.
 3. Rowatt, W.

همان‌طور که کودک، مادر را پایه و اساس ایمنی می‌داند و به پشتوانه او در محیط، کاوش می‌کند، فرد مؤمن نیز با اعتقاد به این‌که خدا پایه و اساس ایمنی است، احساس قدرت کرده و این امر باعث افزایش اعتماد به نفس و امنیت وی در لحظات اضطراب و ترس می‌شود و احساس ایمنی نیز باعث آرامش روحی شده و فرد را برای مقابله با مشکلات و چالش‌های زندگی آماده می‌کند.

اگرچه جدایی از خدا باعث اضطراب و فقدان او باعث غم و اندوه می‌شود؛ اما خداوند فراگیر است و همه‌جا حضور دارد. بنابراین فرد نمی‌تواند همان‌طور که از یک چهره دلبستگی انسانی جدا می‌شود، یا او را از دست می‌دهد، از خدا نیز جدا شود؛ بلکه افرادی که از آیین‌های دینی و مذهبی دور می‌شوند، نوعی اضطراب جدایی را تجربه می‌کنند و برای رسیدن به آرامش و احساس امنیت، درصدد جوارجویی با خداوند برمی‌آیند.

رابطه انسان و خدا بهتر از رابطه مراقب - کودک، این ویژگی را آشکار می‌کند و این ویژگی در ارتباط فرد با خدا نسبت به رابطه دو فرد عاشق بزرگسال نیز دائمی‌تر بوده و بیشتر حفظ می‌شود. شاید از مهم‌ترین تفاوت‌های موضوع دل‌بستگی به والدین و دل‌بستگی بزرگسالی با دل‌بستگی به خدا همین ویژگی باشد (شیخ، احمدی، غباری‌ناب و احمدی‌زاده، ۱۳۹۳).

پژوهش‌های گسترده‌ای که درباره ارتباط افراد با خداوند و سنجش نوع دلبستگی آنان به خدا انجام گرفت (به‌عنوان مثال: کرک‌پاتریک و شیور، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲؛ کرک‌پاتریک، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷ و روات و کرک‌پاتریک، ۲۰۰۲)، نشان داد که انسان‌ها با توجه به نوع رفتار و رابطه‌شان با خداوند، سه نوع سبک دلبستگی به خدا را از خود نشان می‌دهند:

1. secure attachment
2. avoidant attachment

افراد دارای نیم‌رخ دلبستگی ناایمن دوسوگرا^۱ افرادی هستند که معتقدند واکنش‌ها و رفتار خدا با آن‌ها ناهماهنگ (گاه بسیار صمیمی و گاه بسیار سرد) است. بدین ترتیب که خداوند برخی اوقات به نیازهای آن‌ها پاسخ می‌دهد و برخی اوقات پاسخ‌گوی نیازهای آن‌ها نیست و آن‌ها را به حال خود رها می‌کند (علیان‌سب، ۱۳۹۱، ص ۵۲). این افراد ممکن است ترکیبی از شاخص‌های زیر را گزارش دهند: (۱) عدم اعتماد و اطمینان به حمایت و حفاظت خداوند یا عدم ارزش‌دهی به آن‌ها؛ (۲) دل‌مشغولی - شیفگی متوسط تا افراطی نسبت به رابطه‌شان با خدا؛ (۳) احساسات مبهم نسبت به خدا (مثلاً: میل به نزدیکی به خدا، اما اضطراب از نزدیکی به دلیل احساس عدم پذیرش از طرف خداوند)، احساسات نوسانی همراه با سردرگمی درباره چگونگی نگرش خداوند نسبت به آن‌ها؛ (۴) تجارب رابطه‌ای که آمیزه‌ای از لحن‌های مثبت و منفی در محتوا دارند؛ (۵) صفات خدا در نگاه این افراد عبارت است از: تا حدی در دسترس، پاسخ‌گو، ولی عدم اطمینان به ثبات در پاسخ‌گویی، حاضر و حاضری، ولی با انتظار پا پس کشیدن از حضور در هر لحظه (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ به نقل از شیخ و دیگران، ۱۳۹۳).

۶-۲-۲-۲- منابع دلبستگی به خدا

از انواع سبک‌های دلبستگی به خدا سخن به میان رفت؛ اما سؤال اینجاست که چه عواملی موجب می‌شود که افراد سبک‌های مختلف دلبستگی به خدا را دارا شوند؟ در اینجا به مهم‌ترین این عوامل اشاره می‌شود:

۱. دلبستگی والدینی

بالبی (۱۹۶۹) تأکید کرد که روابط اولیه در کودکی، پایه و اساس ایجاد روابط دلبستگی در آینده است. بر این اساس، کرک‌پاتریک و شیور (۱۹۹۰) «فرضیه انطباقی^۲» را مطرح کردند، مبنی بر این که روابط اولیه دلبستگی، چارچوبی درباره روابط آینده، به‌ویژه ارتباط با خدا را فراهم می‌کند (شهبازی‌زاده، شهیدی و مظاهری، ۱۳۸۵).

-
1. ambivalent attachment
 2. correspondence hypothesis

۷-۲-۲-۲- دل‌بستگی به خدا از دیدگاه اسلام

۱-۷-۲-۲-۲- کارکردها و رفتارهای دلبستگی به خدا در متون اسلامی

در دین اسلام، مسلمانان ویژگی‌های انسانی را از خدا مبرا می‌دانند؛ بنابراین حضور خداوند در هستی با دکترین تجلی در هستی و به‌صورت سمبولیکی که هر چیزی آیه و آینه‌ای از خداوند است مطرح می‌شود. خداوند در هستی متجلی شده و هر چیز نشانی از اوست. همه چیز از خداوند است و به‌سوی او برگشت می‌نماید (بقره، ۱۵۶ و ۲۱۰؛ انعام، ۶۲). مؤمنان باور دارند که با خدای خود از طریق ذکر قلبی ارتباط برقرار می‌کنند. قرآن به ما یادآوری می‌کند که هرچه در شرق و غرب هست به خدا تعلق دارد، هرکجا که انسان‌ها بروند در حضور خداوند خواهند بود. خداوند حکیم و داناست و در همه‌جا حضور دارد (بقره، ۱۱۵). از این طریق است که مسلمانان علیرغم مبرا

3. Allen, J. P.

دانستن خداوند از ویژگی‌های انسانی، معتقد هستند که خداوند به آنان نزدیک است و پاسخ‌گو بوده، صدا و نجوای بندگان را می‌شنود و به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

وقتی از تجلی و حضور خداوند در هستی صحبت می‌شود، مؤمنان فراتر از پاسخ‌گو بودن و حضور فکر می‌کنند، آنان به نزدیک بودن خداوند حتی نزدیک‌تر از خودشان و رگ‌های گردنشان اشاره می‌کنند. همنوایی که هسته اصلی دلبستگی ایمن است به روابط نزدیک که در آن عواطف و احساسات طرفین نسبت به هم ردوبدل می‌شود اطلاق می‌شود. در این نوع رابطه، انگاره دلبستگی قادر است به‌طور مؤثر احساسات و هیجانات فرد نیازمند را درک نموده و به آن پاسخ دهد. این مسئله در بسیاری از دعاها متجلی شده است که خداوند نیازهای ما را درک می‌کند و به آنان پاسخ می‌دهد.

از طرفی انسان کامل که در مذهب شیعی امام بر حق است به‌عنوان پیشوا انسان‌ها را با الگو واقع‌شدن و رهنمودهای معنوی به خدا پیوند می‌دهد. مسلمانان افزون بر الگوسازی پیامبران و امامان خود از طریق اسمای ربوبی و جمالی خدا با او پیوند برقرار می‌کنند. انسان‌ها در خواندن اسم مخصوصی از خداوند خود را با آن اسم هم‌نوا نموده و از طریق همین همنوایی، خود را به خدا نزدیک می‌سازند. باور مسلمین به فطرت پاک انسانی، این بستر را برای آنان آماده می‌کند که در خود احساس شایستگی مشمول لطف خداوند بودن بکنند و این نوع دلبستگی را در رفتارهای جوارجویانه خود نشان بدهند (غباری‌بناب و حدادی‌کوهسار، ۱۳۹۰).

۲-۷-۲-۲- سبک‌های دلبستگی به خدا در قرآن کریم

علیانسب (۱۳۹۱، ص ۵۲) معتقد است که با توجه به آیات قرآن کریم و دسته‌بندی و توصیف ویژگی‌های افراد در آن درمی‌یابیم که هر سه نوع سبک دلبستگی به خدا در متون اسلامی مشاهده می‌شود. وی با اشاره به آیاتی از قرآن کریم که به بیان اوصاف مؤمنین اختصاص دارد، ویژگی‌های این افراد را منطبق بر سبک دلبستگی ایمن می‌داند. این صفات عبارت‌اند از: تصویر ذهنی مثبت از خدا (انعام، ۷۹)، دوست داشتن خدا (انعام، ۷۹)، اعتماد و تکیه بر خداوند در مشکلات (غافر، ۴۴)، امید به خدا در هنگام گرفتاری (انفال، ۶۱-۶۲)، رضایت از خداوند و رضایت خداوند از ایشان (مائده، ۱۱۹) و پناه بردن به خداوند در هنگام مصائب. همچنین از نگاه وی با توجه به ویژگی‌های کفار

در آیات قرآن، می‌توان سبک دل‌بستگی اجتنابی را بر آنان تطبیق داد. از جمله ویژگی‌های کفار می‌توان به عدم تصویر ذهنی مثبت از خدا (آل عمران، ۱۸۱) و آزار دادن چهره دل‌بستگی (خدا) و رسول او (احزاب، ۵۷) اشاره نمود. علی‌انساب (۱۳۹۱، ص ۵۵) در نهایت شخصیت منافقین را با استناد به رفتارهای دوگانه‌شان (به عنوان مثال: توبه، ۱۰۲؛ نحل ۵۳-۵۴؛ نساء، ۱۴۳ و بقره، ۱۴) و عدم اعتماد به خدا در موقعیت‌های دشوار (احزاب، ۱۰-۱۲) بر سبک دل‌بستگی دوسوگرا منطبق می‌داند.

البته اگرچه که این تطبیق شاید چندان دقیق نبوده و حتی بتوان هر سه سبک دلبستگی را بر درجات مختلف مؤمنین نیز تطبیق داد، اما در هر حال می‌توان ردپای انواع رفتارهای دلبستگی را در این آیات شریفه مشاهده نمود.

۳-۷-۲-۲-۲- فطرت، یکی از منابع دل‌بستگی به خدا

بر طبق آیه شریفه قرآن کریم «فأقم وجهك للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس عليها...» (روم، ۳۰)، خداخواهی و خداپرستی، در فطرت بشر نهاده شده است و گرایش به خدا در همه انسان‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، در وجود انسان، تمایلی عالی به نام تمایل به پرستش وجود دارد که بر اساس آن، انسان خودش را با حقیقتی متعالی وابسته و پیوسته می‌داند و می‌خواهد به این حقیقت نزدیک شده و او را تسبیح و تقدیس کند (رجبی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴).

پس بر اساس معارف اسلامی، دلبستگی به خدا حقیقتی است که در سرشت همه انسان‌ها نهاده شده است. اگرچه انسان‌ها آن را همواره به صورت بالفعل در خود مشاهده نکنند یا با شناخت‌های ناصحیح و قرار گرفتن در مسیرهای انحرافی بر آن سربوش بگذارند.

۳-۲-۲- خودمهارگری

۱-۳-۲-۲- مفهوم خودمهارگری

خودمهارگری^{۲۱} یکی از مهم‌ترین بخش‌های خویشتن^۳ محسوب می‌شود و یک توانایی عالی انسانی برای دست یافتن به یک زندگی ارزشمند است. درواقع، خودمهارگری افراد را قادر می‌سازد تا بر روی ابعاد فردی و اجتماعی زندگی خود، مهار ارادی داشته باشند (مید^۴، الکویست^۵ و بامیستر، ۲۰۱۰). افراد هنگامی که از قوانین پیروی می‌کنند یا به منظور تأخیر ارضاء از امیال بی‌درنگ بازداری می‌کنند، خودمهارگری را به کار می‌برند؛ درحالی که بدون خودمهارگری، شخص، رفتار طبیعی، معمولی یا مورد تمایل را انجام می‌دهد (موراو^۶ و بامیستر، ۲۰۰۰). حضور در کلاس و کتابخانه، شرکت در امتحانات، انجام تکالیف درسی، تدوین پایان‌نامه و فعالیت‌های مانند آن، به‌خودی‌خود برای اکثر افراد کارهای لذت‌بخشی نیستند، ولی آن‌ها به خاطر رسیدن به مزایای بلندمدت، به انجام مکرر آن‌ها مبادرت می‌ورزند.

به عقیده تانجنی و همکاران (۲۰۰۴)، خودمهارگری به ظرفیت فرد برای غلبه کردن و بازداری تکانه‌های غیرقابل‌پذیرش و نامطلوب و نظم دادن به رفتارها و تفکرات و هیجانات خود گفته می‌شود. برخی دیگر از تعاریف خودمهارگری که از سوی پژوهش‌گران عرصه روان‌شناسی ارائه شده، بدین ترتیب است:

- توانایی مهار یا نادیده گرفتن افکار، احساسات، خواستار و رفتار (گیلیوت^۷ و همکاران،

(۲۰۰۷)

1. self-control

۲. یک ترجمه رایج دیگر برای اصطلاح self-control، خودکنترلی می‌باشد؛ اما واژه خودمهارگری به جهت این که فارسی و روان‌تر است، در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

3. self

4. Mead, N. L.

5. Alquist, J. L.

6. Muraven, M.

7. Gailliot, M. T.

- انتخاب پاداش بزرگ‌تر با تأخیر به جای پاداش کوچک‌تر آنی (بارکلی^۱، ۲۰۰۴، ص ۳۰۴)
 - توانایی غلبه بر واکنش‌های شدید (واس و بامیستر، ۲۰۰۴، ص ۱)
 - توانایی پایداری در برابر وسوسه (ماگن^۲ و گراس^۳، ۲۰۱۰، ص ۳۳۷)
- شاید بتوان تعریف رفیعی‌هنر (۱۳۹۳) را تعریف جامعی در این زمینه دانست: «خودمهارگری عبارت از توانایی تنظیم و مهار تعمدی، هشیار و نیازمند به تلاش تمایلات، رفتارها، افکار و هیجانات خویش به گونه‌ای که مستلزم متوقف نمودن هدفی برای رسیدن به هدفی با سودمندی طولانی‌مدت‌تر و رساندن خود تا حد معیارهایی چون آرمان‌ها، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی می‌باشد».

۲-۲-۳-۲- بررسی مفاهیم مرتبط با خودمهارگری

در بررسی آثار روان‌شناسی به اصطلاحات زیادی مشتمل بر واژه «خود» برمی‌خوریم. پاره‌ای از این اصطلاحات با مفهوم مهار خود مرتبط‌اند. مفاهیمی همچون خودمهارگری، خودنظم‌بخشی^۴، کنش اجرایی خود^۶، خودداری^۷، خودانضباط‌دهی^۸ و مدیریت خود^۹. همچنین مفاهیم بازداری پاسخ^{۱۰}، تأخیر ارضاء^{۱۱}، تعالی^{۱۲}، قدرت اراده^{۱۳}، مهار من^{۱۴} و تاب‌آوری من^{۱۵} را می‌توان جزو این حوزه مفهومی به حساب آورد (رفیعی‌هنر و همکاران، ۱۳۹۳).

1. Barkley, R. A.

2. Magen, E.

3. Gross, I. J.

4. self-regulation

۵. تا کنون در متون تخصصی فارسی برای اصطلاح «self-regulation»، چند ترجمه متفاوت ارائه شده که عبارتند

از: خودنظم جویی، خودنظم دهی، خودنظم یابی، خودانضباطی، خودگردانی و خودنظم بخشی. به عقیده رفیعی‌هنر

(۱۳۹۳) واژه خودنظم‌بخشی می‌تواند به همه مشتقات این اصطلاح پوشش بدهد.

6. executive functioning of the self

7. self restraint

8. self discipline

9. self management

10. response inhibition

11. delay of gratification

12. transcendence

13. willpower

14. ego control

15. ego resiliency

در میان مفاهیم بالا، مفهوم خودنظم‌بخشی از وسعت بیشتری برخوردار است. انتشار دست‌نامه خودنظم‌بخشی^۱ در ویرایش‌های مختلف (بکارتز^۲، پینتریچ^۳ و زایدنر^۴، ۲۰۰۵؛ واس و بامیستر، ۲۰۱۱؛ واس و بامیستر، ۲۰۱۶) و درج مباحث خودمهارگری در ذیل این عنوان، مؤیدی بر این مطلب است. پژوهش‌گرانی همچون واس و بامیستر (۲۰۰۴، ص ۲) نیز خودمهارگری را زیرمجموعه‌ای از خودنظم‌بخشی دانسته‌اند. البته برخی مؤلفان (مادکس^۵، ۲۰۰۹، ص ۸۸۹) نیز، دو اصطلاح خودنظم‌بخشی و خودمهارگری را مترادف دانسته‌اند.

در پژوهش‌های متعددی به جنبه‌هایی از ارتباطات مفاهیم فوق‌الذکر پرداخته شده است (ازجمله هافمن^۶، اشمایکل^۷ و بدلی^۸، ۲۰۱۲؛ واس و بامیستر، ۲۰۰۴؛ رینولدز^۹ و بامیستر، ۲۰۱۶ و مارانجس^{۱۰}، اشمایکل و بامیستر، ۲۰۱۶). رفیعی‌هنر (۱۳۹۳) روابط مذکور را این‌گونه جمع‌بندی می‌نماید:

«روان آدمی دارای یک مجموعه کنش‌های سطح عالی، تحت عنوان «کنش‌های اجرایی خود» است. برخی از این کنش‌ها، در حیطه تنظیم خویشتن باهدف خاصی صورت می‌گیرد (خودنظم‌بخشی). در این میان برخی از فرآیندهایی که توسط خود تنظیم می‌گردند، به‌صورت ناهشیارانه و خودکار انجام می‌گیرد و تلاش‌های هشیار در کیفیت آن‌ها تأثیری نخواهد داشت (همچون تنظیم دمای بدن). درحالی‌که برخی دیگر از این فرآیندها، هشیارانه و ارادی بوده و به‌منظور دستیابی به اهداف عالی‌تر انسانی نیازمند تلاش و کوشش فرد می‌باشند (خودمهارگری)^{۱۱}. در جریان فرآیند خودمهارگری، لازم است خود بتواند با در نظر گرفتن

-
1. Handbook of Self-regulation
 2. Boekaerts, M.
 3. Pintrich, P. R.
 4. Zeidner, M.
 5. Maddux, J.
 6. Hofmann, W.
 7. Schmeiche, B. J.
 8. Baddeley, A. D.
 9. Reynolds, T.
 10. Maranges, H. M.

۱۱. برخی از پژوهش‌گران، سه جزء اصلی را برای خودنظم‌بخشی برمی‌شمارند: (۱) استانداردهای فکری، احساسی و رفتاری (۲) انگیزش کاهش تناقض بین استانداردها و موقعیت و (۳) قدرت کافی برای تغییر. به اعتقاد ایشان، سومین

اهداف بلندمدت (تعالی)، ارضاهای فوری را به تأخیر اندازد (تأخیر ارضاء)؛ بنابراین، دو مفهوم تأخیر ارضاء و تعالی، از مقومات خودمهارگری به شمار می‌آیند. درنهایت، آنچه باید موردتوجه قرار گیرد این است که خودمهارگری به توانایی فرد در «بازداری» از برخی کشش‌ها، در برابر برخی دیگر از آن‌ها بازمی‌گردد (بازداری پاسخ). ازاین‌رو، بازداری پاسخ را باید هسته خودمهارگری به شمار آورد؛ اما مفاهیمی چون قدرت اراده، خودداری، خودانضباطی، مهار من و تاب‌آوری من، اصطلاحاتی هستند که یا مترادف مفهوم خودمهارگری هستند و یا از نتایج و نشانه‌های خودمهارگری به شمار می‌آیند. برخی از این مفاهیم، از لحاظ تاریخ کاربرد مقدم بر اصطلاح خودمهارگری بوده (قدرت اراده)، برخی دیگر، تفنن در عبارت‌اند، یا از نتایج خودمهارگری به شمار می‌روند و یا در حیطه‌های علمی دیگر، مثل پزشکی کاربرد داشته و کمتر در ادبیات پژوهشی روان‌شناسی به کاررفته‌اند (خودداری، خودانضباطی، مدیریت خود). برخی دیگر نیز مختص به رویکردهای خاص روان‌شناسی مثل رویکرد روان‌تحلیل‌گری می‌باشند (مهار من و تاب‌آوری من).»

۳-۲-۲-۲- اهمیت مطالعه خودمهارگری

در دهه اخیر سازه خودمهارگری توجه زیادی را از سوی روان‌شناسان در حوزه نظری و روش‌شناختی به خود جلب نموده است. داک‌ورث^۱ در سال ۲۰۱۱ گزارش می‌کند که بیش از سه درصد از مطالب پایگاه داده‌های روان‌شناختی انجمن روان‌شناسی آمریکا^۲ (PsycINFO) توسط کلیدواژه‌های خودمهارگری، تکانش‌گری و سایر اصطلاحات مرتبط نمایه شده است (داک‌ورث و کرن^۳، ۲۰۱۱).

خودمهارگری دارای دو جنبه کاربردی و نظری است. هرچند توصیف این دو جنبه در مورد بسیاری از موضوعات روان‌شناختی قابل طرح می‌باشد، اما مطالعه خودمهارگری (شاید متفاوت از دیگر

جزء (قدرت تغییر) به فاز اجرایی خودنظم‌بخشی یا همان خودمهارگری اشاره دارد (سرافراز، قربانی و جواهری، ۱۳۹۲).

1. Duckworth, A. L.

2. <http://www.apa.org/pubs/databases/psycinfo>

3. Kern, M. L.

موضوعات) تنها هنگامی مؤثر و دارای نفوذ خواهد بود که هردو جنبه عملی و نظری مورد توجه قرار گیرند (واس و بامیستر، ۲۰۰۴ به نقل از رفیعی هنر، ۱۳۹۰، ص ۶).

بازشناسی اهمیت کاربردی خودمهارگری، تأثیر عمیق آن بر زندگی روزمره افراد را نشان می‌دهد. خودمهارگری موجب می‌شود که انسان خود را در مواجهه با محرک‌های بیرونی و درونی، فعال و منشأ اثر بداند و از این رو احساس رضایتی را در وی شکوفا می‌کند که منجر به آسودگی و سلامت روان می‌شود (غفاری و رضوی، ۱۳۹۱). در واقع، توانایی برای مهار خود، یک قابلیت باارزش است که با جنبه‌های مختلف زندگی انسان آمیخته است. در سطح شخصی، افراد با خودمهارگری مناسب، قادر به پیشرفت در تحصیل و کار خواهند بود، با اجتناب از ولخرجی، پس‌اندازی برای آینده خواهند داشت و با اجتناب از پرخوری، وضعیت متناسب بدن خود را حفظ خواهند نمود (مید، الکویست و بامیستر، ۲۰۱۰). همچنین افراد، سازگاری روان‌شناختی بهتر و خودپنداشت و حرمت خود بالاتری را تجربه می‌کنند (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴).

در سطح اجتماعی نیز پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خودمهارگری مناسب، به افراد کمک می‌کند تا از تقلب، ارتکاب جرائم و رفتارهای جنسی نالایمن خودداری نمایند (مید، الکویست و بامیستر، ۲۰۱۰). این افراد، قادر خواهند بود که احتمال ابتلا به بیماری‌های مقاربتی و بارداری‌های غیرقانونی را با ارتقای سطح خودمهارگری کاهش دهند (واس و بامیستر، ۲۰۰۴، ص ۳)؛ آن‌ها با خودمهارگری بالا، ارتباط بهتر و تعارض کمتر خانوادگی را به نمایش گذاشته، خشم کمتر و مدیریت بهتر خشم را تجربه می‌کنند (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴). می‌توان گفت خودمهارگری به‌منزله یکی از انواع مهارت‌های اجتماعی می‌تواند میزان موفقیت در زندگی را تعیین کند (محمدی، شفیعی، داوری و بشارت، ۱۳۹۱). کانورس^۱، پاشاک^۲، دپاول-هادوک^۳، گاتلیب^۴ و مربدون^۵ (۲۰۱۲) نیز با بررسی پژوهش‌های متعددی، بر ارتباط خودمهارگری با موفقیت حرفه‌ای، کاهش رفتار

-
1. Converse, P. D.
 2. Pathak, J.
 3. DePaul-Haddock, A. M.
 4. Gotlib, T.
 5. Merbedone, M.

مجرمانه، مقاومت در برابر تکانه‌های پرخاشگرانه، کاهش رفتار ضداجتماعی و کاهش آسیب روانی صحه گذاشته‌اند.

همچنین پژوهش‌های متعددی (برای نمونه: خدایاری فرد، شهابی و اکبری زردخانه، ۱۳۸۸؛ رفیعی هنر و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹ و مک‌کولا و ویلابی، ۲۰۰۹) وجود رابطه مثبت و معنادار بین خودمهارگری، دین‌داری افراد و رفتارهای فضیلت‌مندانه اخلاقی را تأیید کرده‌اند.

از سوی دیگر، رابطه ضعف در خودمهارگری با مشکلات و اختلالات مختلف، همچون اختلال خوردن (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴)، گرایش به مصرف مواد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸)، پرخاشگری (آموسنی، ۱۳۹۲)، انحراف جنسی، وندالیسم، سرقت و تقلب تحصیلی (نصرت‌زهی، علی‌وردی‌نیا و معمار، ۱۳۹۳) و استعمال دخانیات (موراون، اشمایکل و بارکلی^۱، ۲۰۰۶) مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. در واقع می‌توان گفت که اکثر مشکلات انسان‌ها در سطح فردی و اجتماعی به ضعف در خودمهارگری برمی‌گردد. طبیعت آسیب‌زای نقص خودمهارگری به‌گونه‌ای است که بسیاری از اختلالات روانی با آن در ارتباط است (سرافراز، قربانی و جواهری، ۱۳۹۲). وجود یک طبقه تشخیصی با نام «اختلالات کنترل تکانه» در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM^۲) شاهی بر این مدعاست.

از سوی دیگر، زمانی که خودمهارگری به‌خوبی کار می‌کند، افراد به تنظیم رفتار خود بر اساس قوانین، برنامه‌ها، وعده‌ها، آرمان‌ها و استلزاردها مبادرت می‌ورزند. خودمهارگری کلیدی برای موفقیت در زندگی انسان و نبود آن نیز تبیینی برای بسیاری از مشکلات و درد و رنج‌های بشر است (واس و بامیستر، ۲۰۰۳). حقیقت این است که روان‌شناسی با توجه به اهمیت موضوع خودمهارگری، قادر خواهد بود تا سلامت روان و بهزیستی بسیاری از افراد را بهبود بخشد. چراکه خودمهارگری برخلاف هوش، قابلیت پیشرفت از جانب مداخله‌های روان‌شناختی حتی در بزرگ‌سالی را داراست (بامیستر، اشمایکل و واس، ۲۰۰۷).

1. Burkley, E.

2. Diagnostic and statistical manual of mental disorders

در بعد نظری نیز خودمهارگری از اهمیت خاصی در علم روان‌شناسی برخوردار است. خودمهارگری جایگاه ویژه‌ای در نظریه خود (سلف) پیدا نموده است؛ بنابراین کلیدی برای فهم بسیاری از جنبه‌های متفاوت کنش‌های روان‌شناختی می‌باشد. روان‌شناسان، در دهه‌های اخیر، مشغول مطالعه خود و هویت بوده‌اند؛ اما در دو دهه اخیر، آن‌ها بر این مطلب تأکید کرده‌اند که خود نمی‌تواند بدون شناخت نحوه حفظ کنترل خویشتن، کارها را انجام داده و سازگاری‌هایی را ایجاد نماید. از این رو، اهمیت مباحث نظری خودمهارگری رو به رشد بوده و در دهه‌های اخیر، تلاش‌های فزاینده‌ای جهت ترسیم موقعیت این پدیده در بافت‌های عریضی از زیست‌شناسی تحولی و تأثیرات فرهنگی توسط روان‌شناسان مشاهده می‌شود (بامیستر و همکاران، ۲۰۰۷).

۴-۳-۲- تاریخچه خودمهارگری

اندیشه تعارض بین تکانه و خودمهارگری را در بسیاری از گزارش‌های تاریخی می‌توان ردیابی نمود. برای مثال این مطلب در بحث‌های اولیه فیلسوفان یونانی تحت عنوان «هوای نفس^۱» در مقابل «عقل^۲» نمود یافته است. امروزه موضوع خودمهارگری نه تنها در روان‌شناسی، بلکه در حوزه‌های اقتصاد، سیاست و فلسفه نیز مطرح شده است (هافمن، فریز^۳ و استرک^۴، ۲۰۰۹).

ردپای خودمهارگری را در سخنان پیشگامان روان‌شناسی، می‌توان در بحث از کشمکش میان تکانه و مهار آن یافت. ویلیام جیمز^۵ در اصول روان‌شناسی خود، به اراده‌های سالم و ناسالم اشاره می‌نماید. به نظر وی، اراده سالم به وسیله تعادل مناسب بین نیروهای تکانه‌ای و انگیزه‌های ایده‌آل مشخص می‌شود؛ در حالی که اراده ناسالم به عنوان اراده انفجاری و اراده بازداشته شده^۶ تلقی می‌گردد. اراده انفجاری با تکانه‌هایی توصیف می‌شود که «به قدری سریع و فوری به حرکت درمی‌آیند که بازداری‌ها

-
1. passion
 2. reason
 3. Friese, M.
 4. Strack, F.
 5. James, W.
 6. obstructed

فرصت فعال شدن را نمی‌یابند.» در مقابل، اراده بازداشته‌شده به‌عنوان افراط در بازداری توصیف می‌شود (هافمن، فریز و استرک، ۲۰۰۹).

زیگموند فروید احتمالاً اولین محققى است که رفتار آدمی را به‌عنوان نتیجه تعارض نیروهای درونی توضیح داد. به‌ویژه فروید «بن^۱» را به‌عنوان نهادی توصیف نمود که صرفاً طبق اصول نخستین لذت و درد و بدون ملاحظه امکان یا پیامدهای آن، عمل می‌نماید؛ بنابراین «بن» مولد کشانده‌های، علایق و تکانه‌هایی خواهد بود که سرچشمه‌های آن در ناهشیار قرار دارد. «فرامن^۲» به‌عنوان نقش مخالف در مقام دیده‌بانی اخلاقی قرار گرفته است. فرامن شامل اصول اخلاقی درونی شده والدینی و اجتماعی، اوامر و نواهی می‌باشد. درنهایت، «من^۳» به‌عنوان مؤلفه روانی معرفی می‌شود که به سمت واقعیت متمایل بوده و برای مصالحه و سازش بین علاقه‌هایی که اغلب بین بن و فرامن ایجاد تعارض نموده، تلاش می‌نماید (هافمن، فریز^۴ و استرک^۵، ۲۰۰۹ به نقل از رفیعی‌هنر، ۱۳۹۰).

در میان رفتاری‌نگرها، اسکینر^۶ از خودمهارگری صحبت می‌کند. منظور او از خودمهارگری، کنترل متغیرهایی است که رفتار را تعیین می‌کنند. فرد با اجتناب از اشخاص یا موقعیت‌ها که همیشه باعث عصبانیت او می‌شوند، میزان کنترلی که این اشخاص یا موقعیت‌ها بر رفتار وی دارند را کاهش می‌دهد (شولتز^۷ و شولتز^۸، ۲۰۱۳).

مفاهیم خودنظم‌بخشی و خودمهارگری در نظریه‌های یادگیری شناختی اجتماعی بندورا^۹ و نظریه خودتعیین‌گری^{۱۰} رایان^{۱۱} و دسی^{۱۲} و پیترریچ و شانک^{۱۳} از مبانی اصلی و پایه‌ای هستند. از نظر پیترریچ

-
1. id
 2. superego
 3. ego
 4. Frieze, M.
 5. Strack, F.
 6. Skinner, B. F.
 7. Schultz, D. P.
 8. Schultz, S. E.
 9. Bandura, A.
 10. self-determination
 11. Ryan, R. M.
 12. Deci, E. L.
 13. Schunk, D.

و شانک گرچه نظریه خودتعیین‌گری به‌عنوان نظریه‌ای در روان‌شناسی یادگیری و انگیزش به ارتباط بین خودمختاری و خودتنظیمی با پیشرفت و یادگیری می‌پردازد، اما در حوزه‌های دیگری مانند کار، سلامت، اخلاق و ارزش‌ها و ارتباطات اجتماعی نیز به کار می‌رود (غفاری و رضوی، ۱۳۹۱).

رایان و دسی (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که سه نیاز روان‌شناختی ذاتی در انسان وجود دارد که زیربنای رفتار است. این نیازها شامل نیاز به ادراک شایستگی^۱، خودمختاری^۲ و تعلق و ارتباط^۳ است. نیاز به خودمختاری به نیاز برای ادراک احساس کنترل، عامل بودن یا خودمختاری در تعاملات با محیط و یا از نقطه نظر اسنادی، به یک مکان علیت درونی ادراک‌شده اشاره دارد.

بررسی‌های تاریخی در زمینه خودمهارگری و خودنظم‌بخشی، علاوه بر رویکردهای مذکور، نظریه شناختی پیازه، نظریه اجتماعی فرهنگی ویگوتسکی^۴، نظریه پردازش اطلاعات و نظریه یادگیری شناختی اجتماعی بندورا را نیز شامل می‌شود. هریک از این رویکردها، در پی آن هستند تا دلیل موجهی برای این موضوع اقامه کنند که چگونه افراد به توانایی نظم‌بخشی هیجانات و تنظیم فرایندهای فکری خویش دست می‌یابند (روئدا^۵، پوسنر^۶ و راثبارت^۷، ۲۰۰۴، ص ۲۸۴).

باین‌حال، در سال‌های اخیر، پژوهش در موضوع خودمهارگری با رشد فزاینده‌ای مواجه بوده است. در بررسی مقالات منتشره در زمینه خودمهارگری از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ نشان داده شد که تعداد این پژوهش‌ها، بیش از مقالات منتشرشده در کل چهار دهه پیش از آن است (ماگن و گراس، ۲۰۱۰، ص ۳۳۵).

-
1. perceived competence
 2. autonomy
 3. relatedness
 4. Vygotsky, L.
 5. Rueda, M. R.
 6. Posner, M. I.
 7. Rothbart, M. K.

۵-۳-۲- الگوهای نظری خودمهارگری

ارائه مدل‌ها و الگوهای مختلف، در تبیین عملکرد خودمهارگری بر جایگاه این موضوع و بر ابهام آن افزوده است. برخی از این مدل‌ها عبارت‌اند از: مدل سه مؤلفه‌ای خودمهارگری کانفر^۱ و کارولی^۲، نظریه سیستم مهار سایبرنتیک^۳، مدل «نیروی خودنظم‌بخش»^۴، الگوی حلقه‌های پس‌خوراندی کارور^۵ و شیر^۶ و مدل سیستم دوگانه تکانشی-متفکرانه^۷. همان‌طور که مشاهده می‌شود، پژوهش‌گران، موضوع خودمهارگری را در قلمروهای گوناگون با مفاهیم و الگوهای متنوع موردبررسی قرار داده‌اند. به اعتقاد محققان، نتیجه همه این تحقیقات منجر به ازدیاد نظریه‌ها، مدل‌ها و رویکردهایی شده است که هرکدام در جای خود مهم‌اند، اما ارتباط روشنی باهم ندارند. ازاین‌رو، ما هنوز نیازمند بررسی فراگیری هستیم تا دانش ما را در مورد پدیده خودمهارگری ارتقا بخشد (رفیعی‌هنر و همکاران، ۱۳۹۳).

۶-۳-۲- حوزه‌های عملکرد خودمهارگری

۱-۶-۳-۲- افکار

درزمینه خودمهارگری فرآیندهای افکار، ما با دو موضوع مواجه هستیم (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۰):

تنظیم فرایندهای شناختی: پردازش اطلاعات، یک عنصر کلیدی در پیشرفت آدمی به شمار می‌آید. خود (سلف) با تلاش خویش، فرآیندهای شناختی هشیار را به‌منظور پیگیری ایده‌ها و اهدافش کنترل می‌کند (واس و اشمایکل، ۲۰۰۷).

مهار ارادی افکار: منع فکر به‌عنوان تلاشی برای عدم تفکر درباره یک فکر خاص تعریف شده است. منع به‌عنوان یک مکانیسم سازگاری روان‌شناختی مفهوم‌سازی می‌شود که ما را قادر می‌سازد تا

-
1. Kanfer, F. H.
 2. Karoly, P.
 3. cybernetic control system
 4. self-regulatory strength
 5. Carver, C. S.
 6. Scheier, M. F.
 7. Reflective Impulsive Model (RIM)

بر روی کارهایمان بدون تفکر درباره امور ناخوشایند یا نامناسب متمرکز شویم (لوسیانو^۱، آلگارابل^۲ و توماس^۳، ۲۰۰۶، به نقل از رفیعی هنر، ۱۳۹۰)

۲-۶-۳-۲- هیجانات

تنظیم هیجان به تلاش‌هایی اشاره دارد که بر انواع هیجاناتی که افراد تجربه می‌کنند، زمان تجربه آن‌ها و چگونگی بروز یا تجربه شدن آن‌ها تأثیر می‌گذارد (توگید^۴ و فردریکسون^۵، ۲۰۰۷، به نقل از رفیعی هنر، ۱۳۹۰). تنظیم هیجان دقیقاً مانند دیگر انواع خودمهارگری، مستلزم غلبه کردن به دسته‌ای از پاسخ‌های نامناسب در مقابل دیگران است و همچون دیگر انواع خودمهارگری می‌تواند به خاطر نظم‌بخشی غلط یا نظم‌بخشی ناقص با شکست مواجه شود (تایس^۶ و براتسلاوسکی^۷، ۲۰۰۰ به نقل از رفیعی هنر، ۱۳۹۰).

۳-۶-۳-۲- تکانه‌ها

تکانه در لغت، یک میل یا نیاز شدید ناگهانی برای انجام کاری بدون تفکر در مورد پیامد آن، تعریف شده است (ترنبال^۸، لی^۹ و پارکینسون^{۱۰}، ۲۰۱۰). یک تکانه نوعاً گرایشی را به انجام رفتاری معین به همراه دارد که غالباً انگیزتگی به روی آوردن یا انجام وسوسه نزدیک است. اگر تکانه بدون هیچ مقاومتی عمل نماید، رفتار به قدری آرام شکل می‌گیرد که شخص حداقل تا رسیدن به پایان طبیعی آن، نسبت به آن آگاه نمی‌شود. نشانه‌های تجربی وجود دارد که تکانه‌های منع ناپذیر، در نهایت قابلیت منع را دارا هستند؛ بنابراین، بسیاری از تکانه‌ها قابل کنترل‌تر از آن‌اند که برخی افراد تصور می‌کنند (بامیستر و همکاران، ۲۰۰۷).

-
1. Luciano, J. V.
 2. Algarabel, S.
 3. Tomas, J. M.
 4. Tugade, M. M.
 5. Fredrickson, B. L.
 6. Tice, D. M.
 7. Bratslavsky, E.
 8. Turnbull, J.
 9. Lea, D.
 10. Parkinson, D,

۴-۶-۳-۲- رفتار

همان‌گونه که بامیستر (۲۰۰۷) معتقد است، بسیاری از خودمهارگری‌ها، غالباً، تحت اصطلاح «مهار تکانه» رده‌بندی می‌شوند؛ اما ممکن است مهار تکانه اسم بی‌مسمایی باشد. اگر بخواهیم دقیق شویم، یک شخص متصف به مهار مناسب تکانه، واقعاً خود تکانه را مهار نمی‌کند، بلکه رفتاری که از آن منتج می‌شود را مهار می‌نماید.

دو جنبه مهار رفتار: در مباحث خودمهارگری به دو جنبه از مهار رفتار توجه شده است: منع رفتار و شروع رفتار. بر طبق مدل ارائه‌شده توسط مرست^۱ و فیشبک^۲ (۲۰۰۸) تعارض خودمهارگری اشاره به این دارد که خودمهارگری ممکن است به دو شیوه تحقق یابد، یا به‌وسیله جهت‌دهی تلاش‌ها به سمت خود و سوسه (اجتناب از وسوسه یا بازداري پاسخ)، یا جهت‌دهی تلاش‌ها به سمت اهدافی که وسوسه آن را تهدید می‌کند (فعال‌سازی اهداف)؛ بنابراین تلاش‌های خودمهارگری می‌تواند هم رفتارهای بازدارنده و هم رفتارهای آغازکننده را شامل شود (دریدر^۳، دبوئر^۴، لوگتیگ^۵، بکر^۶ و ون‌هوفت^۷، ۲۰۱۱، به نقل از سرافراز و دیگران، ۱۳۹۲).

همان‌طور که پژوهش‌های متعدد، تأثیر خودمهارگری را بر منع رفتارهای نامطلوب همچون انحراف جنسی، وندالیسم، سرقت و تقلب تحصیلی (نصرت‌زهی، علی‌وردی‌نیا و معمار، ۱۳۹۳) روشن ساخته‌اند، برخی پژوهش‌ها نیز نقش خودمهارگری را در جهت شروع رفتارهای مطلوب مانند عملکرد تحصیلی بالا (کاظم‌زاده، بدری، کمالی و نوری‌زاد، ۱۳۹۴) و رفتارهای فضیلت‌مندانه اخلاقی (مک‌کولا و دیگران، ۲۰۰۹) تأیید نموده‌اند.

-
1. Myrseth, K. O. R.
 2. Fishbach, A.
 3. de Ridder, D. T. D.
 4. de Boer, B. J.
 5. Lugtig, P.
 6. Bakker, A. B.
 7. van Hooft, E. A. J.

۷-۳-۲- خودمهارگری از دیدگاه اسلام

از میان مفاهیم موجود در معارف اسلامی، مفهوم «تقوا» نزدیک‌ترین معنا را نسبت به خودمهارگری افاده می‌کند. از منظر نهج‌البلاغه تقوا نیرویی مقدس و متعالی است که به روح انسان شخصیت و قدرت می‌دهد و آدمی را مسلط بر خویشتن و مالک «خود» می‌نماید (مطهری، ۱۳۹۴، ص ۵۰۷).

واژه دیگری که در بررسی منابع اسلامی در ارتباط با مفهوم خودمهارگری، جلوه‌گر می‌شود، مفهوم عقل است. آنچه از بررسی مفهوم عقل در کلام اهل لغت و نیز دانشمندان اسلام برمی‌آید این است که در مفهوم عقل، علاوه بر جنبه شناختی، یک جنبه «بازدارندگی» نیز وجود دارد. از برخی از روایات اسلامی نیز برمی‌آید که بازداری از تمایلات نفسانی رکن عقل محسوب می‌شود. بنابراین دو مفهوم عقل و تقوا می‌توانند دو تبیین‌کننده اصلی سازه خودمهارگری در آموزه‌های اسلام باشند (رفیعی‌هنر و دیگران، ۱۳۹۳).

اسلام با شیوه‌های مختلفی به تسهیل فرآیند خودمهارگری می‌پردازد:

- **بیان معیارهای روشن:** دین اسلام با نشان دادن هدف نهایی (قرب الهی)، افراد را به‌سوی آن هدایت نموده و همه مظاهر مادی و دنیوی را ابزار رسیدن به آن هدف معرفی می‌کند. از طرفی از آنجاکه عقل آدمی راه رسیدن به آن هدف را نمی‌تولند درک کند، آموزه‌های اسلام با بیان مصادیق اطاعت و معصیت در حیطه‌های فردی و اجتماعی، راه روشنی را پیش روی پیروان خود می‌گشاید

- **ایجاد انگیزش برای رفتار اخلاقی:** مطالعه منابع اسلامی، ما را به این موضوع سوق می‌دهد که مفاهیم متنوعی می‌تولند منبع ایجاد انگیزش رفتارهای فضیلت‌مندانه باشد که مهم‌ترین آن‌ها «خوف» و «رجا» و «محبت» هستند. مهم‌ترین موضوع رجا (امید) در دین اسلام را می‌توان «لقای پروردگار» دانست که موجب شکل‌گیری محبت الهی می‌شود. مهار خویشتن با چنین انگیزه‌ای، بسیار قوی و پایدار خواهد بود.

- **نظارت‌گری بر رفتار:** آموزه‌های اسلام باعث تسهیل نظارت‌گری افراد بر رفتارشان می‌گردد. دو آموزه «مراقبه» و «محاسبه»^۱ نفس بیانگر ترغیب اسلام به خود نظارت‌گری است. از طرفی وجوب پنج وعده نماز برای مسلمانان، خود یکی از بهترین شیوه‌های یادآوری نظارت‌گری افراد بر اعمالشان است.
- **مدیریت تمایلات ناشایست:** دین اسلام پیروانش را از تفکر در زشتی‌ها نهی می‌کند و آنها را به مراقبت از دل خود دعوت می‌کند.
- **مهار و تنظیم هیجانات:** مفاهیم قضا و قدر و آموزه رضای الهی در دین اسلام، رویدادها را برای افراد معنادار ساخته و آنها را خیرباور می‌سازد. این نوع بینش تأثیر شگرفی در مهار و تنظیم هیجانات خواهد داشت (رفیعی هنر، ۱۳۹۲).

۲-۳- پیشینه تجربی

۲-۳-۱- دلبستگی به خدا و کارکرد خانواده

برای بررسی پیشینه رابطه دو متغیر دلبستگی به خدا و کارکرد خانواده، ابتدا به بررسی عوامل مؤثر بر کارکرد خانواده و آثار دلبستگی به خدا می‌پردازیم.

۲-۳-۱-۱- عوامل مؤثر بر کارکرد خانواده

عوامل مؤثر بر کارکرد خانواده در پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: تاب‌آوری (عبادت‌پور، نوایی‌نژاد، شفیع‌آبادی و فلسفی‌نژاد، ۱۳۹۲)، خودکارآمدی (لطفی‌نیا، محب و عبدلی، ۱۳۹۲)، ساختار قدرت پدرمحور (زارعی‌توپخانه، جان‌بزرگی و احمدی، ۱۳۹۲)، سبک‌های دلبستگی (اصلانی، صیادی و امان‌اللهی، ۱۳۹۱)، سلامت عمومی

۱. مراقبه و محاسبه به همراه «مشارطه» و «معاتبه»، مفهوم جامعی به نام «مربطه» را تشکیل می‌دهند که فرایند خودنظارت‌گری را در اخلاق اسلامی بیان می‌کند. مربوطه در لغت به معنای نگهبانی و دیدمبانی کردن و در اینجا به معنای نگهبانی و رصدگری انسان نسبت به حالات و رفتارهای خودش است (غفاری و رضوی، ۱۳۹۱).

(لطفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲؛ اصلانی و همکاران، ۱۳۹۱)، اعتیاد به اینترنت (خسروی و عزیززاده‌صحرانی، ۱۳۹۰)، نگهداری از حیوانات خانگی (کجباف، کشاورز، نوری، لعلی و سلطانی‌زاده، ۱۳۸۹)، ویژگی‌های شخصیتی (بهبودی و همکاران، ۱۳۸۸)، باورهای ارتباطی، سازش‌پذیری (سیف و اسلامی، ۱۳۸۷)، تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی (پورقاسمی، ۱۳۸۹)، باورهای معنوی (عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲) و دین‌داری (عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۸۸).

۲-۱-۳-۲- آثار دلبستگی به خدا

دلبستگی به خدا به عنوان یکی از بهترین مفاهیم بیان‌کننده دین‌داری (کرک‌پاتریک، ۲۰۰۵، ترجمه محمودی، ۱۳۹۳، ص ۳) موردتوجه پژوهش‌گران قرار گرفته و آثار و پیامدهای آن در پژوهش‌های مختلفی بررسی گردیده است. از جمله آثار مذکور می‌توان به این موارد اشاره نمود: بخشش و همدلی (رشیدی، شریف‌موسوی و اسماعیلی، ۲۰۱۶)، تاب‌آوری (خدابخشی‌کولایی، محمدبیگی و بهاری، ۱۳۹۵)، سلامت روان (خدابخشی‌کولایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ کشاورزافشار، شیخ، جهان‌بخشی، کریمیان و قهوه‌چی‌حسینی، ۲۰۱۶؛ احیاءکننده و مزیدی‌شرف‌آبادی، ۱۳۹۵ و جولز، ۲۰۰۷)، هدفمندی زندگی (احیاءکننده و مزیدی‌شرف‌آبادی، ۱۳۹۵)، افسردگی (مهدی‌یار، ۱۳۹۴)، وسواس مرگ و اضطراب مرگ (محمدزاده، ۱۳۹۴ و محمدزاده، جعفری و حاجلو، ۱۳۹۴)؛ اختلال سلوک (سلمانیان و همکاران، ۱۳۹۴) و رضایت زناشویی (کشاورزافشار و همکاران، ۲۰۱۶). برخی پژوهش‌گران نیز با انجام پژوهش‌های گسترده، ارتباط دلبستگی ایمن به خدا با شاخص‌های مختلف سلامتی و بهزیستی از قبیل خوش‌بینی، رضایت از زندگی، کاهش اضطراب، افسردگی و تنهایی و کاهش در نشانگان بیماری‌های جسمانی را گزارش نموده‌اند (کرک‌پاتریک و شیور، ۱۹۹۲ و سیم و لو، ۲۰۰۳). همچنین در پژوهش‌های مشابهی، رابطه دلبستگی ناایمن به خدا با سلامت روان پایین و مشکلات سازگاری، کاهش در سلامت و بهزیستی مذهبی و وجودی، نوروژگرای و افزایش هیجان‌های منفی مورد تأکید قرار گرفته است (بک و مک‌دونالد، ۲۰۰۴؛ روات و کرک‌پاتریک، ۲۰۰۲).

۳-۱-۳-۲- رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

در زمینه رابطه دو متغیر دلبستگی به خدا و کارکرد خانواده، طی جستجویی که در پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام گردید، تنها پژوهش‌هایی که محقق به آن دست‌یافت، دو پژوهش شهابی‌زاده (۱۳۹۰ و ۱۳۹۴) بود. این دو پژوهش، اگرچه از مدل متفاوت پژوهشی و مقیاس متفاوتی برای سنجش کارکرد خانواده بهره می‌برند، ولی رابطه مثبت معنادار میان دلبستگی خانواده و کارکرد (پیوستگی و انعطاف) خانواده را گزارش می‌کنند.

۲-۳-۲- خودمهارگری و کارکرد خانواده

برای بررسی پیشینه رابطه دو متغیر خودمهارگری و کارکرد خانواده، ابتدا به بررسی آثار خودمهارگری می‌پردازیم.

۱-۲-۳-۲- آثار خودمهارگری

در سال‌های اخیر، پژوهش در موضوع خودمهارگری با رشد فزاینده‌ای مواجهه بوده است (ماگن و گراس، ۲۰۱۰، ص ۳۳۵). پژوهش‌های بسیاری، آثار خودمهارگری را در زندگی انسان بررسی نموده‌اند. برخی از آثار موردبررسی در ارتباط با خودمهارگری عبارت‌اند از: احتمال سیگاری شدن در دوران بزرگسالی که متأثر از خودمهارگری در دوران کودکی است (دیلی^۱، ایگن^۲، کویگلی^۳، دیلینی^۴ و بامیستر، ۲۰۱۶)، بهزیستی روانی و مقابله مؤثر با بحران‌های نوجوانی (رونن^۵، هاماما^۶، روزنباوم^۷ و میشللی‌یارلاپ^۸، ۲۰۱۶)، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (کاظم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴)، شادکامی (حسین‌خانزاده، طاهر و محمدی، ۱۳۹۴)، هوش معنوی (آرین‌پور، شهابی‌زاده و بحرینیان، ۱۳۹۴)، کنترل تکانه، سازگاری روانی و عملکرد بهتر در روابط میان‌فردی (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴).

1. Daly, M.

2. Egan, M.

3. Quigley, J.

4. Delaney, L.

5. Ronen, T.

6. Hamama, L.

7. Rosenbaum, M.

8. Mishely-Yarlap, A.

همچنین بر اساس پژوهش‌ها، خودمهارگری با شاخص‌های مختلف سنجش خانواده در ارتباط است. در این رابطه می‌توان به شاخص‌های دل‌زدگی زناشویی (مزیدی، رضایی و کاظمی، ۱۳۹۳)، تعارضات زناشویی (یاری، ۱۳۹۲) و رضایت‌مندی زناشویی (قدیمی، ۱۳۹۱) اشاره نمود.

۲-۲-۲-۲- رابطه خودمهارگری با کارکرد خانواده

محقق در جستجوی پیشینه رابطه خودمهارگری و کارکرد خانواده تنها به چهار مورد دست‌یافت. در هر چهار مورد، برخلاف پژوهش حاضر، دو متغیر خودمهارگری و کارکرد خانواده در کنار هم به‌عنوان متغیر مستقل به‌کاررفته و رابطه آن‌دو با متغیرهای اختلالات رفتاری (نوذری‌اردکانی، ۱۳۹۳)، دل‌زدگی زناشویی (محمدی‌مزیدی، ۱۳۹۳)، سازگاری اجتماعی (توکلی و چین‌آوه، ۲۰۱۵) و سیگار کشیدن و نوشیدن افراطی مشروبات الکلی (واتانانونساکول^۱، سوتیوان^۲ و یامسوپاسیت^۳، ۲۰۱۰) سنجیده می‌شود. نکته قابل‌توجه این است که پژوهش محمدی‌مزیدی (۱۳۹۳) رابطه میان کارکرد خانواده و خودمهارگری را غیر معنادار گزارش می‌نماید.

۲-۳-۳-۲- دلبستگی به خدا و خودمهارگری

برای بررسی پیشینه رابطه دو متغیر دلبستگی به خدا و خودمهارگری، ابتدا به بررسی عوامل مؤثر بر خودمهارگری می‌پردازیم.

۲-۳-۳-۱- عوامل مؤثر بر خودمهارگری

با توجه به اهمیت متغیر خودمهارگری و آثار روان‌شناختی مطلوب بسیاری که برای آن ذکر گردید، این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان خودمهارگری را تقویت نمود و چه عواملی بر آن تأثیرگذارند. در بررسی پژوهش‌ها به عواملی همچون سبک‌های اسناد (آرین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴)، هوش معنوی (موسوی‌مقدم، هوری، امیدی و ظهیری‌خواه، ۱۳۹۴) و سبک دلبستگی والدینی (سبقتی، ۱۳۹۳ و آلویزریورا^۴، ۲۰۰۶) برمی‌خوریم. ازجمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر خودمهارگری

-
1. Wattananonsakul, S.
 2. Suttiwan, P.
 3. Iamsupasit, S.
 4. Alvarez-Rivera, L. L.

می‌توان به عوامل دینی و معنوی اشاره نمود. بر اساس پژوهش‌ها عواملی چون معنویت (همت‌پور، ۱۳۹۴)، جهت‌گیری مذهبی درونی (حسین‌خانزاده، همتی، آقلبلایی، مرادی و رضایی، ۱۳۹۰) و دین‌داری (عزیز و رحمان، ۱۹۹۶) و یاد خدا (ناروئی، صالحی و جندقی، ۱۳۹۲) با خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار دارند. همچنین مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹) با بازنگری بیش از دوازده پژوهش گزارش داده‌اند که میزان دین‌داری با اندازه‌های کلی خودمهارگری رابطه مثبت دارد. البته برخی پژوهش‌ها (علی‌وردی‌نیا، معمار و نصرت‌زهی، ۱۳۹۴) نیز بین دین‌داری و خودمهارگری رابطه معناداری نیافته‌اند.

۲-۳-۳-۲- رابطه دلبستگی به خدا با خودمهارگری

جستجو در باب ارتباط دو متغیر دلبستگی به خدا و خودمهارگری در میان پژوهش‌های داخلی و خارجی نتیجه مشخصی دربر نداشت.

۲-۳-۴- نقش واسطه‌ای خودمهارگری

همان‌طور که گذشت عامل خودمهارگری بر بسیاری از متغیرهای مثبت روانی تأثیرگذار بوده و در مداخلات مختلف روان‌شناختی به کار گرفته می‌شود (به‌عنوان مثال: ابراهیمی مقدم و واحدی، ۱۳۹۴؛ محبوبی، ۱۳۹۴؛ ترابی، ۱۳۹۰ و جان‌بزرگی و دادستان، ۱۳۷۸). از سویی خودمهارگری، خود نیاز به تقویت دارد، لذا عوامل مؤثر بر خودمهارگری نیز موردتوجه پژوهش‌گران قرار گرفته است. توجه به دو نکته یادشده، علت بررسی خودمهارگری را به‌عنوان متغیر میانجی (واسطه‌ای) در پژوهش‌های متعدد آشکار می‌سازد. ازجمله این پژوهش‌ها می‌توان به بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در مدل‌سازی چاقی دختران (علی‌بخشی، علی‌پور، فرزاد و علی‌اکبری، ۱۳۹۴)، بررسی نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه بین روان‌سازهای سازش‌نیافته اولیه و کیفیت زندگی (بشارت، کشاورز و لواسانی، ۱۳۹۴)، نقش واسطه‌ای خودمهارگری در پیش‌بینی الگوی هوش معنوی بر اساس سبک‌های اسنادی (آرین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴) و بررسی میانجی‌گری خودمهارگری در رابطه سبک‌های دلبستگی والدینی و راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان (سبقتی، ۱۳۹۳) اشاره نمود. مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹) نیز تأکید می‌کنند که دین‌داری از طریق خودنظم‌بخشی و خودمهارگری بر ارتقاء سلامت،

بهزیستی و رفتار اجتماعی تأثیرگذار می‌گذارد. البته پژوهش علی‌وردی و همکاران (۱۳۹۴)، نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دین‌داری با رفتارهای انحرافی را تأیید نمی‌نماید که این تناقض در یافته‌ها در جای خود قابل‌بررسی است.

۵-۳-۲- رابطه سه‌گانه متغیرهای پژوهش

جستجوی پژوهش‌گر در میان پژوهش‌های داخلی و خارجی، در باب ارتباط سه‌گانه متغیرهای پژوهش، یعنی سه متغیر دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده، نتیجه مشخصی دربر نداشت.

۶-۳-۲- جمع‌بندی

بررسی پیشینه فوق‌الذکر، نکاتی را برای فهم ضرورت و سودمندی انجام پژوهش حاضر فراهم می‌آورد. نکات موردنظر بدین ترتیب است:

۱. بررسی پیشینه پژوهش حاضر، بررسی همبستگی متغیرهای پژوهش را با مدل موردنظر توجیه می‌نماید؛ چراکه:

- رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده، هرچند پیشینه کم‌حجمی دارد، لکن پژوهش‌های دیگری در زمینه ارتباط دین‌داری با کارکرد خانواده و همچنین رابطه دین‌داری با دیگر شاخص‌های سنجش خانواده، آن را جبران نموده و انجام پژوهش‌های بعدی در این زمینه را پشتیبانی می‌نماید.
- در زمینه رابطه خودمهارگری با کارکرد خانواده نیز اگرچه بخصوص در زمینه ارتباط این دو (به‌عنوان متغیر مستقل و وابسته) پژوهشی یافت نشد؛ اما پژوهش‌هایی آن‌دو را در کنار هم به‌کاربرده‌لند. همچنین پژوهش‌های متعددی که رابطه خودمهارگری را با شاخص‌های مختلف خانوادگی و روابط میان‌فردی تأیید می‌کنند، رابطه موردنظر را پشتیبانی می‌نمایند.

- درزمینه رابطه دلبستگی به خدا با خودمهارگری نیز اگرچه پژوهش خاصی یافت نگردید، ولی پژوهش‌های فراوانی که رابطه دین‌داری و معنویت را موردبررسی قرار داده‌اند، توجیه نظری و تجربی پژوهش در باب این رابطه را فراهم می‌آورند.
- همان‌طور که گذشت خودمهارگری به جهت ویژگی‌هایی که دارد، در پژوهش‌های مختلفی نقش میانجی‌گری یافته است. تأکید مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹) نیز بر نقش واسطه‌ای خودمهارگری بین دین‌داری و سایر متغیرهای روان‌شناختی، همچون ارتقاء سلامت، بهزیستی و رفتار اجتماعی، مدل پژوهش حاضر که نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده است را بیش‌ازپیش موجه می‌سازد.

۲. فقر پژوهشی موجود در پیشینه تجربی که ضرورت انجام پژوهش حاضر را روشن می‌نماید، بدین ترتیب است:

- فقر پژوهشی درزمینه رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده. طبق آنچه گفته شد جستجو در این مورد فقط دو پژوهش را نشان داد که آن‌دو نیز از چینش متفاوت در متغیرها و همچنین از مقیاسی متفاوت برای سنجش کارکرد خانواده بهره می‌بردند. درزمینه ارتباط با کارکرد خانواده حتی شاخص‌های دیگر دین‌داری نیز از پیشینه ضعیفی برخوردار بوده و در این زمینه تنها دو مورد یافت گردید (رک: عوامل مؤثر بر کارکرد خانواده). البته با توسعه دایره جستجو به شاخص‌های مختلف سنجش خانواده، موارد بیشتری یافت می‌گردد که رابطه ابعاد مختلف دین‌داری را با مواردی همچون سازگاری زناشویی (خوش‌فر و ایلواری، ۱۳۹۴)، تعهد زناشویی (محمدی، زهراکار، داورنیا و شاکرمی، ۱۳۹۳) و رضایت زناشویی (حاتمی، حبی و اکبری، ۱۳۸۸) موردبررسی قرار می‌دهند.

- فقر پژوهشی درزمینه رابطه دلبستگی به خدا و خودمهارگری. اگرچه همان‌طور که گذشت رابطه مفاهیم متعدد هم‌خانواده با دلبستگی به خدا، همچون معنویت، دین‌داری، جهت‌گیری مذهبی درونی و یاد خدا، با خودمهارگری موردپژوهش

قرار گرفته‌اند؛ لکن در زمینه ارتباط خصوص دلبستگی به خدا و خودمهارگری پژوهشی مشاهده نگردید.

- فقر پژوهشی در زمینه رابطه همبستگی خودمهارگری با کارکرد خانواده. همان‌طور که گفته شد، پژوهش‌های معدودی صرفاً این دو متغیر را در کنار هم به کار برده‌اند و فقر پژوهشی، به وضوح در زمینه ارتباط همبستگی دو متغیر (به عنوان متغیر مستقل و وابسته) مشاهده می‌شود.

- فقر پژوهشی در زمینه رابطه سه گانه متغیرها. با توجه به فقدان پژوهش در زمینه رابطه سه گانه متغیرهای حاضر (تا آنجا که محقق بدان دست یافته است)، خلأ پژوهشی در این زمینه به وضوح مشاهده می‌گردد. علیرغم وجود مبانی نظری کافی در زمینه ارتباط سه گانه متغیرها باهم، خلأ آشکار پیشینه تجربی ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌سازد.

۳. از طرفی در پیشینه مذکور، تناقضاتی در یافته‌ها به چشم می‌خورد که پژوهش حاضر می‌تواند گامی در راستای حل آن تناقضات باشد. تناقضات مذکور عبارت‌اند از:

- در زمینه ارتباط دین‌داری و خودمهارگری، پژوهش علی‌وردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)، رابطه همبستگی میان دین‌داری و خودمهارگری و همچنین نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دین‌داری با رفتارهای انحرافی را تأیید نمی‌کند. این یافته برخلاف نتایج پژوهش‌های متعددی است که رابطه موردنظر را تأیید می‌کنند. با توجه به شباهت مدل و مبانی نظری پژوهش حاضر با پژوهش موردنظر، امید است که پژوهش حاضر بتواند کمکی به حل تناقض مذکور بنماید.

- در زمینه رابطه خودمهارگری با کارکرد خانواده، محمدی‌مزیدی در پژوهش خود (۱۳۹۳) رابطه مذکور را غیر معنادار گزارش می‌نماید. اگرچه پژوهش موردنظر، این دو متغیر را در کنار هم و به عنوان متغیر مستقل به کار برده است؛ ولی به هر حال معناداری رابطه دو متغیر مذکور را نفی می‌کند و به نظر می‌رسد این یافته با مبانی نظری و پیشینه تجربی خودمهارگری در تناقض است. چراکه به تأیید پژوهش‌ها، خودمهارگری و روابط خانوادگی، آمیختگی قابل توجهی با یکدیگر دارند و تولدایی

افراد در کنترل تکانه‌های ناسازگار شخصی، ارتباطی مثبت و قوی با رفتارهای شایسته و مطلوب در روابط صمیمانه دارد (واس و فینکل، ۲۰۰۶ به نقل از ب. حسینی، ۱۳۸۸). پژوهش حاضر، تناقض مذکور را در قالب فرضیه معناداری رابطه خودمهارگری با کارکرد خانواده موردبررسی قرار می‌دهد.

فصل سوم

روش شناسی پژوهش

۱-۳- مقدمه

این فصل به بیان روش پژوهش اختصاص دارد. در این فصل ابتدا به معرفی نوع پژوهش پرداخته می‌شود. در ادامه پس از معرفی جامعه، نمونه و ابزار پژوهش، شیوه اجرا و روش تحلیل داده‌ها موردبررسی قرار خواهد گرفت. در انتها نیز به ملاحظات اخلاقی موردتوجه در این پژوهش پرداخته خواهد شد.

۲-۳- طرح پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کمی انجام پذیرفته و از لحاظ هدف، پژوهشی بنیادی محسوب می‌شود. تحقیقات بنیادی به تحقیقاتی گفته می‌شود که به منظور آزمون نظریه‌ها، تبیین روابط بین پدیده‌ها و افزودن به مجموعه دانش موجود در یک زمینه خاص صورت می‌پذیرد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۰، ص ۷۹) و جنبه‌های کاربردی آن در مسائل واقعی کمتر موردتوجه است (شریفی و شریفی، ۱۳۸۳، ص ۸۵).

از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها نیز این پژوهش را می‌توان پژوهشی توصیفی (غیرآزمایشی) برشمرد. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های موردبررسی است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۱). در پژوهش حاضر برای سنجش رابطه میان متغیرها از روش همبستگی و رگرسیون استفاده گردید. به اعتقاد هومن (۱۳۹۲، ص ۳۸۷) در یک مطالعه همبستگی، دو یا چند صفت در یک جامعه آماری اندازه‌گیری شده و سپس وجود ارتباط بین اندازه‌های مذکور و شدت و جهت این ارتباط سنجیده می‌شود. تحقیقات همبستگی را می‌توان

برحسب هدف به سه دسته تقسیم نمود: مطالعه همبستگی دو متغیری، تحلیل رگرسیون و تحلیل ماتریس همبستگی (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹۱). در این پژوهش، هر سه شیوه، یعنی همبستگی دو متغیری، تحلیل رگرسیون و تحلیل ماتریس همبستگی (در روش تحلیل مسیر) مورد استفاده قرار گرفت.

۳-۳- جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه افراد متأهل ساکن در مجتمع‌های مسکونی منطقه پردیسان قم در سال ۱۳۹۵ هستند. بر اساس استعلام از شهرداری منطقه پردیسان، جمعیت جامعه موردنظر در کمترین تخمین، بیش از پنجاه هزار نفر برآورد می‌شود.

۳-۴- حجم نمونه

گال و همکارانش حداقل آزمودنی‌ها را در یک تحقیق همبستگی ۳۰ نفر بیان می‌کنند. البته به این نکته نیز اذعان می‌نمایند که هرچه حجم نمونه بزرگ‌تر باشد، احتمال آن‌که نمره‌های افراد در متغیر اندازه‌گیری شده معرف نمره‌های جامعه باشد، بیشتر خواهد بود (گال^۱، بورگ^۲، گال^۳ و نصر، ۱۳۸۴، ص ۳۸۵). یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری، مراجعه به جدول معروف به جدول کرجسی - مورگان (کرجسی^۴ و مورگان^۵، ۱۹۷۰) است. جدول مذکور برای جامعه آماری پژوهش حاضر که بالغ بر پنجاه هزار نفر برآورد می‌شود، حجم نمونه حداقل ۳۸۱ نفر را پیشنهاد می‌نماید. با توجه به این‌که جدول کرجسی - مورگان از فرمول کوکران (کوکران^۶، ۲۰۰۷) استفاده می‌کند، مراجعه به فرمول موردنظر نیز با لحاظ خطای ۵ درصد، عدد ۳۸۱/۲ شرکت‌کننده را برای پژوهش حاضر مشخص نمود^۷؛ اما از آنجاکه نمونه بزرگ‌تر، بیشتر معرف جامعه است، تعداد بیش از

1. Gall, M. D.
2. Borg, W. R.
3. Gall, J. P.
4. Krejcie, R. V.
5. Morgan, D. W.
6. Cochran, W. G.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

۷. فرمول کوکران بدین صورت است:

۵۰۰ پرسش‌نامه برای این پژوهش در نظر گرفته شد که حاصل آن درنهایت، ۴۶۱ عدد پرسش‌نامه بازگشتی بود.

۵-۳- روش نمونه‌گیری

در این پژوهش برای نمونه‌گیری از تلفیقی از روش تصادفی ساده و روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده گردید؛ یعنی برای انتخاب مجتمع‌های مسکونی از روش تصادفی ساده و برای انتخاب افراد شرکت‌کننده در هر مجتمع از روش در دسترس استفاده شد.

نمونه‌گیری تصادفی ساده، به انتخاب بخشی از جامعه گفته می‌شود، به گونه‌ای که همه افراد جامعه احتمال یکسان برای انتخاب شدن داشته باشند (کرلینجر^۱، پاشاشریفی و نجفی‌زند، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸). در نمونه‌گیری در دسترس (سهولتی) پژوهش‌گر، افراد شرکت‌کننده را بر اساس دسترسی آسان و میل به مشارکت انتخاب می‌کند. البته راحت بودن این روش به معنای ناکارآمد بودن آن نیست؛ بلکه اگر در یک پژوهش، نمونه آماری آن‌قدر با جامعه خود تفاوت نداشته باشد که بر نتایج تحقیق اثر بگذارد، روش در دسترس روشی کاملاً پذیرفته‌شده جهت انتخاب یک نمونه آماری است (آردن^۲، ۲۰۰۵، ترجمه خادمی‌شماسی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). در پژوهش حاضر نیز پراکندگی (واریانس) در گروه نمونه (که شرطی لازم برای معرف بودن جامعه است)، از طریق انتخاب تصادفی مجتمع‌ها تأمین شد. به گونه‌ای که از هر چهار منطقه اصلی پردیسان، مجتمع‌هایی در نمونه‌گیری شرکت داده شدند. مجتمع‌هایی که مربوط به اصناف و فرهنگ‌های مختلف (طلاب، دانشگاہیان، کارگران، تاکسی‌داران و...) بود. با توجه به این نکته (تأمین واریانس گروه نمونه)، دیگر لزومی در انتخاب تصادفی شرکت‌کنندگان در هر مجتمع دیده نمی‌شد و روش در دسترس برای این منظور، منطقی‌تر و به صرفه‌تر به نظر می‌رسید.

1. Kerlinger, F. N.
2. Urdan, T. C.

۳-۶- ابزار پژوهش

برای اجرای پیمایشی این پژوهش، از یک پرسش‌نامه ۸۹ گویه‌ای استفاده گردید که شامل سه مقیاس روان‌شناختی (به همراه پاره‌ای پرسش‌های جمعیت‌شناختی) بود که توضیح هریک در ادامه خواهد آمد.

۳-۶-۱- مقیاس دلبستگی به خدا

این مقیاس در سال ۲۰۰۲ میلادی توسط روات و کرک‌پاتریک، جهت ارزیابی سبک دلبستگی افراد نسبت به خدا ابداع شده است. این مقیاس چندبعدی حاوی ۹ ماده (جمله) می‌باشد که هر یک توصیف کوتاهی از چگونگی رابطه دلبستگی فرد نسبت به خداوند را ارائه می‌کند. در این آزمون، هر سه گزاره، یکی از سبک‌های دلبستگی به خدا را توصیف می‌کنند. آزمودنی، درجه تطابق هر جمله را با حالات و تجربیات خود در رابطه با خدا، روی یک مقیاس لیکرت که از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) درجه‌بندی شده است، مشخص می‌نماید (سپاه‌منصور، شهابی‌زاده و خوشنویس، ۱۳۸۷). در پژوهش سپاه‌منصور و همکاران (۱۳۸۷)، همخوانی درونی دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۶۹ و ۰/۷۴ به‌دست آمده است.

۳-۶-۲- فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری (BSCS^۱)

مقیاس خودمهارگری در سال ۲۰۰۴ توسط تانجی و همکاران تهیه شده است. فرم بلند این مقیاس دارای ۳۶ آیت و فرم کوتاه آن شامل ۱۳ عبارت است. این پرسش‌نامه از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای بهره می‌برد. برای بررسی اعتبار و روایی، پرسش‌نامه بر روی دو گروه از دانشجویان دوره کارشناسی اجرا شد که ضریب آلفای کرونباخ هر دو مطالعه ۰/۸۹ به‌دست آمده است (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین ضریب اعتبار درونی این آزمون به روش آلفای کرونباخ با اجرای آن بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان توسط رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹) به‌دست آمده است.

بررسی‌های مالونی^۱ و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهد از زمان ساخت مقیاس خودمهارگری توسط تانجی و همکاران در سال ۲۰۰۴، بیشتر تحقیقات این حوزه با استفاده از فرم کوتاه ۱۳ سؤالی آن انجام شده است (به نقل از سرافراز، قربانی و جواهری، ۱۳۹۲).

۳-۶-۳- ابزار سنجش خانواده مک‌مستر (FAD^۲)

این پرسش‌نامه بر اساس مدل مک‌مستر و باهدف سنجش کارکرد خانواده، توسط اپستاین، بالدوین و بیشاپ در سال ۱۹۸۳ تدوین شده است. نسخه اولیه این مقیاس ۵۳ سؤالی بوده که به‌منظور افزایش روایی، ۷ ماده به آن افزوده گردیده است و در این پژوهش از نسخه ۶۰ سؤالی استفاده می‌گردد. مدل مک‌مستر برای سنجش کارکرد خانواده از شش بعد اختصاصی حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی و کنترل رفتار و یک بعد کارکرد کلی استفاده می‌نماید. این آزمون پس از تهیه، توسط سازندگان آن بر روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا شد. دامنه ضریب آلفای زیرمجموعه‌های آن بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ است که نشان می‌دهد از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۷۹). در ایران نیز تحقیقات انجام‌شده توسط زاده محمدی و ملک خسروی (۱۳۸۵) حکایت از آن دارد که آلفای کرونباخ کلی این پرسش‌نامه و خرده مقیاس‌های آن اعتبار دارد و ابعاد پرسش‌نامه از اعتبار بازآزمایی (پایایی) کافی برخوردار است. ابزار سنجش خانواده تا حدی دارای روایی هم‌زمان و پیش‌بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج حدوداً ۶۰ ساله، با «مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس»^۳ همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات «مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا»^۴ نشان داده است (ثنایی، ۱۳۷۹).

۳-۷- شیوه اجرا

ابتدا فهرست مجتمع‌های مسکونی واقع در منطقه پردیسان شهر قم (شامل ۱۸۴ مجتمع سرشماری شده توسط شهرداری منطقه در سال ۹۳) تهیه شده و ۲۰ مجتمع از میان آن‌ها به‌قیدقرعه انتخاب شد. البته پس از مواجهه با عدم همکاری برخی از مجتمع‌ها، مجتمع‌های دیگری به‌قیدقرعه جایگزین آن‌ها

1. Maloney, P. W.

2. family assesment device

3. Locke – Wallace Marital Adjustment Test (LWMAT)

4. The Philadelphia Geriatric Center Morale Scale (PGCMS)

می‌گردید. سپس در هر مجتمع فردی به‌عنوان مجری توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها انتخاب شده و به‌حسب شرایط مجتمع، از ۱۰ تا ۴۰ عدد پرسش‌نامه به وی تحویل داده می‌شد. آنگاه رابطین، پرسش‌نامه‌ها را در مجتمع‌های مربوطه به شیوه نمونه‌های در دسترس توزیع می‌نمودند.

۸-۳- شیوه تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، پرسش‌نامه‌های غیرقابل استفاده جدا گردیده و اطلاعات ۴۶۱ پرسش‌نامه باقیمانده به نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۱ وارد شد. پس از انجام مراحل مقدماتی ازجمله اصلاح خطاهای در هنگام ورود اطلاعات، مرتب‌سازی داده‌ها و ساخت متغیرها، داده‌ها برای انجام تحلیل‌های آماری آماده گردید. تحلیل‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در سطح آمار توصیفی از میانگین، انحراف معیار، جداول فراوانی و نمودارهای مناسب استفاده شد. در سطح آمار استنباطی نیز جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق، از آزمون همبستگی پیرسون (جهت بررسی رابطه بین متغیرها)، رگرسیون خطی (جهت بررسی پیش‌بینی‌کنندگی متغیرها) و روش تحلیل مسیر (جهت بررسی نقش میانجی) استفاده گردید. لازم به ذکر است که کلیه تحلیل‌های آمار توصیفی و همچنین آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون، با بهره‌گیری از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس نسخه ۲۴ و بررسی فرضیه اصلی از طریق روش تحلیل مسیر، با استفاده از نرم‌افزار ایموس^۲ نسخه ۲۴ انجام گردید.

۹-۳- ملاحظات اخلاقی پژوهش

انجام پژوهش نیازمند پایبندی پژوهش‌گر به اصول و ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی است؛ چراکه عدم التزام پژوهش‌گر به اصول اخلاقی و انسانی موجب استفاده وی از هرگونه ابزار اخلاقی و غیراخلاقی در جهت رسیدن به اهداف موردنظر خویش و همچنین استفاده‌های بایسته و نبایسته از نتایج و دستاوردهای تحقیقات علمی‌اش خواهد شد (افشار، حسینی و عباسی، ۱۳۹۰).

1. IBM SPSS Statistics
2. Amos

انجام یک پژوهش ازجمله پژوهش مرتبط با تدوین پایان‌نامه از مراحل و جنبه‌های مختلفی برخوردار است که رعایت اخلاق در هریک از آن‌ها ضروری است. در این بخش ملاحظات اخلاقی موردتوجه در پژوهش حاضر در دو جنبه «اجرای میدانی» و «نگارش پژوهش» بیان خواهد گردید.

۱-۹-۳- ملاحظات اخلاقی در اجرای میدانی

استفاده از انسان‌ها به‌عنوان آزمودنی‌های پژوهش، در بین پژوهش‌گران متداول است. مراد از آزمودنی انسانی، افرادی هستند که پژوهش به‌نوعی بر اساس مشارکت این افراد و اطلاعاتی که به روش مصاحبه، پرسش‌نامه و... در اختیار می‌گذارند، شکل می‌گیرد (خالقی، ۱۳۸۷). چندین اصل اخلاقی در رابطه با شرکت‌کنندگان در پژوهش‌های آموزشی، بر این پژوهش‌ها حاکم است. ازجمله این اصول می‌توان به این موارد اشاره نمود: رضایت آگاهانه داوطلبانه، حق انصراف از پژوهش، عدم افشای اطلاعات، رعایت حریم خصوصی، رازداری و محرمانگی، اجتناب از آسیب رساندن، اجتناب از تبعیض، عدم استثمار، جبران ضرر ناشی از مشارکت در پژوهش (افشار و همکاران، ۱۳۹۰).

در این راستا در فاز اجرای میدانی پژوهش حاضر، نکات ذیل موردتوجه پژوهش‌گر بود^۱:

۱. اطمینان از رضایت افراد در مشارکت در پژوهش. هیچ شرکت‌کننده‌ای برای دریافت و پر کردن پرسش‌نامه تحت فشار قرار نگرفت. شرکت‌کنندگان در شرکت یا ترک همکاری‌شان در مطالعه، در هر زمان و بدون جریمه آزاد بودند.

۲. لحاظ نمودن منفعت شرکت‌کننده از انجام این پژوهش. در توضیحات مکتوب در پرسش‌نامه و توضیحات شفاهی مجریان به این نکته تأکید شد که افراد در صورت تمایل با درج آدرس ایمیل خود می‌توانند از نتایج پرسش‌نامه‌شان مطلع شوند. پس از انجام تحلیل آماری، ارسال نتایج پرسش‌نامه‌ها برای تعداد قابل‌توجه ۱۳۵ نفر از درخواست‌کنندگان، با همه صعوبتی که داشت انجام گردید.

۱. در نگارش عناوین نکات مذکور از چک لیست ملاحظات اخلاقی طرح‌های پژوهشی با سوژه انسانی، ارائه شده از سوی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بهره گرفته شد (سایت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی تبریز).

۳. توجه به ملاحظات مذهبی و فرهنگی در تدوین پرسش‌نامه. کمال دقت صورت گرفت که محتویات پرسش‌نامه‌ها مغایر با اخلاق و فرهنگ اسلامی و یا از جهت فرهنگی و قومی، ناخوشایند و یا تحریک‌کننده همه یا بخشی از شرکت‌کنندگان نباشد.

۴. ایجاد اطمینان در شرکت‌کنندگان از محرمانه ماندن اطلاعات. در پرسش‌نامه تأکید شد که نتایج صرفاً مورد استفاده پژوهشی قرار گرفته و اطلاعات کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند. در این راستا پرسش‌نامه‌ها به صورت بی‌نام و یک‌شکل در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت؛ با این وجود پاکت‌های بزرگی نیز فراهم شد که در هنگام جمع‌آوری، پرسش‌نامه هر فرد توسط خود او و به طور محرمانه در میان دیگر پرسش‌نامه‌ها در پاکت قرار گیرد.

۵. رعایت حریم خصوصی. در پرسش‌نامه از طرح سؤالات خصوصی یا شرم‌آور پرهیز شد. رعایت این نکته به همراه ایجاد اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات، احساس امنیت را برای پاسخ‌گویان تأمین می‌نمود.

۶. در نظر گرفتن تمهیدات لازم جهت ارائه مشاوره و راهنمایی به شرکت‌کنندگان در طول مشارکت در مطالعه و پس از آن. علاوه بر درج راهنمایی‌های لازم در ابتدای پرسش‌نامه و ارائه توضیحات از سوی موزعین، شماره تلفن و آدرس ایمیلی نیز در پرسش‌نامه درج گردید که شرکت‌کنندگان در صورت نیاز، هرگونه ابهام یا سؤالی را از طریق آن پیگیری نمایند.

۲-۹-۳- ملاحظات اخلاقی در نگارش پژوهش

در بیانیه‌ای که در اجلاس جهانی صداقت در پژوهش^۱ در سال ۲۰۱۰ در سنگاپور ارائه شد، به ۱۴ مسئولیت که یک پژوهش‌گر باید اخلاقاً به آن پایبند باشد، اشاره شده است. از جمله آن‌ها می‌توان به امانت‌داری، تبعیت از قوانین، استفاده از روش تحقیق صحیح، ارائه صحیح نتایج و قدردانی در

1. Second world conference on research integrity

انتشارات اشاره نمود (لوکاس^۱، ۲۰۱۰). برخی از ملاحظات اخلاقی موردتوجه در پژوهش حاضر بدین قرارند:

۱. امانت‌داری علمی: اگر به لزوم امانت‌داری علمی و راه‌های تحقق آن توجه نشود، ممکن است پژوهش‌گر خواسته یا ناخواسته در دام سرقت علمی^۲ بیفتد. سرقت علمی، یعنی نسبت دادن آثار و نوشته‌های دیگران به خود. اگر نویسنده در تهیه اثر خویش از منبعی یا منابعی استفاده کند، اما از ارجاع و استناد به منابع خودداری، یا در آن کوتاهی نماید، مرتکب سرقت علمی شده است (سلیمانی‌پور و حیدری، ۱۳۹۳). در این پژوهش سعی بر این بود که هیچ مطلبی از دیگران بدون درج منبع صحیح و کامل آن نقل نگردد. همچنین این تلاش صورت گرفت که مطالب از منابع اصلی و معتبر نقل گردد (البته با حفظ حقوق نقل‌کنندگان واسطه‌ای). در صحت آدرس‌دهی‌های داخل متن و در فهرست منابع نیز توجه کامل صورت گرفت.

۲. توجه به صلاحیت علمی: نگارنده در این پژوهش -به‌حسب نوع آن- بیشتر به دنبال تبیین روابط بر اساس نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی پیشین بوده است. لذا سعی او بر این بود که متناسب با صلاحیت علمی خود سخن بگوید و در این اثر بیشتر نقل‌کننده و تبیین‌کننده کلام صاحب‌نظران علم باشد.

۳. ارائه نتایج پژوهش: سعی بر این بود که نتایج پژوهش به‌طور کامل و دقیق و با ادبیاتی روان و رسا گزارش شود تا به‌راحتی و اطمینان مورداستفاده دیگران قرار گیرد. همچنین در صحت آدرس‌دهی به منابع و نقل معادل‌های لاتین کمال توجه مبذول شد تا مراجعه به منابع و نظریات مورداستفاده، برای پژوهش‌گران بعدی سهل گردد.

1. Lucas, G.

2. plagiarism

۴. تبعیت از قوانین: قوانین پژوهشی، بخصوص آیین‌نامه مرکز آموزش عالی متبوع^۱، همواره و به‌طور کامل در نگارش این اثر پژوهشی مورد لحاظ قرار گرفت. در استناددهی توجه کامل به شیوه‌نامه مصوب (APA)^۲ صورت گرفت.

۵. قدردانی در انتشارات: پژوهش‌گران باید در انتشارات خود از تمامی افرادی که سهم قابل توجهی در به انجام رسیدن تحقیقات خود داشته‌اند، قدردانی نمایند. این مهم در صفحه تقدیر و تشکر پایان‌نامه حاضر انجام گرفت.

۱. راهنمای تدوین نگارش پایان‌نامه (سایت مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت)

2. "American Psychological Association" publication style

فصل چهارم

یافته‌های پژوهش

۴-۱- مقدمه

در این فصل داده‌هایی که از طریق پرسشنامه گردآوری شده است، در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه می‌گردد. در ادامه پس از بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش به عنوان پیش فرض اساسی انجام تحلیل‌های استنباطی پارامتریک، به بررسی تک تک فرضیه‌های پژوهش پرداخته خواهد شد.

۴-۲- یافته‌های توصیفی

۴-۲-۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

در این بخش به منظور بررسی وضعیت کلی شرکت‌کنندگان، متغیرهای جمعیت‌شناختی جمعیت نمونه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱-۱- جنسیت

از میان شرکت‌کنندگان ۵۱/۶ درصد را مردان و ۴۸/۴ درصد زنان تشکیل داده‌اند. فراوانی و درصد شرکت‌کنندگان بر اساس جنسیت در جدول ۴-۱ ارائه شده است.

جدول ۱-۴: جنسیت شرکت‌کنندگان

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۲۳۸	۵۱/۶
زن	۲۲۳	۴۸/۴
کل	۴۶۱	۱۰۰

۲-۱-۲-۴- سن

سن شرکت‌کنندگان بین ۱۶ تا ۶۰ بوده است. فراوانی و درصد شرکت‌کنندگان بر اساس سن آن‌ها در جدول ۲-۴ ارائه گردیده است.

جدول ۲-۴: سن شرکت‌کنندگان

سن	فراوانی	درصد	درصد معتبر
زیر ۲۷ سال	۶۱	۱۳/۲	۱۵
۲۷ الی ۳۳ سال	۱۳۶	۲۹/۲	۳۳/۳
۳۴ الی ۴۰ سال	۱۵۷	۳۴/۱	۳۸/۵
بالای ۴۰ سال	۵۴	۱۱/۷	۱۳/۲
بدون جواب	۵۳	۱۱/۵	----
کل	۴۶۱	۱۰۰	۱۰۰
کمینه	۱۶		
بیشینه	۶۰		
میانگین	۳۳/۹		
انحراف معیار	۷/۱		

میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۳/۹ با انحراف معیار ۷/۱ سال است. بیشترین فراوانی مربوط به شرکت‌کنندگانی است که بین ۳۴ تا ۴۰ سال داشته‌اند. این گروه ۳۴/۱ درصد از کل شرکت‌کنندگان را به خود اختصاص داده‌اند. افراد دارای سنین ۲۷ الی ۳۳ سال، زیر ۲۷ سال و بالای ۴۰ سال نیز در رده‌های بعدی قرار دارند. ۵۳ نفر (۱۱/۵ درصد) نیز سن خود را مشخص نکرده‌اند.

۳-۱-۲-۴- تحصیلات

۱-۳-۱-۲-۴- تحصیلات کلاسیک

توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان بر اساس تحصیلات کلاسیک آن‌ها در جدول ۴-۳ ارائه شده است.

جدول ۴-۳: تحصیلات کلاسیک شرکت‌کنندگان

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر
زیر دیپلم	۷۴	۱۶/۱	۱۸/۴
دیپلم	۱۶۹	۳۶/۷	۴۲/۰
فوق دیپلم	۳۸	۸/۲	۹/۵
لیسانس	۶۶	۱۴/۳	۱۶/۴
فوق لیسانس	۴۵	۹/۸	۱۱/۲
دکتر	۱۰	۲/۲	۲/۵
بدون پاسخ	۵۹	۱۲/۸	----
کل	۴۶۱	۱۰۰	۱۰۰

با توجه به جدول، بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات دیپلم است (۳۶/۷ درصد). رتبه‌های بعدی فراوانی مربوط به تحصیلات زیر دیپلم (۱۶/۱ درصد)، لیسانس (۱۴/۳ درصد)، فوق لیسانس (۹/۸ درصد)، فوق دیپلم (۸/۲ درصد) و دکتر است (۲/۲ درصد). ۱۲/۸ درصد شرکت‌کنندگان نیز تحصیلات کلاسیک خود را مشخص نکرده‌اند.

۲-۳-۱-۲-۴- تحصیلات حوزوی

با توجه به این که بخشی از شرکت‌کنندگان این پژوهش را طلاب علوم دینی تشکیل می‌دادند، تحصیلات حوزوی شرکت‌کنندگان نیز در پرسشنامه مربوطه مورد سؤال قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴-۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴-۴: تحصیلات حوزوی شرکت‌کنندگان

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر
مقدمات	۱۵	۳/۳	۷/۷
سطح یک	۱۳	۲/۸	۶/۷
سطح دو	۷۵	۱۶/۳	۳۸/۷
سطح سه	۶۸	۱۴/۸	۳۵/۱
سطح چهار	۲۳	۵/۰	۱۱/۹
فاقد تحصیلات حوزوی (و بدون پاسخ)	۲۶۷	۵۷/۹	----
کل	۴۶۱	۱۰۰	۱۰۰

بر اساس جدول، ۵۷/۹ درصد شرکت‌کنندگان فاقد تحصیلات حوزوی بوده و یا سؤال مربوطه را بی‌پاسخ گذاشته‌اند. پس‌از آن نیز تحصیلات حوزوی سطح دو با ۱۶/۳ درصد، سطح سه با ۱۴/۸ درصد، سطح چهار با ۵ درصد، مقدمات با ۳/۳ درصد و نهایتاً سطح یک با درصد فراوانی ۲/۸ درصد قرار گرفته‌اند.

۴-۱-۲-۴- شغل

با توجه به پراکندگی و تنوع جمعیت نمونه، شرکت‌کنندگان این پژوهش طبیعتاً صاحب مشاغل مختلفی هستند. در جدول ۴-۵ توزیع فراوانی مشاغل شرکت‌کنندگان به نمایش درآمده است.

جدول ۴-۵: شغل شرکت‌کنندگان

شغل	فراوانی	درصد	درصد معتبر
طلبه	۱۵۴	۳۳/۴	۴۲/۴
کارمند	۶۶	۱۴/۳	۱۸/۲
شغل آزاد	۴۲	۹/۱	۱۱/۶
فاقد شغل	۱۰۱	۲۱/۹	۲۷/۸
بدون پاسخ	۹۸	۲۱/۳	----
کل	۴۶۱	۱۰۰	۱۰۰

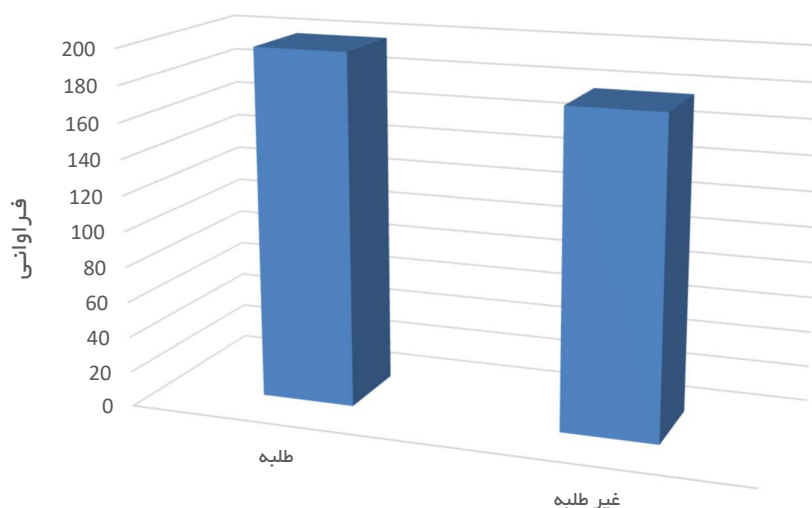
طبق جدول، بیشترین فراوانی مربوط شغل طلبگی (۳۳/۴ درصد) است. شغل کارمندی با ۱۴/۳ درصد و شغل آزاد با ۹/۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. گفتنی است که ۲۱/۹ درصد از افراد خود را فاقد شغل معرفی نموده و ۲۱/۳ درصد نیز از پاسخ به این سؤال امتناع نموده‌اند.

۵-۱-۲-۴- طلبه یا غیر طلبه بودن

با توجه به این که برخی از طلاب به دلیل اشتغال به مشاغل دیگر در کنار طلبگی، در پرسشنامه، شغل دیگر خود را ذکر کرده‌اند، به منظور برآورد دقیق‌تر تعداد طلاب، دو متغیر تحصیلات حوزوی و شغل، همراه باهم موردبررسی قرار گرفت. نتیجه این بررسی در جدول ۴-۶ به نمایش درآمده است.

جدول ۴-۶: طلبه یا غیر طلبه بودن شرکت‌کنندگان

گروه	فراوانی	درصد	درصد معتبر
طلبه	۱۹۸	۴۳	۵۲/۸
غیر طلبه	۱۷۷	۳۸/۴	۴۷/۲
بدون پاسخ	۸۶	۱۸/۷	----
کل	۴۶۱	۱۰۰	۱۰۰



شکل ۴-۱: نمودار طلبه یا غیر طلبه بودن شرکت‌کنندگان

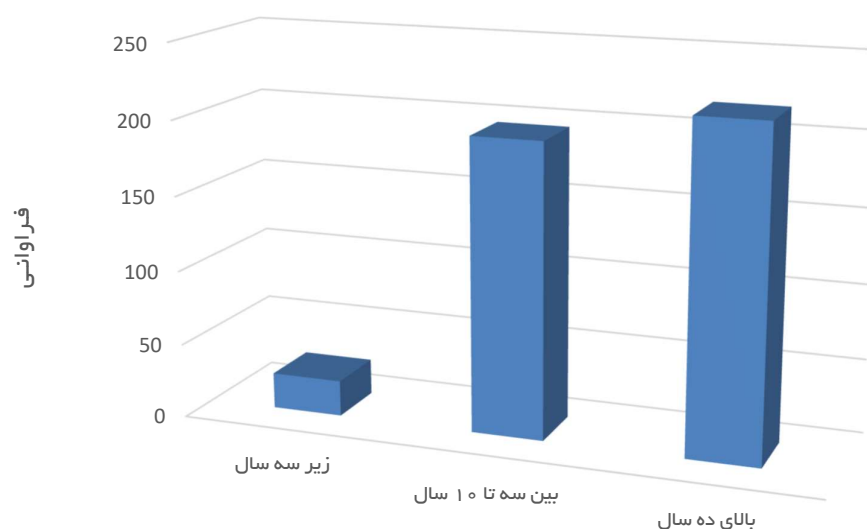
در جدول مذکور، منظور از طلبه افرادی هستند که تحصیلات حوزوی دارند و یا شغل خود را طلبگی معرفی کرده‌اند. این گروه ۴۳ درصد از فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. منظور از غیر طلبه نیز افرادی هستند که تحصیلات حوزوی ندارند و شغل خود را نیز مواردی غیر از طلبگی معرفی کرده‌اند. این گروه نیز ۳۸/۴ درصد از شرکت‌کنندگان را در خود جای داده است. شرکت‌کنندگانی هم که به هیچ‌یک از دو سؤال مذکور (شغل و تحصیلات حوزوی) پاسخ نداده‌اند، در گروه بی‌پاسخ قرار گرفته‌اند (۱۸/۷ درصد).

۴-۲-۱-۶- مدت ازدواج

با توجه به این‌که پژوهش حاضر در میان افراد متأهل انجام گردیده، یکی از ویژگی‌های موردتوجه، مدت ازدواج شرکت‌کنندگان بوده است. توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان، بر اساس مدت ازدواج در جدول ۴-۷ ارائه گردیده است.

جدول ۴-۷: مدت ازدواج شرکت‌کنندگان

مدت ازدواج	فراوانی	درصد	درصد معتبر
زیر سه سال	۲۴	۵/۲	۵/۵
بین سه تا ده سال	۱۹۶	۴۲/۵	۴۴/۷
بالای ده سال	۲۱۸	۴۷/۳	۴۹/۸
بدون پاسخ	۲۳	۵/۰	----
کل	۴۶۱	۱۰۰	۱۰۰



شکل ۲-۴: نمودار مدت ازدواج شرکت‌کنندگان

بر اساس جدول، $47/3$ درصد از شرکت‌کنندگان بیش از ده سال از ازدواجشان گذشته است. گروه سه تا ده سال با $42/5$ درصد و زیر سه سال با $5/2$ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. ۵ درصد افراد نیز سؤال مربوطه را بی‌پاسخ گذاشته‌اند.

۴-۲-۲-۴- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، سه متغیر دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده موردبررسی قرار گرفته است. شاخص‌های توصیفی هریک از متغیرها (شامل میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه) به همراه زیرمقیاس‌های آنها در این بخش ارائه شده است.

۴-۲-۲-۱- دلبستگی به خدا

جدول ۸-۴: شاخص‌های توصیفی متغیر دلبستگی به خدا

شاخص ←	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	شاخص ← گروه ↓	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
دلبستگی ایمن	مرد	۵/۴۵	۱/۱۱	۱/۸۸	۷/۰۰	طلبه	۵/۶۷	۰/۹۵	۸۸
	زن	۵/۳۵	۱/۰۶	۱/۸۸	۷/۰۰	غیر طلبه	۵/۱۹	۱/۱۵	۸۸
	کلی	۵/۴۰	۱/۰۹	۱/۸۸	۷/۰۰				

۵/۶۶	۱۰۰	۰/۸۵	۱/۹۸	طلبه	۶/۱۶	۱/۰۰	۱/۰۲	۲/۱۷	مرد	دلبستگی اجتنابی
۶/۱۶	۱۰۰	۱/۱۲	۲/۳۳	غیر طلبة	۵/۸۳	۱/۰۰	۱/۰۱	۲/۱۶	زن	
					۶/۱۶	۱/۰۰	۱/۰۱	۲/۱۶	کلی	
۷/۰۰	۱۰۰	۱/۵۱	۳/۰۱	طلبه	۷/۰۰	۱/۰۰	۱/۵۹	۳/۲۸	مرد	دلبستگی دوسوگرا
۷/۰۰	۱۰۰	۱/۵۸	۳/۷۳	غیر طلبة	۷/۰۰	۱/۰۰	۱/۶۱	۳/۶۰	زن	
					۷/۰۰	۱/۰۰	۱/۶۰	۳/۴۳	کلی	

دلبستگی به خدا سه بعد دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در بر دارد. نمره هریک از این ابعاد می‌تواند عددی بین ۱ تا ۷ باشد. در جدول ۴-۸ نمرات کسب‌شده توسط مردان و زنان و طلاب و غیر طلاب به تفکیک، در کنار نمره کل جمعیت به نمایش درآمده است. به‌عنوان مثال میانگین نمره دلبستگی ایمن در جمعیت مردان ۵/۴۵ و در زنان ۵/۳۵ است. همچنین میانگین نمره دلبستگی ایمن طلاب ۵/۶۷ و غیر طلاب ۵/۱۹ است. بنابراین بر اساس آمار فوق‌الذکر می‌توان گفت بالاترین نمره دلبستگی ایمن در جامعه پژوهشی حاضر، متعلق به مردان طلبه است.

۲-۲-۲-۴- خودمهارگری

جدول ۴-۹: شاخص‌های توصیفی متغیر خودمهارگری

بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانگین	شاخص ←	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانگین	شاخص ←	
				گروه ↓					گروه ↓	متغیر ↓
۵/۰۰	۲/۰۰	۵/۷۲	۴۳/۵۰	طلبه	۶۱/۰۰	۲۶/۰۰	۶/۰۹	۴۳/۶۰	مرد	خود مهارگری
۶/۰۰	۲/۰۰	۶/۱۳	۴۴/۴۸	غیر طلبة	۶۱/۰۰	۲۸/۰۰	۵/۴۹	۴۴/۱۴	زن	
					۶۱/۰	۲۶/۰۰	۵/۸۰	۴۳/۸۶	کلی	

با توجه به جدول ۴-۹، متغیر خودمهارگری دارای حداقل نمره ممکن ۱۳ و حداکثر ۶۵ بوده و کمترین نمره خودمهارگری کسب‌شده در پژوهش حاضر ۲۶ و بالاترین نمره ۶۱ بوده است. همچنین با دقت در جدول مربوطه می‌توان دریافت که در این پژوهش بیشترین نمره خودمهارگری به‌طور میانگین متعلق به زنان غیر طلبه است.

۳-۲-۴- کارکرد خانواده

جدول ۱۰-۴: شاخص‌های توصیفی متغیر کارکرد خانواده

بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانگین	شاخص ←	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانگین	شاخص ←	
				گروه ↓					گروه ↓	متغیر ↓
۳/۳۳	۱/۰۰	۰/۳۹	۱/۹۵	طلبه	۳/۳۳	۱/۰۰	۰/۳۸	۱/۹۲	مرد	حل مسئله
۳/۳۳	۱/۰۰	۰/۳۹	۱/۹۴	غیر طلبه	۳/۳۳	۱/۰۰	۰/۴۲	۱/۹۵	زن	
					۳/۳۳	۱/۰۰	۰/۴۰	۱/۹۳	کلی	
۳/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۶	۲/۰۴	طلبه	۳/۱۱	۱/۰۰	۰/۳۸	۲/۰۷	مرد	روابط
۳/۱۱	۱/۱۱	۰/۳۹	۲/۱۱	غیر طلبه	۳/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۷	۲/۰۶	زن	
					۳/۱۱	۱/۰۰	۰/۳۷	۲/۰۷	کلی	
۳/۴۵	۱/۰۰	۰/۳۲	۲/۲۲	طلبه	۳/۲۷	۱/۰۰	۰/۳۵	۲/۲۵	مرد	نقش‌ها
۳/۳۶	۱/۲۷	۰/۳۷	۲/۲۷	غیر طلبه	۳/۴۵	۱/۲۷	۰/۳۷	۲/۲۵	زن	
					۳/۴۵	۱/۰۰	۰/۳۶	۲/۲۵	کلی	
۳/۱۶	۱/۰۰	۰/۴۳	۱/۹۲	طلبه	۳/۱۶	۱/۰۰	۰/۴۶	۱/۹۷	مرد	پاسخ‌دهی عاطفی
۳/۸۳	۱/۰۰	۰/۵۲	۲/۰۴	غیر طلبه	۳/۸۳	۱/۰۰	۰/۵۲	۲/۰۰	زن	
					۳/۸۳	۱/۰۰	۰/۴۹	۱/۹۸	کلی	
۳/۲۸	۱/۲۸	۰/۳۸	۲/۰۹	طلبه	۴/۰۰	۱/۰۰	۰/۵۰	۲/۱۶	مرد	مشارکت عاطفی
۳/۵۷	۱/۰۰	۰/۵۰	۲/۱۶	غیر طلبه	۴/۰۰	۱/۰۰	۰/۴۸	۲/۱۳	زن	
					۴/۰۰	۱/۰۰	۰/۴۹	۲/۱۴	کلی	
۳/۶۶	۱/۰۰	۰/۳۵	۲/۰۶	طلبه	۳/۱۵	۱/۰۰	۰/۳۷	۲/۱۰	مرد	کنترل رفتار
۳/۱۵	۱/۳۳	۰/۳۹	۲/۱۸	غیر طلبه	۳/۶۶	۱/۱۱	۰/۴۰	۲/۱۶	زن	
					۳/۶۶	۱/۰۰	۰/۳۹	۲/۱۳	کلی	
۳/۴۱	۱/۰۰	۰/۳۹	۱/۹۲	طلبه	۳/۳۳	۱/۰۰	۰/۴۰	۱/۹۳	مرد	کارکرد کلی
۳/۳۳	۱/۰۰	۰/۴۶	۱/۹۹	غیر طلبه	۳/۴۱	۱/۰۰	۰/۴۵	۱/۹۹	زن	
					۳/۴۱	۱/۰۰	۰/۴۳	۱/۹۶	کلی	

متغیر کارکرد خانواده دارای هفت خرده مقیاس است که عبارت‌اند از حل مسئله، روابط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی. حداقل و حداکثر نمره ممکن در کلیه خرده‌مقیاس‌های مذکور ۱ تا ۴ است. گفتنی است با توجه به این‌که مقیاس کارکرد خانواده، وضعیت ناسالم کارکرد خانواده در ابعاد مختلف را می‌سنجد، نمرات پایین‌تر نشان‌گر وضعیت مطلوب‌تر خواهند بود. بر اساس جدول ۴-۱۰، به‌طور مثال در خرده‌مقیاس مشارکت عاطفی، نمرات میانگین،

انحراف معیار، کمینه و بیشینه برای کل جامعه پژوهشی، به ترتیب ۲/۱۴، ۰/۴۹، ۱ و ۴ است. همچنین می‌توان دریافت که در خرده‌مقیاس مذکور مطلوب‌ترین (کمترین) نمرات به‌طور میانگین متعلق به زنان طلبه است.

۴-۳- یافته‌های استنباطی

۴-۳-۱- بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

پیش‌فرض‌های آماری، پایه بسیاری از آزمون‌های آماری تک متغیری و چندمتغیری است. نرمال بودن، اساسی‌ترین پیش‌فرض تحلیل چندمتغیری است. شکل توزیع متغیرهای پیوسته در تحلیل‌های چندمتغیری باید با توزیع نرمال تطابق داشته باشد. به این معنا که فراوانی متغیرهای توزیع اندازه‌ها باید تقریباً زنگوله‌ای شکل باشد (مایرز^۱، گامست^۲، گوئارینو^۳ و پاشاشریفی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷).

البته برخی از آماردانان (قاسمی و زاهدی‌اصل، ۲۰۱۲) نیز معتقدند که اگر تعداد داده‌ها به‌اندازه کافی زیاد باشد (بیشتر از ۳۰ یا ۴۰)، تخطی از فرض نرمال بودن، مشکل آن‌چنانی در محاسبات ایجاد نمی‌کند و در صورتی که داده‌ها متشکل از صدها مشاهده باشد، دیگر نرمال بودن توزیع داده‌ها چندان مهم نیست. با توجه به این که پژوهش حاضر نیز از داده‌های مربوط به ۴۶۱ مشاهده بهره می‌برد، شاید بتوان پیش‌فرض نرمال بودن را از اساس در این پژوهش نادیده گرفت.

اما قطع نظر از نکته اخیر، برای سنجش نرمال بودن متغیرهای یک پژوهش، روش‌های مختلفی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از آزمون‌های مبتنی بر نظریه، مانند آزمون کولموگوروف-اسمیرنف^۴ و آزمون شاپیرو-ویلک^۵، روش‌های گرافیکی، مانند نمودار هیستوگرام، چارک - چارک (Q-Q) و همچنین استفاده از شاخص‌های آماری کجی^۶ و کشیدگی^۷ (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸، ص ۴۰۸).

-
1. Meyers, L. S.
 2. Glenn, G.
 3. Guarino, A. J.
 4. Kolmogorov- Smirnov test
 5. Shapiro-Wilk test
 6. skewness
 7. kurtosis

۱-۳-۴- بررسی نرمال بودن متغیرها بر اساس آزمون کولموگروف و شاپیرو

برای سنجش نرمال بودن متغیرهای این پژوهش، ابتدا از دو آزمون آماری کولموگروف-اسمیرنف و شاپیرو - ویلک استفاده گردید. نتایج نشان داد که از میان مهم‌ترین متغیرهای این پژوهش (دلبستگی ایمن به خدا، خودمهارگری و کارکرد کلی خانواده)، متغیر خودمهارگری بر اساس آزمون شاپیرو - ویلک نرمال محسوب می‌شود (معناداری $0/33 < 0/05$) (شکل ۴-۱۱)

جدول ۴-۱۱: نتایج آزمون‌های سنجش نرمال بودن در اسپس‌اس

شاپیرو- ویلک			کولموگروف- اسمیرنف			آزمون ←
معناداری	درجه آزادی	آماره	معناداری	درجه آزادی	آماره	متغیر ↓
۰/۰۰۰	۴۶۱	۰/۹۵۶	۰/۰۰۰	۴۶۱	۰/۰۹۸	دلبستگی ایمن
۰/۳۳۸	۴۶۱	۰/۹۹۶	۰/۰۲۸	۴۶۱	۰/۰۴۵	خودمهارگری
۰/۰۰۰	۴۶۱	۰/۹۸۶	۰/۰۰۰	۴۶۱	۰/۰۸۴	کارکرد کلی

۲-۳-۴- بررسی نرمال بودن متغیرها بر اساس شاخص‌های کشیدگی و چولگی

رویکردهای آماری که نرمال بودن داده‌ها را ارزیابی می‌کنند، اغلب با شاخص کجی و کشیدگی شروع می‌شوند. کجی، شاخص تقارن توزیع و کشیدگی، شاخص بلندی کلی توزیع است. متغیری که توزیع نرمال دارد، اندازه‌های کجی و کشیدگی آن حدود صفر است (مایرز و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷). در مورد کجی و کشیدگی، برخی آمارشناسان تفسیر $+1$ - را ترجیح می‌دهند (مایرز و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸۵). به این معنا که چنانچه مقدار کجی و کشیدگی در دامنه -1 تا $+1$ باشد، می‌توان متغیر را نرمال دانست (کریمی، ۱۳۹۴).

همان‌طور که در جدول ۴-۱۲ ملاحظه می‌شود، کجی و کشیدگی کلیه متغیرهای این پژوهش در حد کمینه و در دامنه -1 و $+1$ قرار دارد. (به جز دو متغیر غیر اصلی دلبستگی اجتنابی و مشارکت عاطفی که کجی اولی و کشیدگی دومی کمی بیشتر از $+1$ است).

جدول ۱۲-۴: شاخص کشیدگی و کجی متغیرهای پژوهش

متغیر ↓	کشیدگی	کجی
دلبستگی ایمن	-۰/۰۸	-۰/۶۵
دلبستگی اجتنابی	۰/۷۸	۱/۰۲
دلبستگی دوسوگرا	-۰/۷۹	۰/۱۸
خودمهارگری	۰/۰۹	-۰/۰۴
حل مسئله	۰/۹۱	-۰/۱۰
روابط	۰/۳۰	-۰/۳۷
نقش‌ها	۰/۸۵	۰/۰۵
پاسخ‌دهی عاطفی	۰/۱۵	۰/۱۲
مشارکت عاطفی	۱/۰۲	۰/۶۹
کنترل رفتار	۰/۴۹	۰/۱۷
کارکرد کلی	۰/۵۷	۰/۱۳

با توجه به آن‌که شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش حاضر در حد کمینه و در دامنه ۱- و ۱+ قرار دارد، می‌توان از نتایج نامطلوب آزمون‌های کولموگروف و شاپیرو درباره متغیرهای دلبستگی به خدا و کارکرد خانواده چشم پوشید و همه متغیرهای پژوهش را نرمال دانست؛ بنابراین می‌توان در این پژوهش، از آزمون‌های پارامتریک از جمله همبستگی پیرسون و رگرسیون و همچنین روش تحلیل مسیر استفاده نمود.

۲-۳-۴- بررسی فرضیه‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های مرتبط با فرضیه‌های پژوهش یک‌به‌یک مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که با توجه به زمینه‌ساز بودن فرضیه‌های فرعی نسبت به فرضیه اصلی در این پژوهش، ابتدا فرضیه‌های فرعی و در آخر فرضیه اصلی مطرح می‌گردد.

۱-۲-۳-۴- فرضیه فرعی اول

«کیفیت دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده رابطه معنادار دارد.»

جدول ۱۳-۴: نتایج همبستگی پیرسون دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده

متغیر	حل مسئله	روابط	نقش‌ها	پاسخ‌دهی عاطفی	مشارکت عاطفی	کنترل رفتار	کارکرد کلی
دلبستگی ایمن	-.189** .000	-.342** .000	-.370** .000	-.409** .000	-.466** .000	-.384** .000	-.454** .000
دلبستگی اجتنابی	.227** .000	.345** .000	.336** .000	.405** .000	.426** .000	.391** .000	.443** .000
دلبستگی دوسوگرا	.345** .000	.259** .000	.329** .000	.319** .000	.410** .000	.288** .000	.364** .000

بر اساس جدول ۴-۱۳، متغیر دلبستگی ایمن به خدا با کلیه ابعاد کارکرد خانواده رابطه معنادار منفی (در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱) دارد؛ یعنی هرچه قدر دلبستگی ایمن به خدا افزایش یابد، کارکرد ناسالم خانواده در ابعاد مختلف خود کاهش خواهد یافت. دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا نیز با همه ابعاد کارکرد خانواده رابطه معنادار مثبت دارند؛ یعنی افزایش در دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به خداوند با افزایش کارکرد ناسالم خانواده در همه ابعاد خود همراه خواهد بود.

۲-۲-۳-۴- فرضیه فرعی دوم

«کیفیت دلبستگی به خدا با خودمهارگری رابطه معنادار دارد.»

جدول ۱۴-۴: نتایج همبستگی پیرسون دلبستگی به خدا با خودمهارگری

متغیر	خودمهارگری
دلبستگی ایمن	.345** .000
دلبستگی اجتنابی	-.362** .000
دلبستگی دوسوگرا	-.070 .000

بر طبق جدول ۴-۱۴ دل‌بستگی ایمن به خداوند با خودمهارگری رابطه معنادار مثبت و دل‌بستگی اجتنابی به خداوند با خودمهارگری رابطه معنادار منفی دارد. دل‌بستگی دوسوگرا نیز با خودمهارگری رابطه همبستگی منفی دارد که البته معنادار نیست.

۴-۳-۲-۳- فرضیه فرعی سوم

«خودمهارگری با کارکرد خانواده رابطه معنادار دارد.»

جدول ۴-۱۵: نتایج همبستگی پیرسون خودمهارگری با کارکرد خانواده

متغیر	حل مسئله	روابط	نقش‌ها	پاسخ‌دهی عاطفی	مشارکت عاطفی	کنترل رفتار	کارکرد کلی
خودمهارگری	-.339** .000	-.366** .000	-.443** .000	-.375** .000	-.405** .000	-.408** .000	-.461** .000

بر اساس جدول ۴-۱۵، خودمهارگری با تمامی ابعاد کارکرد (ناسالم) خانواده رابطه معنادار منفی دارد؛ یعنی اگر خودمهارگری اعضای خانواده افزایش یابد، ابعاد مختلف کارکرد ناسالم خانواده با کاهش و بهبود همراه خواهد بود.

۴-۳-۲-۴- فرضیه فرعی چهارم

«کیفیت دل‌بستگی به خدا کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند.»

جدول ۴-۱۶: نتایج تحلیل رگرسیون دل‌بستگی به خدا و کارکرد خانواده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	آماره T	سطح معناداری
دل‌بستگی ایمن به خدا	حل مسئله	-.070	.017	-.189	-113/4	.000
	روابط	-.119	.015	-.342	-7.784	.000
	نقش‌ها	-.123	.014	-.370	-8.531	.000
	پاسخ‌دهی عاطفی	-.185	.019	-.409	-9.589	.000
	مشارکت عاطفی	-.210	.019	-.466	-11.289	.000
	کنترل رفتار	-.138	.015	-.384	-8.917	.000
	کارکرد کلی	-.179	.016	-.454	-10.914	.000
دل‌بستگی اجتنابی به خدا	حل مسئله	.091	.018	.227	5.005	.000
	روابط	.129	.016	.345	7.885	.000
	نقش‌ها	.120	.016	.336	7.636	.000

پاسخ‌دهی عاطفی	.197	.021	.405	9.500	.000
مشارکت عاطفی	.206	.020	.426	10.097	.000
کنترل رفتار	.150	.017	.391	9.097	.000
کارکرد کلی	.188	.018	.443	10.590	.000
حل مسئله	.024	.012	.096	2.074	.039
روابط	.061	.011	.259	5.737	.000
نقش‌ها	.074	.010	.329	7.457	.000
پاسخ‌دهی عاطفی	.098	.014	.319	7.218	.000
مشارکت عاطفی	.125	.013	.410	9.632	.000
کنترل رفتار	.070	.011	.288	6.450	.000
کارکرد کلی	.097	.012	.364	8.371	.000

دلبستگی
دوسوگرا به خدا

نتایج تحلیل رگرسیون خطی در نرم‌افزار اسپاس (جدول ۴-۱۶) نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن به خدا، به‌طور معناداری کاهش ابعاد کارکرد ناسالم خانواده و دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به خدا به‌طور معناداری افزایش ابعاد کارکرد ناسالم خانواده را پیش‌بینی می‌نمایند.

۵-۲-۳-۴- فرضیه فرعی پنجم

«خودمهارگری کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند.»

جدول ۱۷-۴: نتایج تحلیل رگرسیون خودمهارگری و کارکرد خانواده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	آماره T	سطح معناداری
خودمهارگری	حل مسئله	-.024	.003	-.339	-7.715	.000
	روابط	-.024	.003	-.366	-8.416	.000
	نقش‌ها	-.028	.003	-.443	-10.597	.000
	پاسخ‌دهی عاطفی	-.032	.004	-.375	-8.655	.000
	مشارکت عاطفی	-.034	.004	-.405	-9.480	.000
	کنترل رفتار	-.027	.003	-.408	-9.565	.000
	کارکرد کلی	-.034	.003	-.461	-11.117	.000

نتایج تحلیل رگرسیون خطی در نرم‌افزار اسپاس (جدول ۴-۱۷) نشان می‌دهد که خودمهارگری، به‌طور معناداری کاهش ابعاد کارکرد ناسالم خانواده را پیش‌بینی می‌نماید.

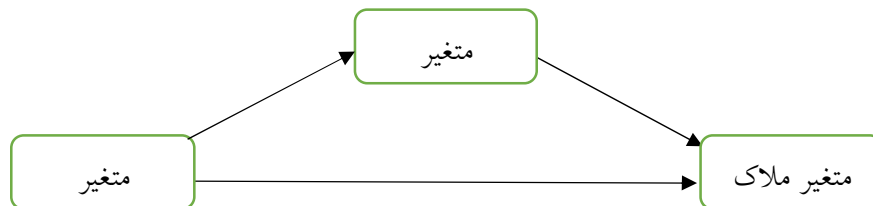
۶-۲-۳-۴- فرضیه اصلی

«خودمهارگری تأثیر کیفیت دلبستگی به خدا بر کارکرد خانواده را میانجی‌گری می‌کند.»

فرضیه موردنظر در سه بخش دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بررسی می‌گردد. گفتنی است در بخش دلبستگی ایمن، جهت توضیح روش مورد استفاده، ابتدا فرضیه با توجه به کارکرد کلی خانواده و سپس با توجه به ابعاد کارکرد خانواده موردبررسی قرار می‌گیرد؛ اما در مورد دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، رابطه مذکور مستقیماً درباره ابعاد کارکرد خانواده سنجیده خواهد شد.

۱-۶-۲-۳-۴- بررسی میانجی‌گری خودمهارگری در رابطه دلبستگی ایمن به خدا با کارکرد کلی خانواده

به عقیده سرمد (۱۳۸۷) چنان‌چه متغیری در رابطه بین دو متغیر پیش‌بین و ملاک، سهمی داشته باشد، به عنوان متغیر واسطه‌ای (میانجی) عمل کرده است. برای تصریح در معنای متغیر واسطه‌ای می‌توان از یک دیاگرام برای نشان دادن مدل علی استفاده نمود:

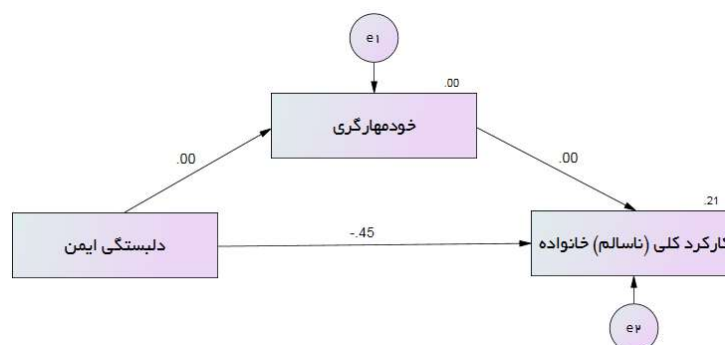


شکل ۳-۴: دیاگرام مدل علی متغیر واسطه‌ای

برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش، از روش تحلیل مسیر در نرم‌افزار ایموس بر اساس چارچوب پیشنهادی بارون^۱ و کنی^۲ (۱۹۸۶) استفاده گردید. روش مذکور در سه مرحله انجام می‌پذیرد (پهلوان‌شریف و مهدویان، ۱۳۹۴، ص ۹۸):

1. Baron, R. M.
2. Kenny, D. A.

۱. بدون حضور متغیر میانجی، مسیر مستقیم میان متغیر مستقل و وابسته را بررسی کنیم (مدل اثر کامل)^۱. اگر این مسیر معنی‌دار بود به مرحله دوم می‌رویم.



شکل ۴-۴: دیاگرام مدل اثر کامل

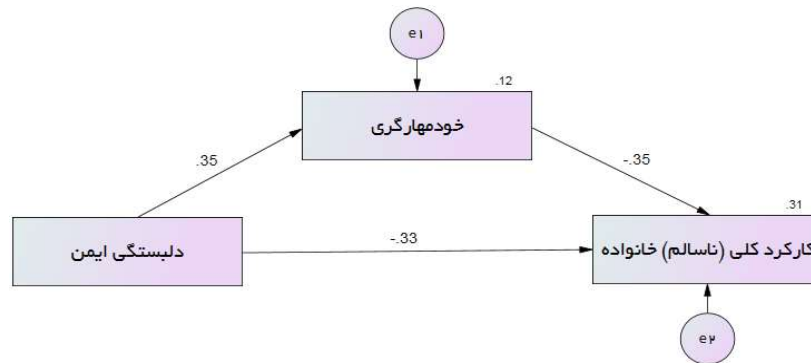
جدول ۱۸-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر کامل

مسیر	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
دلبستگی ایمن <----> خودمهارگری	.000	-----	-----	-----
خودمهارگری <----> کارکرد کلی	.000	-----	-----	-----
دلبستگی ایمن <----> کارکرد کلی	-.45	.016	-10.92	***

با توجه به شکل ۴-۴ و جدول ۱۸-۴، مسیر مستقیم دلبستگی ایمن به کارکرد کلی معنادار است. لذا به مرحله دوم می‌رویم.

۲. متغیر میانجی را به مدل اضافه می‌کنیم و مسیر مستقل به میانجی و میانجی به وابسته را یک‌به‌یک بررسی می‌کنیم. در صورتی که هر دو مسیر معنی‌دار بودند، پس میانجی‌گری تأیید می‌شود (مدل با اثر میانجی)^۲.

1. total effect
2. mediation effect



شکل ۵-۴: دیاگرام اثر میانجی

جدول ۴-۱۹: ضرایب رگرسیونی مدل اثر میانجی

مسیر	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
دلبستگی ایمن <-----> خودمهارگری	.35	.233	7.884	***
خودمهارگری <-----> کارکرد کلی	-.35	.003	-8.368	***
دلبستگی ایمن <-----> کارکرد کلی	-.33	.016	-8.120	***

با توجه به شکل ۵-۴ و جدول ۴-۱۹، هر دو مسیر مربوطه (دلبستگی ایمن به خودمهارگری و خودمهارگری به کارکرد کلی) معنادار است. بنابراین میانجی‌گری خودمهارگری در این مدل تأیید می‌گردد.

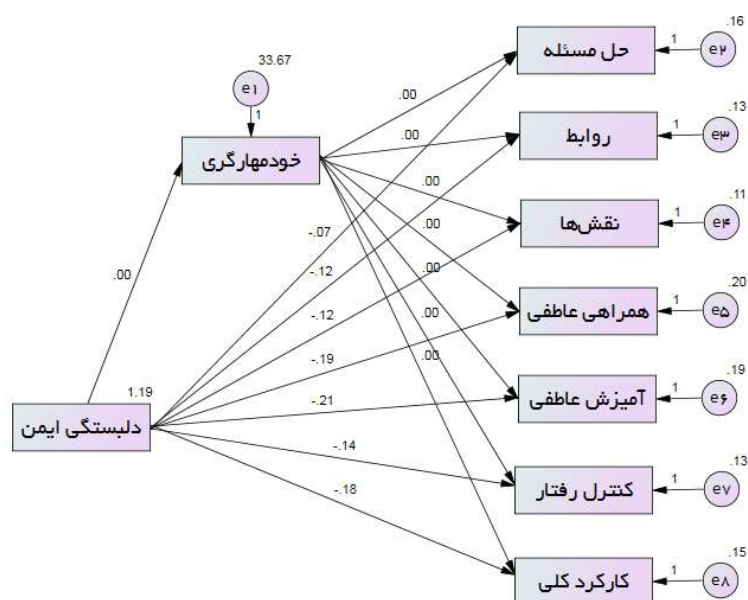
۳. حال مسیر مستقیم مستقل به وابسته را بررسی می‌کنیم. اگر همچنان معنی‌دار باشد، یعنی متغیر مستقل به‌طور هم‌زمان از هر دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم (از طریق میانجی) بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد و اصطلاحاً میانجی‌گری جزئی^۱ است؛ اما اگر با حضور متغیر میانجی در مدل، تأثیر مسیر مستقیم (مستقل به وابسته) معنی‌دار نبود، به این معنی است که مسیر غیرمستقیم تمام تأثیر مسیر مستقیم را به خود جذب کرده و اصطلاحاً متغیر میانجی رابطه مستقل بر وابسته را به‌طور کامل^۲ میانجی‌گری می‌کند.

بر اساس شکل و جدولی که در مرحله دوم آمد، با توجه به این‌که همچنان مسیر مستقل به وابسته (دلبستگی به کارکرد) معنی‌دار است، مشخص می‌شود که میانجی‌گری به‌صورت جزئی

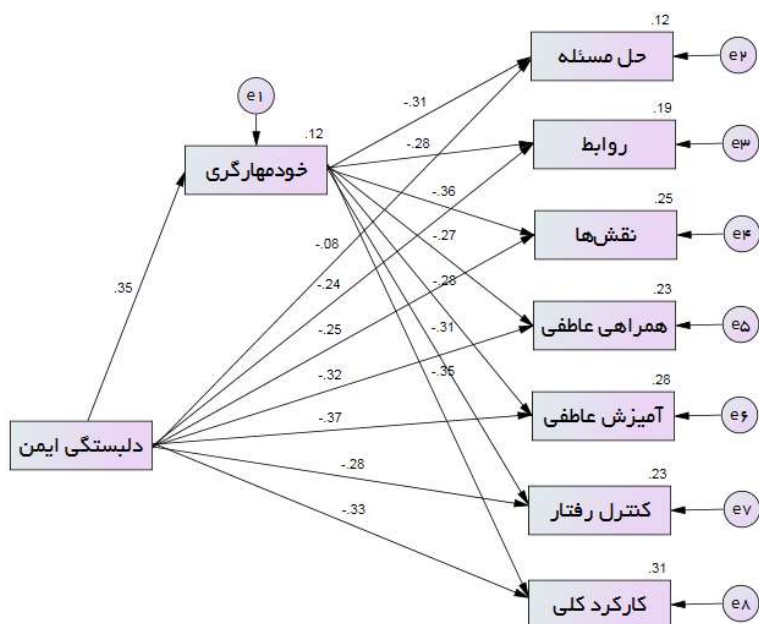
-
1. partially mediation
 2. fully mediation

است و کاهش ضریب رگرسیون مسیر، نسبت به شکل اول نیز مؤید این است که بخشی از تأثیر مسیر مستقیم توسط متغیر میانجی جذب شده است.

۲-۶-۳-۴- بررسی میانجی‌گری خودمهارگری در رابطه دلبستگی ایمن به خدا با ابعاد کارکرد خانواده



شکل ۶-۳: دیاگرام اثر کامل



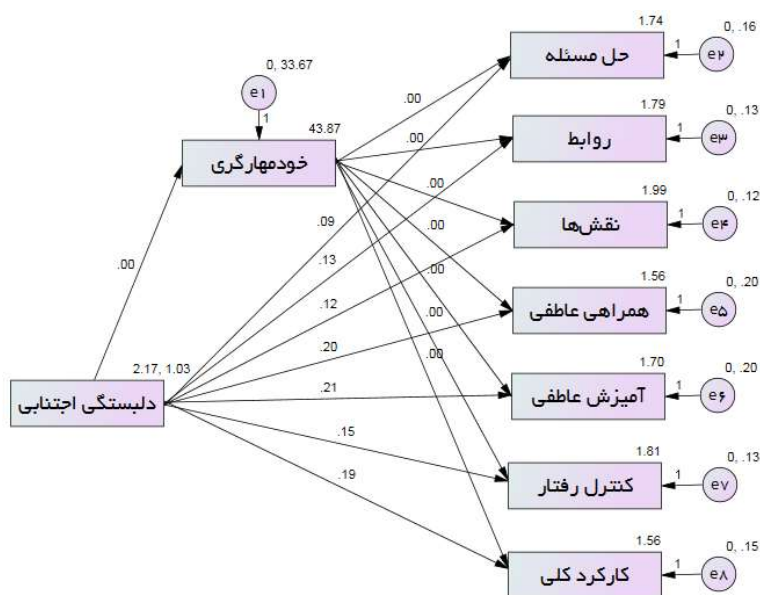
شکل ۶-۳: دیاگرام اثر میانجی

جدول ۲۰-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر میانجی

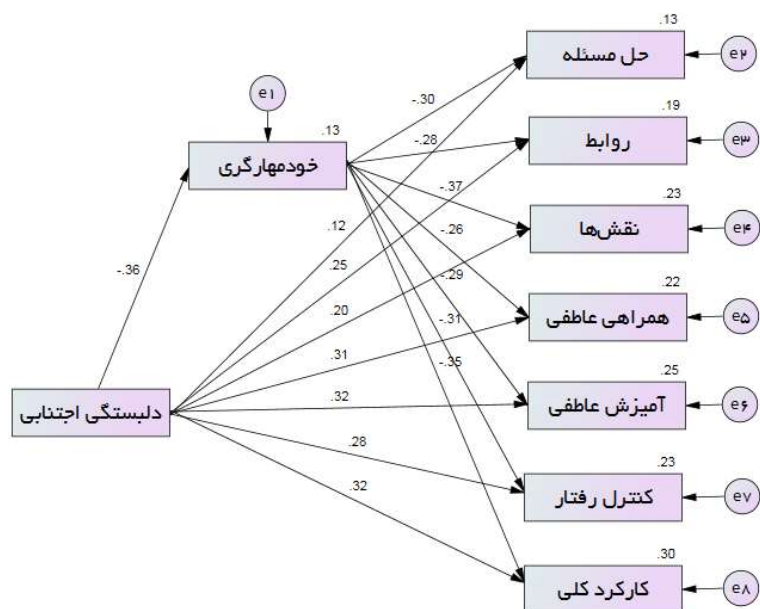
مسیر	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
دلبستگی ایمن <---> خودمهارگری	.345	.233	7.884	***
دلبستگی ایمن <---> پاسخ‌دهی عاطفی	-.317	.020	-7.267	***
خودمهارگری <---> حل مسئله	-.311	.003	-6.671	***
خودمهارگری <---> روابط	-.281	.003	-6.277	***
خودمهارگری <---> نقش‌ها	-.358	.003	-8.330	***
خودمهارگری <---> پاسخ‌دهی عاطفی	-.265	.004	-6.079	***
خودمهارگری <---> مشارکت عاطفی	-.277	.004	-6.587	***
خودمهارگری <---> کنترل رفتار	-.312	.003	-7.181	***
خودمهارگری <---> کارکرد کلی	-.345	.003	-8.368	***
دلبستگی ایمن <---> حل مسئله	-.081	.017	-1.746	.081
دلبستگی ایمن <---> روابط	-.244	.016	-5.455	***
دلبستگی ایمن <---> نقش‌ها	-.246	.014	-5.726	***
دلبستگی ایمن <---> مشارکت عاطفی	-.371	.019	-8.823	***
دلبستگی ایمن <---> کنترل رفتار	-.277	.016	-6.358	***
دلبستگی ایمن <---> کارکرد کلی	-.335	.016	-8.120	***

در این بخش نیز سه مرحله مذکور اجرا گردید. همان‌طور که در شکل ۴-۶ و ۴-۷ مشاهده می‌گردد، پس از وارد شدن میانجی (خودمهارگری) در رابطه دلبستگی ایمن با ابعاد کارکرد خانواده، ضرایب همبستگی رگرسیونی کاهش پیدا کرد که این مطلب مؤید میانجی‌گری خودمهارگری در ارتباط مذکور است؛ یعنی خودمهارگری رابطه دلبستگی ایمن به خدا با کلیه ابعاد کارکرد خانواده (به‌جز بعد حل مسئله) را میانجی‌گری می‌نماید.

۳-۶-۲-۴- بررسی میانجی‌گری خودمهارگری در رابطه دلبستگی اجتنابی به خدا با ابعاد کارکرد خانواده



شکل ۸-۴: دیاگرام مدل اثر کامل



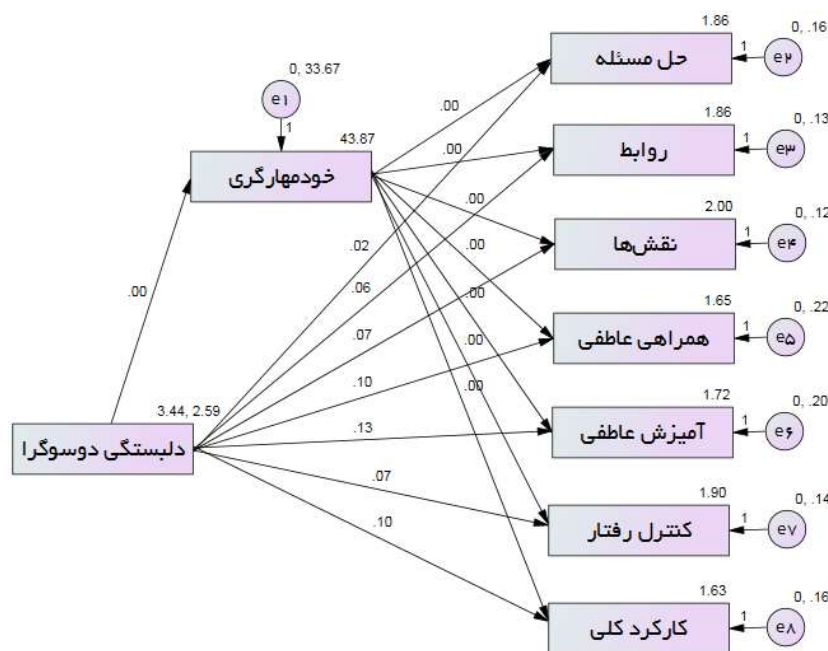
شکل ۹-۴: دیاگرام مدل اثر میانجی

جدول ۲۱-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر میانجی

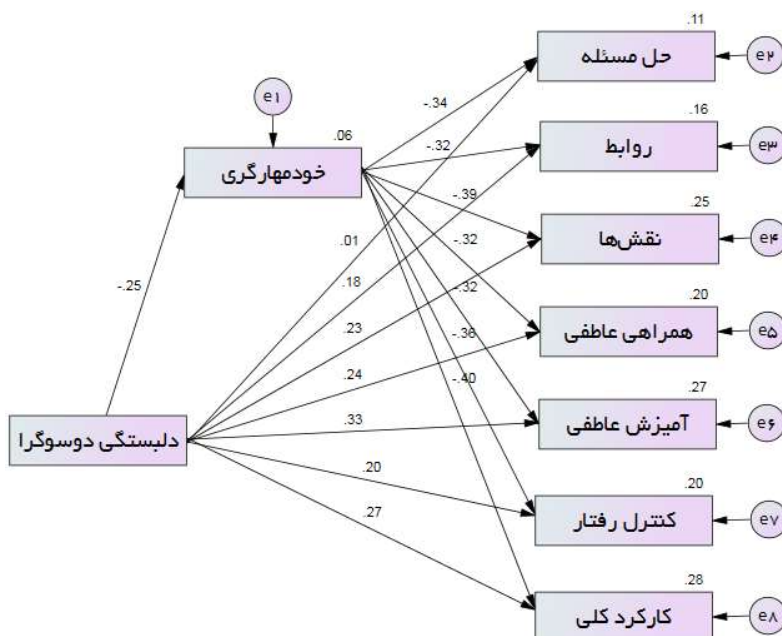
مسیر	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
دل‌بستگی اجتنابی <--- خودمهارگری	-.362	.249	-8.318	***
دل‌بستگی اجتنابی <--- پاسخ‌دهی عاطفی	.310	.021	7.049	***
خودمهارگری <--- حل مسئله	-.295	.003	-6.318	***
خودمهارگری <--- روابط	-.277	.003	-6.138	***
خودمهارگری <--- نقش‌ها	-.370	.003	-8.451	***
خودمهارگری <--- پاسخ‌دهی عاطفی	-.262	.004	-5.955	***
خودمهارگری <--- مشارکت عاطفی	-.288	.004	-6.671	***
خودمهارگری <--- کنترل رفتار	-.306	.003	-7.003	***
خودمهارگری <--- کارکرد کلی	-.346	.003	-8.259	***
دل‌بستگی اجتنابی <--- حل مسئله	.121	.019	2.585	.010
دل‌بستگی اجتنابی <--- روابط	.245	.017	5.435	***
دل‌بستگی اجتنابی <--- نقش‌ها	.202	.016	4.604	***
دل‌بستگی اجتنابی <--- مشارکت عاطفی	.322	.021	7.457	***
دل‌بستگی اجتنابی <--- کنترل رفتار	.280	.017	6.399	***
دل‌بستگی اجتنابی <--- کارکرد کلی	.318	.018	7.605	***

با توجه به شکل ۴-۸ و ۴-۹ و جدول ۴-۲۱، پس از وارد شدن میانجی (خودمهارگری) در رابطه دل‌بستگی اجتنابی به خدا با ابعاد کارکرد خانواده، ضرایب همبستگی رگرسیونی کاهش پیدا کرد و این مسئله مؤید میانجی‌گری خودمهارگری در ارتباط مذکور است؛ یعنی خودمهارگری رابطه دل‌بستگی اجتنابی به خدا با کلیه ابعاد کارکرد خانواده (به جز بعد حل مسئله) را میانجی‌گری می‌نماید.

۴-۶-۲-۳-۴- بررسی میانجی‌گری خودمهارگری در رابطه دلبستگی دوسوگرا به خدا با ابعاد کارکرد خانواده:



شکل ۱۰-۴: دیاگرام مدل اثر کامل



شکل ۱۱-۴: دیاگرام مدل اثر میانجی

جدول ۲۲-۴: ضرایب رگرسیونی مدل اثر میانجی

مسیر	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری
دلبستگی دوسوگرا <--- خودمهارگری	-.245	.163	-5.428	***
دلبستگی دوسوگرا <--- پاسخ‌دهی عاطفی	.242	.013	5.608	***
خودمهارگری <--- حل مسئله	-.335	.003	-7.412	***
خودمهارگری <--- روابط	-.322	.003	-7.312	***
خودمهارگری <--- نقش‌ها	-.386	.003	-9.254	***
خودمهارگری <--- پاسخ‌دهی عاطفی	-.315	.004	-7.306	***
خودمهارگری <--- مشارکت عاطفی	-.324	.003	-7.854	***
خودمهارگری <--- کنترل رفتار	-.359	.003	-8.355	***
خودمهارگری <--- کارکرد کلی	-.395	.003	-9.675	***
دلبستگی دوسوگرا <--- حل مسئله	.014	.011	.311	.756
دلبستگی دوسوگرا <--- روابط	.180	.010	4.088	***
دلبستگی دوسوگرا <--- نقش‌ها	.234	.009	5.612	***
دلبستگی دوسوگرا <--- مشارکت عاطفی	.331	.013	8.027	***
دلبستگی دوسوگرا <--- کنترل رفتار	.200	.010	4.668	***
دلبستگی دوسوگرا <--- کارکرد کلی	.267	.011	6.539	***

با توجه به شکل ۴-۱۰ و ۴-۱۱، پس از وارد شدن میانجی (خودمهارگری) در رابطه دلبستگی دوسوگرا به خدا با ابعاد کارکرد خانواده، ضرایب همبستگی رگرسیونی کاهش پیدا کرد و این مسئله مؤید میانجی‌گری خودمهارگری در ارتباط مذکور است؛ یعنی خودمهارگری رابطه دلبستگی دوسوگرا به خدا با کلیه ابعاد کارکرد خانواده (به جز بعد حل مسئله) را میانجی‌گری می‌نماید.

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری

۱-۵- مقدمه

در این فصل با استفاده از یافته‌های به‌دست‌آمده در فصل چهارم و با کمک مبانی نظری و پیشینه پژوهشی مندرج در فصل دوم، به تبیین فرضیات پژوهش پرداخته می‌شود. سپس محدودیت‌های پژوهش حاضر بیان شده و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده ارائه خواهد گردید.

۲-۵- بررسی فرضیه‌های پژوهش

در اینجا به بررسی و تبیین تک‌تک فرضیه‌های پژوهش، بر اساس نتایج آهاری، مبانی نظری و پژوهش‌های تجربی مرتبط پرداخته می‌شود. گفتنی است بیان نتایج و بررسی آن‌ها با توجه به جامعه پژوهش حاضر، یعنی افراد متأهل ساکن در منطقه پردیسان قم صورت می‌گیرد. در ضمن از آنجا که رابطه همبستگی و پیش‌بینی (رگرسیون)، دو جنبه یک رابطه را نشان می‌دهند و از لحاظ تبیین نظری بسیار به هم شبیه‌اند، بنابراین تبیین دو فرضیه فرعی اول و چهارم باهم و تبیین دو فرضیه فرعی سوم و پنجم نیز در کنار هم خواهد آمد.

۱-۲-۵- فرضیه فرعی اول

«کیفیت دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده رابطه معنادار دارد.»

جدول ۴-۱۳ نتایج آزمون همبستگی بین دلبستگی به خدا و کارکرد خانواده را نشان می‌دهد. نتایج این آزمون بیان‌گر آن است که دو متغیر مذکور باهم رابطه معناداری دارند ($P < 0/01$). به عبارت دیگر هرچه میزان دلبستگی به خدا در افراد بالاتر رود، کارکرد خانواده آن‌ها نیز بهبود می‌یابد. با توجه به

نتایج به دست آمده می توان گفت که فرض صفر (عدم رابطه معنادار) رد شده و فرض پژوهشی اول یعنی «وجود رابطه معنادار میان کیفیت دلبستگی به خدا و کارکرد خانواده» تأیید می گردد.

این یافته با دو پژوهش شهابی زاده (۱۳۹۰ و ۱۳۹۴) همخوان است. همچنین با توجه به ارتباط وثیق دو متغیر دلبستگی والدینی و دلبستگی به خدا (سپاه منصور و دیگران، ۱۳۸۷)، پژوهش هایی که رابطه دلبستگی والدینی را با کارکرد خانواده تأیید می نمایند را نیز می توان با این یافته همسو دانست؛ از جمله پژوهش اصلانی و همکاران (۱۳۹۱) که رابطه هر سه بعد دلبستگی و پژوهش ساکی و مکوندی (۱۳۹۴) که رابطه دو بعد اجتنابی و دوسوگرا را با کارکرد خانواده معنادار می داند. از سوی دیگر به علت نزدیکی متغیر دلبستگی با خدا با دیگر متغیرهای بیانگر دین داری و معنویت، پژوهش هایی که رابطه عوامل مذکور را با کارکرد خانواده مورد توجه قرار داده اند نیز مرتبط با این یافته محسوب می شود. در این راستا می توان به پژوهش عبادت پور و همکاران (۱۳۹۲) و پژوهش عبدالله پور و همکاران (۱۳۸۸) اشاره نمود. در نهایت نیز پژوهش هایی که بر معناداری رابطه ابعاد مختلف دین داری با شاخص های مختلف سنجش زندگی زناشویی، همچون سازگاری زناشویی (خوش فر و ایلواری، ۱۳۹۴)، تعهد زناشویی (محمدی، زهراکار، داورنیا و شاکرمی، ۱۳۹۳) و رضایت زناشویی (حاتمی، حبیبی و اکبری، ۱۳۸۸) صحنه می گذارند، مؤید یافته اول این پژوهش به شمار می آیند.

۲-۲-۵- فرضیه فرعی چهارم

«کیفیت دلبستگی به خدا کارکرد خانواده را پیش بینی می کند.»

جدول ۴-۱۶ نتایج تحلیل رگرسیون کارکرد خانواده بر اساس کیفیت دلبستگی به خدا را نشان می دهد. نتایج این تحلیل بیان گر آن است که متغیر کیفیت دلبستگی به خدا، در هر سه بعد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، کارکرد خانواده را پیش بینی می نماید. به عبارت دیگر می توان با افزایش دلبستگی ایمن به خدا، کاهش کارکرد ناسالم خانواده (بهبود کارکرد خانواده) و با افزایش دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به خدا، افزایش کارکرد ناسالم خانواده (تضعیف کارکرد خانواده) را پیش بینی نمود. با توجه

به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که فرض صفر (عدم پیش‌بینی) رد شده و فرض پژوهشی چهارم یعنی «پیش‌بینی‌پذیری متغیر کارکرد خانواده بر اساس متغیر دلبستگی به خدا» تأیید می‌گردد.

اگرچه پژوهشی که رابطه پیش‌بینی موردنظر را موردبررسی قرار داده باشد، یافت نگردید، اما با توجه به همبستگی متغیر دلبستگی به خدا با دلبستگی والدینی (سپاه‌منصور و همکاران، ۱۳۸۷)، یافته مذکور را می‌توان با پژوهش اصلانی و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه پیش‌بینی کارکرد خانواده بر اساس سبک‌های دلبستگی ایمن و دوسوگرا تا حدودی همخوان دانست. البته با توجه به ارتباط نزدیک دو مفهوم همبستگی و رگرسیون، پژوهش‌های همسوی با فرضیه اول (همبستگی دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده) نیز تا حدودی این فرضیه را پشتیبانی می‌کنند.

در تبیین این دو یافته باید به این نکته توجه داشت که دلبستگی به خدا یکی از جلوه‌های دین‌داری است. پایبندی به دین منجر به ایجاد روابطی بدون تنش و مستحکم بین همسران می‌شود که این امر کارکردهای خانواده را در ابعاد مختلف خود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحلیل‌های دقیق در بررسی‌های گوناگون نشان می‌دهد که سلامت جسمی، روحی و زناشویی با دین‌داری مرتبط است. دین، مبدأ، مقصد و مسیر حرکت را به فرد نشان می‌دهد و با ارائه الگوهای فکری و رفتاری به اعضای خانواده، آرامش و نشاط خانواده را تأمین می‌کند (خوش‌فر و ایلواری، ۱۳۹۴).

اما برای تبیین دقیق‌تر این دو یافته می‌توان از کارکردهای دلبستگی به خدا بهره گرفت:

- فرد مؤمن و دلبسته به خدا در جای‌جای زندگی‌اش در جستجو و طلب مجاورت چهره دلبستگی‌اش (خداوند) است. او در هر کاری به دنبال این است که توجه خدا را بیشتر به خود جلب کرده و بیشتر با او انس بگیرد. این خصیصه موجب می‌شود فرد در مسائل زندگی‌اش از جمله روابط، ایفای نقش‌هایی که به عهده دارد، تعاملات عاطفی و همچنین در پاسخ به رفتار اعضای خانواده، رفتاری آگاهانه و هدفمند را در پیش گیرد.
- همان‌طور که کودک در شرایط استرس‌زا و بحرانی به سمت چهره اصلی دلبستگی (مراقب) برمی‌گردد، فرد مؤمن نیز در شرایط استرس، درماندگی و بحران، به خداوند به‌عنوان

یک پناهگاه مطمئن رو می آورد. چنین فردی کمتر دچار ناامیدی و ناکامی می شود و می تواند به سلامت از موقعیت بحران عبور کند.

- فرد مؤمن با اعتقاد به این که خدا پایه و اساس ایمنی است، احساس قدرت کرده و این امر باعث افزایش اعتماد به نفس و امنیت وی در لحظات اضطراب و ترس می شود و احساس ایمنی نیز باعث آرامش روحی شده و فرد را برای روبرو شدن با مسائل و چالش های زندگی و انجام وظایف خانوادگی اش آماده می سازد.
- فرد دلبسته به خدا طاقت دوری از او را ندارد، هرگونه آزار، بداخلاقی و بی مسئولیتی نسبت به اعضای خانواده، از آنجاکه در نظر مؤمن عملی خداناپسندانه است، می تواند حس دور شدن از خدا را در فرد مؤمن ایجاد کند؛ بنابراین چنین فردی سعی می کند از این گونه اعمال پرهیزد و در صورت ارتکاب، به دلیل مواجهه با اضطراب جدایی سریعاً به دنبال جبران آن خواهد بود.
- انسان مؤمن خداوند را قادر و توانای کل می داند، از طرفی سعی در عمل به دستورات او دارد و در مشکلات به او توکل می کند. این امر سبب می شود در ساحت خانواده، قواعد اخلاقی را رعایت نموده و به وظایف خود عمل کند؛ همچنین تحمل مشکلات نیز برای او آسان می شود.

۳-۲-۵- فرضیه فرعی دوم

«کیفیت دلبستگی به خدا با خودمهارگری رابطه معنادار دارد.»

بر اساس جدول ۴-۱۴ آزمون همبستگی پیرسون، معناداری رابطه دلبستگی به خدا با خودمهارگری را تأیید می نماید ($P < 0/01$). به عبارت دیگر هرچه دلبستگی به خدا افزایش یابد، خودمهارگری نیز همراه با آن افزایش خواهد یافت؛ بنابراین فرض صفر (عدم رابطه معنادار) رد شده و دومین فرض پژوهشی یعنی «وجود رابطه معنادار میان کیفیت دلبستگی به خدا و خودمهارگری» تأیید می گردد.

اگرچه پژوهشی که دقیقاً یافته موردنظر را موردبررسی قرار دهد یافت نشد، اما می توان گفت پژوهش هایی که میان عوامل هم خانواده دلبستگی به خدا مانند معنویت (همت پور، ۱۳۹۴)، یاد خدا

(ناروئی، صالحی و جندقی، ۱۳۹۲)، جهت‌گیری مذهبی درونی (حسین‌خانزاده و همکاران، ۱۳۹۰) و دین‌داری (مک‌کولا و ویلابی، ۲۰۰۹ و عزیز و رحمان، ۱۹۹۶) با خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار یافته‌اند، با پژوهش حاضر همخوان است.

به‌طور مشابه، پژوهش‌هایی که معناداری رابطه سبک دلبستگی والدینی با خودمهارگری را نیز تأیید می‌کنند (سبقتی، ۱۳۹۳ و آلویزرزیرورا، ۲۰۰۶)، می‌توان همسو با یافته موردنظر دانست.

در تبیین این یافته باید به این نکته توجه داشت که دلبستگی به خداوند به‌عنوان قادر و دانای کل به انسان آرامش و ایمنی می‌دهد. باور به این که خدایی هست که بر موقعیت‌ها مسلط و ناظر است تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش داده و به انسان دلگرمی می‌دهد. این حس دلگرمی و حمایت شدن موجب می‌شود که فرد توانایی تصمیم‌گیری و عملکرد منطقی را یافته و بر تکانه‌ها و رفتارهای خود مسلط شود. فونتولاکیس^۱، سیامولی^۲، مگیریا^۳ و کاپرینس^۴ (۲۰۰۸) نیز بر این عقیده‌اند که دلبستگی به خدا سبب می‌شود که فرد بتواند موقعیت‌های غیرقابل مهار را در اختیار خود درآورد. همچنین به عقیده گراهام^۵، فر^۶، فلاوئرز^۷ و برک^۸ (۲۰۰۱) کسانی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، در برابر تنش و فشار، مصونیت بیشتری دارند (به نقل از زاهدبابلان و همکاران، ۱۳۹۱). مصونیت در برابر تنش و فشار موجب می‌شود فرد در شرایط پرفشار و تنش‌زا مهار خود را از دست ندهد.

از سوی دیگر، فرد دلبسته به خداوند به‌تبع معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد، زندگی‌اش توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی است. ازاین‌رو احتمال کمتری دارد که به اقداماتی دست زند که به احساس ارزشمند بودنش آسیب برساند یا مانع از رسیدن به اهدافش گردد.

1. Fountoulakis, K. N.

2. Siamouli, M.

3. Magiria, S.

4. Kaprinis, G.

5. Graham, S.

6. Furr, S.

7. Flowers, C.

8. Burke, M.T.

۴-۲-۵- فرضیه فرعی سوم

«خودمهارگری با کارکرد خانواده رابطه معنادار دارد.»

جدول ۴-۱۵ نتایج آزمون همبستگی میان خودمهارگری و کارکرد خانواده را نشان می‌دهد. نتایج این آزمون بیان‌گر آن است که دو متغیر مذکور باهم رابطه منفی و معنادار دارند ($P < 0/01$)؛ بدین معنا که هرچه میزان خودمهارگری در افراد بالاتر رود، کارکرد ناسالم خانواده آن‌ها کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، افزایش خودمهارگری، بهبود کارکرد خانواده را به همراه خواهد داشت. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که فرض صفر (عدم رابطه معنادار) رد شده و فرض پژوهشی سوم یعنی «وجود رابطه معنادار میان خودمهارگری و کارکرد خانواده» تأیید می‌گردد.

اگرچه در زمینه ارتباط همبستگی میان این دو متغیر، پژوهشی یافت نشد؛ اما پژوهش‌های متعددی که رابطه خودمهارگری را با شاخص‌های مختلف خانوادگی و روابط میان‌فردی از جمله دل‌زدگی زناشویی (مزیدی و همکاران، ۱۳۹۳)، تعارضات زناشویی (یاری، ۱۳۹۲)، رضایت‌مندی زناشویی (قدیمی، ۱۳۹۱) و روابط صمیمانه (واس و فینکل، ۲۰۰۶ به نقل از ب. حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰) تأیید می‌نمایند، یافته حاضر را نیز پشتیبانی می‌نمایند.

۵-۲-۵- فرضیه فرعی پنجم

«خودمهارگری کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند.»

در جدول ۴-۱۷ می‌توان نتایج تحلیل رگرسیون کارکرد خانواده بر اساس کیفیت دلبستگی به خدا را مشاهده نمود. نتایج تحلیل مذکور بیان‌گر آن است که خودمهارگری کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌نماید. به عبارت دیگر می‌توان با افزایش خودمهارگری، کاهش کارکرد ناسالم خانواده (بهبود کارکرد خانواده) را انتظار داشت. با توجه به نتایج مذکور می‌توان گفت که فرض صفر (عدم پیش‌بینی) رد شده و فرض پژوهشی پنجم یعنی «پیش‌بینی‌پذیری متغیر کارکرد خانواده بر اساس متغیر خودمهارگری» مورد تأیید است.

اگرچه در ارتباط با خصوص این فرضیه نیز پژوهشی یافت نگردید، لکن پژوهش‌هایی که رابطه پیش‌بینی شاخص‌های دیگر سنجش خانواده بر اساس خودمهارگری را مدنظر قرار داده‌اند را می‌توان همسوی با یافته حاضر دانست؛ ازجمله پژوهش قدیمی (۱۳۹۱) که رضایت‌مندی زناشویی و پژوهش مزیدی و همکاران (۱۳۹۳) که دل‌زدگی زناشویی را بر اساس متغیر خودمهارگری به شکل معناداری قابل پیش‌بینی دانسته‌اند.

در تبیین این یافته، می‌توان از تعریف خودمهارگری بهره گرفت. خودمهارگری به معنای توانایی مدیریت و مهار هیجانات، تکانه‌ها و امیال است. طبیعتاً کسی که بتواند هیجانات، تکانه‌ها و امیال خود را مدیریت کند، قادر است در همه ابعاد زندگی، رفتار مطلوب‌تری را از خود بروز دهد. چنان‌که تانجی و همکاران (۲۰۰۴) نیز خودمهارگری بالا را با پیامدهایی همچون عزت‌نفس بالا، هشیاری وسیع، ثبات هیجانی، دوست‌داشتنی بودن، به‌هم‌پیوستگی بالای خانوادگی، تعارضات پایین خانوادگی، توانایی درک دیدگاه‌های دیگران، همدلی، سطوح پایین پرخاشگری و مسئولیت‌پذیری در خصوص خطاهای فردی مرتبط می‌دانند. به عقیده لوگ^۱ (۱۹۸۸) افرادی که خودمهارگری پایین‌تری دارند، به پیامد رفتارهای خود، کمتر می‌اندیشند. همچنین راجلین^۲ (۱۹۹۵) عقیده دارد که فرد دارای خودمهارگری بالا، از تعهد افزون‌تری نیز برخوردار است (به نقل از خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸). ویژگی‌هایی همچون ثبات هیجانی، عزت‌نفس، همدلی، مسئولیت‌پذیری، دوراندیشی، پرخاشگری کمتر و تعهد بالاتر، همگی از ویژگی‌هایی است که می‌تواند جنبه‌های مختلف زندگی خانوادگی را بهبود بخشیده و کارکرد خانواده را در ابعاد مختلف خود ازجمله حل مسئله، روابط، ایفای نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت با اعضای خانواده و پایبندی به مقررات، ارتقاء دهد.

۶-۲-۵- فرضیه اصلی

«خودمهارگری تأثیر کیفیت دلبستگی به خدا بر ابعاد کارکرد خانواده را میانجی‌گری می‌کند.»

1. Logue, A. M.

2. Rachline, H.

با توجه به بررسی آماری این فرضیه که در فصل چهارم به تفصیل گذشت، اجرای گام به گام شیوه بارون و کنی جهت سنجش نقش واسطه‌ای متغیر خودمهارگری، در قالب آزمون تحلیل مسیر، نشان می‌دهد که هر سه مرحله شیوه موردنظر مورد تأیید است. این بدان معناست که فرضیه صفر (عدم واسطه‌گری خودمهارگری در رابطه دلبستگی با کارکرد خانواده) رد شده و فرضیه اصلی این پژوهش یعنی «واسطه‌گری خودمهارگری در رابطه دلبستگی با کارکرد خانواده» مورد تأیید قرار می‌گیرد.

اگرچه هیچ پژوهشی یافت نشد که رابطه سه گانه مذکور را پیش از این مورد بررسی قرار داده باشد، لکن در مجموع، چند دسته از پژوهش‌ها این یافته را به طور نسبی پشتیبانی می‌نمایند:

۱. پژوهش‌های متعددی که نقش واسطه‌ای خودمهارگری را مورد بررسی و تأیید قرار داده‌اند (به عنوان مثال: علی بخشی و همکاران، ۱۳۹۴؛ آرین پور و همکاران، ۱۳۹۴؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۴، لی^۱، لی^۲ و نیومن^۳، ۲۰۱۳؛ گیانز^۴ و همکاران، ۲۰۱۲؛ داکورث، کوین^۵ و تسوکایاما^۶، ۲۰۱۲؛ هیگینز^۷، ۲۰۰۶؛ کافمن^۸، استینبرگ^۹ و پیکرو^{۱۰}، ۲۰۰۵؛ ویلز^{۱۱} و استولمیلر^{۱۲}، ۲۰۰۲؛ های^{۱۳}، ۲۰۰۱ و نورماندو^{۱۴} و گوای^{۱۵}، ۱۹۹۸). تحقیقات مذکور اگرچه میانجی‌گری خودمهارگری را در ارتباط با متغیرهایی متفاوت با پژوهش حاضر می‌سنجند، لکن کثرت پژوهش‌هایی از این دست، ظرفیت متغیر خودمهارگری را جهت ایفای نقش واسطه‌ای در

-
1. Li, X.
 2. Li, D.
 3. Newman, J.
 4. Gibbons, F.
 5. Quinn, P. D.
 6. Tsukayama, E.
 7. Higgins, G. E.
 8. Cauffman, E.
 9. Steinberg, L.
 10. Piquero, A. R.
 11. Wills, T. A.
 12. Stoolmiller, M.
 13. Hay, C.
 14. Normandeau, S.
 15. Guay, F.

فرآیندهای روان‌شناختی نشان می‌دهد. از این جهت، پژوهش‌های فوق، مدل مطرح‌شده در یافته اصلی این پژوهش (نقش واسطه‌ای خودمهارگری) را پشتیبانی می‌نمایند.

۲. پژوهش سبقتی (۱۳۹۳) و میلر^۱، جنینگز^۲، آلویزرزور، لانزاکادوس^۳ (۲۰۰۹) که نقش واسطه‌ای خودمهارگری را در رابطه سبک‌های دلبستگی والدینی با متغیرهای دیگر بررسی و تأیید می‌نمایند. با توجه به همبستگی دو متغیر دلبستگی والدینی و دلبستگی به خدا با یکدیگر (سپاه‌منصور و همکاران، ۱۳۸۷) می‌توان دو پژوهش مذکور را تا حدودی همسو با یافته اخیر دانست.

۳. پژوهش وایتل^۴ و همکاران (۲۰۰۹) که رابطه دین‌داری و هویت اخلاقی را با وساطت خودمهارگری موردبررسی قرار داده و معناداری این رابطه را در برخی حالات آن تأیید می‌نمایند. همچنین پژوهش مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹) که بیانگر آن است که دین‌داری از طریق خودمهارگری بر ارتقاء سلامت، بهزیستی و رفتار اجتماعی تأثیرگذار می‌گذارد. این دو پژوهش همسوی با یافته حاضر نشان می‌دهند که دین‌داری از طریق خودمهارگری می‌تواند بر متغیرهای دیگری اثر بگذارد؛ آن متغیر دیگر در پژوهش حاضر کارکرد خانواده است.

در تبیین این یافته می‌توان از نتایج پژوهش مک‌کولا و ویلابی (۲۰۰۹) بهره برد. همان‌طور که گذشت آن‌دو به این نتیجه رسیدند که دین‌داری بخشی مهمی از ارتباط خود را با سلامت، بهزیستی و رفتار اجتماعی از طریق خودمهارگری به دست می‌آورد. به این نحو که دین‌داری بر نحوه انتخاب، پیگیری و ساماندهی اهداف تأثیر می‌گذارد، انسان را در خودنظارتی یاری می‌کند و خودمهارگری را در انسان پرورش می‌دهد. به اعتقاد این دو پژوهش‌گر، شناخت مذهبی، به‌طور خودکار، شکلی از خودمهارگری را در مقابل وسوسه‌ها فعال می‌کند.

با توجه به کارکردهای دلبستگی به خدا نیز می‌توان گفت که فرد مؤمن به‌منظور جوارجویی به خدا و یافتن پناهگاهی ایمن در جوار او و برای جلوگیری از جدایی از او، بر خود نظارت کرده و رفتارش را

-
1. Miller, H. V.
 2. Jennings, W. G.
 3. Lanza-Kaduce, L.
 4. Vitell, S. J.

با خواست چهره دلبستگی‌اش هماهنگ می‌کند. دلبستگی به خدا لوازم خودمهارگری ازجمله انگیزه، شناخت و هدفمندی (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۳) را برای فرد فراهم می‌کند. فرد مؤمن برای رسیدن به هدف بزرگ‌تر که رضایت خداوند و مأمن گزیدن در جوار اوست، دشواری مهار تکانه و از دست دادن هدف‌های کوچک‌تر را تحمل می‌کند.

از طرفی چنین فردی که در سایه دلبستگی به خدا به خودمهارگری رسیده است، در همه ابعاد زندگی خود ازجمله بعد خانوادگی، سعی در مهار آگاهانه افکار، احساسات و رفتارهای خود خواهد داشت. در زمینه کارکرد خانواده و با توجه به ابعاد آن، می‌توان گفت کسی که به توانایی مهار خود دست یافته:

- در بعد حل مسئله، بدون این‌که تحت فشار موقعیت، مهار خود را ازدست‌داده و تکانش‌گرانه برخورد کند، سعی در مدیریت آن می‌نماید.
- در بعد نقش‌ها، چون ایفای نقش‌های خانوادگی در راستای هدفی بلند برای او سودمند است، هدف‌ها و هوس‌های کوتاه‌مدت که با نقش‌ها و مسئولیت‌هایش در تضاد باشد را نادیده می‌گیرد.
- در بعد ارتباطات و پاسخ‌دهی عاطفی، می‌تواند روابط خود را در سطح مناسب نگه‌داشته و به هیجانات و احساسات دیگران پاسخ مناسب دهد. همچنین با مهار هیجانات خود، حتی در هنگام برخورد نامناسب دیگر اعضای خانواده، با عشق و ملاحظت برخورد کند، نه خشم و نفرت.
- در بعد مشارکت عاطفی، می‌تواند منافع شخصی‌اش را کنترل کرده و به منافع دیگران نیز رسیدگی کند. از طرفی می‌تواند جلوی خودش را در زمینه دخالت بیجا و بیش‌ازحد در امور دیگران بگیرد.
- در بعد کنترل رفتار نیز خودمهارگری تک‌تک اعضای خانواده می‌تواند پایبندی آنان به مقررات داخلی خانواده را تضمین نماید.

۳-۵- محدودیت‌های پژوهش

هر پژوهشی در مسیر اجرا، ناگزیر از رویارویی با مسائلی است که تفسیر، تبیین و تعمیم یافته‌های آن را با محدودیت مواجه می‌کند. پژوهش حاضر نیز از این امر استثنا نبوده است. در ادامه به برخی از محدودیت‌های این پژوهش اشاره می‌گردد:

۱. پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و کشف رابطه علی از یک پژوهش همبستگی امکان‌پذیر نیست (هومن، ۱۳۹۲، ص ۱۸۸). هرچند در این پژوهش به منظور کشف و پیش‌بینی روابط بین دو متغیر از شیوه‌های همبستگی، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر و همچنین از مبانی نظری و شواهد تجربی مرتبط استفاده گردید؛ اما سمت‌وسوی این رابطه و علت احتمالی از جهت آماری در این پژوهش قابل‌دستیابی نبوده و با محدودیت مواجه بود.
۲. در این پژوهش از طرح مقطعی و یک نوبت نمونه‌گیری استفاده گردید. چنین پژوهشی برای کشف روابط علی و یافتن انواع متغیرهای مداخله‌گر با محدودیت مواجه است.
۳. گرچه موضوع پژوهش حاضر، موضوعی عام است (کارکرد خانواده)، لکن جامعه آن را قشر محدودی (متأهلین ساکن در مجتمع‌های مسکونی منطقه پردیسان قم) تشکیل می‌دهند که به علت ویژگی‌های جامعه موردنظر (همچون سکونت در مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی، مذهبی بودن به‌خصوص در گروه طلاب و سایر ویژگی‌های احتمالی) تعمیم نتایج به خانواده‌های خارج از این جامعه باید با احتیاط انجام شود.
۴. روشن است که به‌جز خودمهارگری و کیفیت دلبستگی به خدا، متغیرهای دیگر بسیاری می‌توانند در پیش‌بینی و تبیین کارکرد خانواده مؤثر باشند، اما پژوهش حاضر به دلیل محدودیت خود، تنها به بررسی دو متغیر در این زمینه پرداخت.
۵. استفاده از ابزارهای مداد کاغذی همواره با محدودیت‌هایی مواجه است. برخی از این محدودیت‌ها به‌صورت کلی و یا در خصوص مقیاس‌های مورداستفاده در این پژوهش بدین قرار است:

- در پرسشنامه‌های مکتوب، غالباً امکان سوءبرداشت و فهم نادرست سؤالات وجود دارد. همچنین این امکان هست که آزمودنی‌ها پاسخ‌های غیرواقعی یا تحریف‌شده بدهند.
- هر سه مقیاس (دلبستگی به خدا، خودمهارگری و کارکرد خانواده) در خارج از کشور طراحی شده و اگرچه روایی و پایایی آن‌ها در پژوهش‌های داخلی به اثبات رسیده، لکن همچنان نگرانی از بابت عدم تطابق آن‌ها با فرهنگ بومی وجود دارد.
- در خصوص مقیاس دلبستگی به خدا این نکته مطرح است که اصولاً سنجش مسائل دینی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵) و از طرفی کاربرد پرسشنامه نیز در این زمینه، از سوی برخی محققین مورد تأمل واقع شده است (شجاعی‌زند، ۱۳۹۳).

از طرفی موضوع دلبستگی به خدا از آن جهت که جنبه ارزشی دارد، ممکن است افراد، به‌خصوص در بافت‌های مذهبی، علیرغم محرمانه بودن پرسشنامه‌ها، در پاسخ‌گویی به سؤالات مرتبط با آن، از خود مقاومت نشان داده و یا پاسخ‌های تحریف‌شده بدهند.

همچنین با توجه به فضای مذهبی کشور و القای دائمی اعتقادات دینی و از طرفی عینی نبودن گویه‌های مقیاس دلبستگی به خدا و ابتدای صرف آن بر باورهای ذهنی، حتی ممکن است افرادی که از تدین و دلبستگی چندانی به خدا برخوردار نیستند نیز به‌صورت ناخودآگاه پاسخ‌های مثبت و تحریف‌شده به سؤالات مقیاس دلبستگی به خدا بدهند.

- در ارتباط با مقیاس خودمهارگری این نکته به نظر می‌رسد که گویه‌های این مقیاس، ابعاد مختلف سازه خودمهارگری را به خوبی پوشش نمی‌دهند. مثلاً با اندکی دقت در گویه‌ها می‌توان دریافت که جنبه‌های مختلفی مانند مهار هیجان‌ها، مهار افکار، تنظیم رفتار و انگیزه‌های مهار در آن‌ها به خوبی انعکاس نیافته است. نکته دیگر این‌که اگرچه سازندگان فرم مدعی ظرفیت واحد برای آن شده‌اند؛ ولی

پژوهش سرافراز و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که خودمهارگری، هم مکانیسم‌های بازدارنده و هم فرایندهای راه‌انداز رفتاری را شامل می‌شود. این دو جنبه در نمره‌گذاری مقیاس نیامده و در گویه‌ها نیز به‌طور شایسته منعکس نگردیده است.

- در خصوص مقیاس کارکرد خانواده، اولاً نکته‌ای که در زمینه عدم تطابق فرهنگی ذکر گردید، به‌وضوح در این مقیاس مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حتی برخی از گویه‌های آن برای پاسخ‌گویان نامفهوم یا دوپهلو بود. به‌عنوان مثال می‌توان به گویه ۱۸ (در خلنه ما، حرف‌ها بدون کنایه و بی‌پرده گفته می‌شود) و ۴۳ (ما با یکدیگر روراست و بی‌پرده هستیم) اشاره نمود که در نمره‌گذاری استاندارد مقیاس، مثبت معرفی شده‌اند، اما در فرهنگ کشورمان، چه‌بسا به دلیل تنافی احتمالی با مفهوم اخلاقی حیا و یا سنجیده‌گویی، جملاتی منفی شمرده شوند. همچنین گویه ۵۲ (ما هنگام عصبانیت با یکدیگر صحبت نمی‌کنیم) نیز که در این مقیاس منفی در نظر گرفته شده است، چه‌بسا در فرهنگ کشورمان، به دلیل موافقت با ادب و خویش‌ن‌داری، مثبت شمرده شود. گفتنی است که عدم تطابق فرهنگی، روایی گویه‌های مقیاس را پایین می‌آورد؛ بررسی آماری گویه‌ها توسط نگارنده نیز این نکته را تأیید نمود.

ثانیاً نام اصلی مقیاس «کارکرد خانواده» درواقع «ابزار سنجش خانواده» است و نکته قابل‌توجه این است که این مقیاس، جنبه منفی و ضعف کارکردهای خانواده را می‌سنجد؛ اما در ایران این مقیاس به نام «کارکرد خانواده» معروف شده است که عنوانی به‌ظاهر مثبت است. این نکته در گزارش پژوهش و در عرصه گفتگوهای علمی، ممکن است سوءتفاهم‌هایی را برای مخاطبان و حتی پژوهش‌گران ایجاد کند؛ چنان‌که برخی از پژوهش‌گران داخلی آگاهانه یا ناآگاهانه در پژوهش خود نمرات مقیاس مذکور را به‌صورت مثبت گزارش کرده‌اند (به‌عنوان مثال: عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲ و لطفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲).

ثالثاً این مقیاس در شکل استاندارد خود، برای سنجش کارکرد خانواده، از نمره کلی (مجموع نمرات خرده مقیاس‌ها) که بتوان از آن برای تحلیل‌های کلی کارکرد خانواده به راحتی استفاده نمود، بی بهره است و وجود خرده مقیاس کارکرد کلی نیز (به جهت محدودیت گویه‌هایش) به طور کامل این نقیصه را جبران نمی‌کند. بسیاری از پژوهش‌گران داخلی این نکته را نیز مورد بی توجهی قرار داده و در تحلیل‌های خود از مجموع نمرات کل پرسشنامه استفاده نموده‌اند (به عنوان مثال: عسکری و موسوی، ۱۳۸۹ و غفاری، رفیعی و ثنایی، ۱۳۸۹).

۴-۵- پیشنهادها

در این بخش پیشنهادهایی برای جبران محدودیت‌های پیش گفته و یا به منظور برداشتن گام‌های پژوهشی فراتر در زمینه موضوع این پژوهش طرح می‌شود. در انتها نیز پیشنهادهایی در راستای کاربست نتایج این پژوهش در جامعه ارائه خواهد گردید.

۱-۴-۵- پیشنهادهای پژوهشی

۱. در ارتباط با دو محدودیت اول و دوم، پیشنهاد می‌گردد برای بررسی دقیق‌تر روابط، سنجش بهتر واسطه‌گری و کشف جهت علیت در روابط، در پژوهش‌های بعدی، از مطالعه طولی (تکرار پژوهش در مقاطع مختلف) بهره گرفته شود. به عقیده آراین پور و همکاران (۱۳۹۴)، طرح‌های طولی، آزمون‌های بسیار دقیق‌تری از واسطه‌گری فراهم می‌آورند.
۲. در ارتباط با محدودیت سوم، به منظور بهبود دقت و جامعیت پژوهش و امکان تعمیم نتایج به سطوح مختلف جامعه، پیشنهاد می‌گردد این پژوهش در مناطق مختلف کشور و در بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گوناگون (به ویژه در بافت‌های غیر مذهبی) نیز اجرا گردد.
۳. در ارتباط با محدودیت شماره چهارم پیشنهاد می‌گردد که سایر متغیرهایی که ممکن است به جای خودمهارگری و یا در کنار آن (به عنوان متغیرهای واسطه‌ای یا تعدیل‌گر) رابطه دلبستگی به خدا (و سایر عوامل دینی و معنوی) با کارکرد خانواده را توجیه نمایند، مورد بررسی قرار گیرد. در سطحی بالاتر پیشنهاد می‌گردد مهم‌ترین عوامل احتمالی تأثیرگذار بر کارکرد خانواده از مبانی نظری و پیشینه مربوطه استخراج گردیده و سپس از طریق

مدلیابی به روش معادلات ساختاری موردبررسی قرار گیرد تا الگوی ارتباطات این عوامل مشخص گردد. گفتنی است انجام پژوهش فراتحلیل^۱ در این راستا بسیار مفید خواهد بود.

۴. با توجه به ایرادهای مرتبط با مقیاس‌ها، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- پس از بررسی نظری تک‌تک گویه‌های مقیاس‌های مربوطه و همچنین بررسی آماری آن‌ها بر اساس اجرا در بافت‌های مختلف فرهنگی کشور، در صورت امکان، مقیاس‌ها اصلاح گردیده و در صورت وجود ایرادات زیاد و عدم امکان اصلاح، مقیاس‌های جدید و استاندارد مطابق با فرهنگ ایرانی اسلامی طراحی گردد.
- برای سنجش دقیق‌تر متغیرهای پژوهش، به‌ویژه دلبستگی به خدا (که مربوط به حوزه باورهاست) از روش‌های کیفی بخصوص مصاحبه‌های ساختاریافته یا نیمه ساختاریافته استفاده گردد.
- در خصوص مقیاس خودمهارگری پیشنهاد می‌شود که مقیاسی جدید طراحی گردیده و ابعاد مختلف خودمهارگری، از جمله مهار هیجان‌ها، مهار افکار، تنظیم رفتار، انگیزه‌های مهار و همچنین دو جنبه مکانیسم‌های بازدارندگی و راه‌اندازی رفتاری در آن لحاظ گردد.
- در ارتباط با مقیاس کارکرد خانواده نیز پیشنهاد می‌گردد که در صورت اصلاح مقیاس یا طراحی مقیاس جدید، ارائه نمره مثبت و نمره مجموع کارکرد خانواده در آن لحاظ گردد. همچنین مناسب است که در زمینه گویه‌ها و روش نمره‌گذاری مقیاس کارکرد خانواده بر اساس رویکرد مک‌مستر، منبع و روشی واحد از سوی پژوهش‌گران مورد استفاده قرار گیرد.

۵. رابطه و نسبت دلبستگی به خدا با سایر عوامل دینی و معنوی (جایگاه دلبستگی به خدا در الگوی دین‌داری و معنویت) بررسی گردد.

۶. با توجه به اهمیت دو متغیر دلبستگی به خدا و خودمهارگری، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، تأثیر آن‌دو در دیگر متغیرهای سنجش کیفیت زناشویی همچون تعهد زناشویی،

دلزدگی زناشویی، رضایت زناشویی و همچنین بر سایر متغیرهای روان‌شناختی همچون اهمال‌کاری، پیشرفت تحصیلی، خودکارآمدی و... بررسی گردد.

۷. با توجه به نقش بسزای متغیر خودمهارگری به عنوان یک متغیر واسطه‌ای در فرآیندهای روان‌شناختی و تأثیرگذاری آن بر بسیاری از پیامدهای مثبت روان‌شناختی، پیشنهاد می‌شود سایر عوامل مؤثر بر خودمهارگری از جمله عوامل زیستی و ویژگی‌های شخصیتی نیز بررسی گردد.

۲-۴-۵- پیشنهادهای کاربردی

۱. با توجه به اهمیت دو متغیر دلبستگی به خدا و خودمهارگری و ارتباط آن دو با کارکردهای خانواده، پیشنهاد می‌شود در مداخلات خانواده به این دو متغیر توجه بیشتری مبذول گردد.
۲. پیشنهاد می‌شود برای آموزش خانواده‌ها، به ویژه ساکنین در مجتمع‌های مسکونی، بسته‌های آموزش کارکرد خانواده با لحاظ دو عامل خودمهارگری و دلبستگی به خدا طراحی و تدوین گردد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی. (۱۳۸۸). تهران: هلیا
۲. آراین پور، ملیحه، شهابی زاده، فاطمه، و بحرینیان، سید عبدالمجید. (۱۳۹۴). الگوی پیش بینی هوش معنوی بر پایه سبک های اسنادی و خودکنترلی. روان شناسی و دین. ۸ (پیاپی ۲۹)، ۵.
۳. آراین پور، ملیحه، شهابی زاده، فاطمه، و بحرینیان، سید عبدالمجید. (۱۳۹۳). رابطه بین هوش معنوی، خودکنترلی، اضطراب و اعتیاد به تلفن همراه. در CIVILICA. (ج ۰۱).
۴. آموسنی، داوود. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش خودمهارگری بر کاهش میزان پرخاشگری در دانش آموزان، کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۵. واندن بوس، گری آر، احدی، حسن، جمهری، فرهاد، خداوردیان، سهیلا، و آزادفلاح، پرویز. (۱۳۹۱). فرهنگ توصیفی انجمن روان شناسی امریکا APA. تهران: ارس.
۶. ابوحمزه، الهام، و خوشابی، کتایون. (۱۳۸۷). جان بالبی: نظریه دلبستگی. تهران: دانژه.
۷. ابراهیمی مقدم، حسین، و واحدی، سیدحامد. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی آموزش خودکنترلی هیجانی بر اختلالات سایکوفیزیولوژیکال پرستاران شهر تهران. مجله علوم مراقبتی نظامی. ۲ (۴)، ۲۰۶-۲۱۳.
۸. احیاءکننده، منیژه، و مزیدی شرف آبادی، محمد. (۱۳۹۵). رابطه ی دلبستگی به خدا با سلامت روان و هدف در زندگی دانشجویان پسر. روان شناسی و دین. ۱ (۹)، ۶۹-۸۴.
۹. اردن، تیموتی سی، و خادمی شمامی، عبدالوهاب. (۱۳۸۷). آهار به زبان ساده در پژوهش های آموزشی، روان شناسی و علوم اجتماعی. تهران: نشر نی.
۱۰. اصلانی، خالد، صیادی، علی، و امان اللهی، عباس. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی. مشاوره و روان درمانی خانواده. ۲ (۲)، ۱۶۳-۱۷۷.
۱۱. افشار، لیلا، حسینی، مریم، و عباسی، محمود. (۱۳۹۰). ملاحظات اخلاقی در پژوهش های آموزشی. تاریخ پزشکی. ۳ (۸)، ۶۵.

۱۲. ایزدی‌پناه، محبوبه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی به خدا، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی، کارشناسی ارشد. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۱۳. بارکر، فیلیپ، دهقانی، محسن، و دهقانی، زهره. (۱۳۷۵). خانواده درمانی پایه. تهران: رشد.
۱۴. بررسی تجربی رابطه بین دینداری، خودکنترلی و رفتار انحرافی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران، کارشناسی ارشد. (۱۳۹۳). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه مازندران - دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۱۵. بستان، حسین. (۱۳۸۳). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
۱۶. بشارت، محمدعلی، کشاورز، سمیرا، و لواسانی، مسعودغلامعلی. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای خودشفقت‌ورزی و خودمهارگری در رابطه بین روان‌سازه‌های سازش‌نایافته اولیه و کیفیت زندگی. روان‌شناسی تحولی. ۱۱(۱)، ۳۴۱-۳۵۶.
۱۷. بهبودی، معصومه، هاشمیان، کیانوش، پاشاشریفی، حسن، و شکوه نوابی‌نژاد. (۱۳۸۸). پیش‌بینی کارکرد خانواده بر اساس ویژگی‌های شخصیتی زوجین. اندیشه و رفتار (روان‌شناسی کاربردی). ۱۱(۳)، ۵۵.
۱۸. بیرو، آلن، و ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی). تهران: کیهان.
۱۹. پورافکاری، نصرت‌الله. (۱۳۷۳). فرهنگ جامع روان‌شناسی - روانپزشکی انگلیسی - فارسی: حاوی بیش از ۲۰۰۰۰ واژه و اصطلاح روان‌شناسی روانپزشکی و زمینه‌های وابسته. تهران: فرهنگ معاصر.
۲۰. پورقاسمی، مرضیه. (۱۳۸۹). تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کارکرد خانواده زنان دارای همسر معتاد، کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی - پژوهشکده علوم بهزیستی.
۲۱. پهلوان شریف، سعید، و مهدویان، وحید. (۱۳۹۴). مدل‌سازی معادلات ساختاری با Amos. تهران: پیشه.

۲۲. ترابی، سالومه سادات. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی آموزش خودکنترلی بر افزایش رضایت از زندگی و بهبود خویشتن‌پنداری، کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۲۳. ثنائی، باقر، علاقبند، ستیلا، و هومن، عباس. (۱۳۷۹). مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
۲۴. جان‌بزرگی، مسعود، و دادستان، پریخ. (۱۳۷۸). بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه‌مدت "آموزش خود مهارگری" با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی.
۲۵. جهانگیری، ملوک. (۱۳۸۳). رابطه بین عملکرد خانواده و هوش هیجانی نوجوانان پایه‌های دوم و سوم راهنمایی شهر تهران (۸۲-۸۳)، کارشناسی ارشد. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه تربیت معلم تهران - دانشکده علوم.
۲۶. حاتمی، حمیدرضا، حبیبی، محمدباقر، و اکبری، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی. روان‌شناسی نظامی. ۱۱(۱)، ۱۳.
۲۷. حبیب‌پورگتایی، کرم، و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی : (تحلیل داده‌های کمی). تهران: لویه.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۶). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. (جلد ۱-۳۰). قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۲۹. حسن‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). روش تحقیق پیشرفته [جزوه درسی کارشناسی ارشد]. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۰. حسین‌خانزاده، عباسعلی، طاهر، محبوبه، و محمدی، حاتم. (۱۳۹۴). نقش ظرفیت خودمهارگری و خودنظم‌بخشی در تبیین شادزیستی دانشجویان. مطالعات روانشناختی. ۱۱(۴)، ۹۷-۱۱۸.
۳۱. حسین‌خانزاده، عباس‌علی، همتی‌علمدارلو، قربان، آقابابایی، حسین، مرادی، اعظم، و رضایی، صدیقه. (۱۳۹۰). پیش‌بینی ظرفیت خودمهارگری از طریق انواع جهت‌گیری‌های مذهبی و نقش آن در کاهش بزهکاری. پژوهشنامه حقوق کیفری. ۱۱(۲)، ۱۹-۳۶.
۳۲. حسینی، بیتا. (۱۳۸۸). زمینه زوج درمانی. تهران: جاودانه، جنگل.
۳۳. حسینی، داود. (۱۳۸۸). کارکرد خانواده از دیدگاه روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی. معرفت. ۱۱(۱۸)، ۱۰۱-۱۱۲.

۳۴. حیدریان، مریم. (۱۳۹۳). رابطه‌ی دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی با میانجی گری معنویت زناشویی و بهزیستی معنوی، کارشناسی ارشد. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۳۵. خوش‌فر، غلامرضا، و ایلواری، محبوبه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین دینداری با سازگاری زناشویی (مطالعه موردی: زنان متأهل ساکن شهر گرگان. فصلنامه علوم اجتماعی. ۶۸(۰)، ۱۹۳-۲۲۷.
۳۶. خالقی، نرگس. (۱۳۸۷). اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی. اخلاق در علوم و فناوری. ۳(۲)-۸۳، (۱).
۳۷. خدابخشی‌کولایی، آناهیتا، محمدبیگی، معصومه، و بهاری، فرشاد. (۱۳۹۵). رابطه‌ی دلبستگی به خدا با تاب‌آوری و سلامت روان والدین کودکان با نیازهای ویژه. پژوهش در دین و سلامت. ۲(۴)، ۴-۱۳.
۳۸. خدایاری‌فرد، محمد، اکبری‌زردخانه، سعید، پاک‌نژاد، محسن، غباری‌بناب، باقر، شکوهی‌یکتا، محسن، فقیهی، علی‌نقی، افروز، غلام‌علی، و دیگران. (۱۳۹۵). ساخت مقیاس بین‌المللی دینداری با رویکرد مقایسه‌ی بین فرهنگی. روان‌شناسی. ۱(۲۰)، ۳-۲۰.
۳۹. خدایاری‌فرد، محمد، شهابی، روح‌الله، و اکبری‌زردخانه، سعید. (۱۳۸۸). رابطه دینداری و خودکنترلی با گرایش به مصرف مواد در دانشجویان. رفاه اجتماعی. ۱(۹)، ۱۱۵-۱۳۰.
۴۰. خسروی، زهره، و علیزاده‌صحرانی، ام‌هانی. (۱۳۹۰). رابطه اعتیاد به اینترنت با عملکرد خانواده و سلامت روان در دانش‌آموزان. مطالعات روان‌شناسی تربیتی. ۰(۰)، ۵۹-۸۰.
۴۱. رلیان، کریستین ای، و بهرامی، فاطمه. (۱۳۹۱). ارزیابی و درمان خانواده‌ها: رویکرد مک‌مستر. تهران: کتاب ارجمند.
۴۲. رایان، کریستین ای، دهقانی، محسن، و عباسی، مریم. (۱۳۹۰). خانواده درمانی: ارزیابی و درمان خانواده‌ها - رویکرد مک‌مستر. تهران: رشد.
۴۳. ربر، آرتور اس، و کریمی، یوسف. (۱۳۹۰). فرهنگ روان‌شناسی (توصیفی). تهران: رشد.
۴۴. رجبی، محمود. (۱۳۹۱). انسان‌شناسی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، انتشارات.
۴۵. رفیعی‌هنر، حمید. (۱۳۹۰). ساخت مقیاس خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی، کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.

۴۶. رفیعی‌هنر، حمید. (۱۳۹۲). اسلام، اخلاق و خودمهارگری روان‌شناختی. اخلاق و حیانی. (۳)، ۱۴۱-۱۶۴.
۴۷. رفیعی‌هنر، حمید، و جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری. روان‌شناسی و دین. ۱(۳)، ۳۱-۴۲.
۴۸. رفیعی‌هنر، حمید، جان‌بزرگی، مسعود، پسندیده، عباس، و رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم. (۱۳۹۳). تبیین سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی. روان‌شناسی و دین. (۳ (پیاپی ۲۷)).
۴۹. ریتزر، جورج، و ثلاثی، محسن. (۱۳۹۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. تهران: نشر علمی.
۵۰. زاده‌وش، سمیه، نشاط‌دوست، حمیدطاهر، و رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم. (۱۳۸۷). روان‌درمانی با جهت‌گیری مذهبی. تازه‌های روان‌درمانی. ۱(۱۳)، ۸۸-۱۰۴.
۵۱. زاده‌محمدی، علی، و ملک‌خسروی، غفار. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD). فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۲(۵)، ۶۹.
۵۲. زارعی‌توپخانه، محمد، جان‌بزرگی، مسعود، و احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۲). رابطه ساختار قدرت پدرمحور در خانواده اصلی فرد با کارآمدی خانواده. مطالعات اسلام و روان‌شناسی. ۰(۷)، ۱۳۵-۱۵۰.
۵۳. زاهدبابلان، عادل، رضایی‌جمالویی، حسن، و حرفتی‌سبحانی، رعنا. (۱۳۹۱). رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. ۱۳(پیاپی ۴۹)، ۷۵.
۵۴. ساعتچی، محمود. (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه‌ی روان‌شناسی و زمینه‌های وابسته. تهران: اندیشه پیک زبان.
۵۵. ساکی، خدیجه، و مکوندی، بهنام. (۱۳۹۴). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شادکامی با عملکرد خانواده. (ج ۳، ص ۱۴). ارائه شده در سومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم رفتاری.
۵۶. سبقتی، علیرضا. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای خودکنترلی در رابطه سبک‌های دلبستگی والدینی و راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان، کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم اجتماعی.
۵۷. سپاه‌منصور، مژگان، شهابی‌زاده، فاطمه، و خوشنویس، الهه. (۱۳۸۷). ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. روان‌شناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). ۴(۱۵)، ۲۵۳.

۵۸. سرافراز، مهدی رضا، قربانی، نیما، و جواهری، عابدین. (۱۳۹۲). خود مهارگری: ظرفیتی واحد یا دو وجهی؟ تمایز بین وجوه بازدارندگی و برانگیزندگی در دانشجویان دانشگاه های تهران. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی. ۶(۴)، ۷۵-۶۹.
۵۹. سرمد، زهره. (۱۳۷۸). متغیرهای تعدیل کننده و واسطه ای: تمایزات مفهومی و راهبردی. پژوهشهای روانشناختی. ۳(۵)، ۸۱-۶۳.
۶۰. سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهه. (۱۳۸۵). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: موسسه نشر آگه.
۶۱. سلیمانیان، مریم، جوکاریان، علی اکبر، کلاهی، علی اصغر، ابدی، علیرضا، کرامتی نیا، علی اصغر، و محمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). بررسی دلبستگی به خدا و بخشش میان نوجوانان دچار اختلال سلوک در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران. سلامت اجتماعی. ۲(۲)، ۱۲۷.
۶۲. سلیمانی پور، روح الله، و حیدری، حوّا. (۱۳۹۳). سرقت علمی؛ مفاهیم، مصادق ها و روش های پیش گیری. فصلنامه ره آورد نور. (۴۷)، ۱۰.
۶۳. سیف، سوسن، و اسلامی، معصومه السادات. (۱۳۸۷). نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی. اندیشه های نوین تربیتی. ۴(۱-۲)، ۹۹.
۶۴. سیمایی، شکوفه. (۱۳۸۸). دلبستگی به خدا و هوش عاطفی: نقش آن ها در پیش بینی سلامت روانی و رضایت از زندگی، کارشناسی ارشد. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه شیراز - دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
۶۵. شولتز، دوآن، و شولتز، سیدنی الن. (۱۳۹۳). نظریه های شخصیت ویراست دهم (۲۰۱۳). (سید محمدی، یحیی، مترجم). تهران: ویرایش.
۶۶. شجاعی زند، علی رضا. (۱۳۹۳). نقد و ارزیابی «گویه های به کار رفته» در پیمایش های دینداری در ایران. راهبرد فرهنگ. ۲۶(۰)، ۳۸-۷.
۶۷. شرف الدین، سیدحسین. (۱۳۸۶). تحلیلی اجتماعی از صله رحم. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۶۸. شریفی، حسن پاشا، و شریفی، نسترن. (۱۳۸۳). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: سخن.
۶۹. شهابی زاده، فاطمه. (۱۳۹۰). تدوین هدلی جهت تبیین پایگاه های هویت در ارتباط با سبک های دلبستگی به والد و خدا، الگوهای عملکرد خانواده و مقابله مذهبی، پایان نامه دکترا. غیر دولتی -

دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

۷۰. شهابی‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۴). مدل علی راهبردهای مقابله مذهبی، نقش کارکرد خانواده و دلبستگی به خدا. مطالعات روانشناختی. (۲).

۷۱. شهابی‌زاده، فاطمه، شهیدی، شهریار، و مظاهری، محمدعلی. (۱۳۸۵). ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی. روان‌شناسی. ۴(۱۰)، ۴۲۲-۴۴۰.

۷۲. شیخ، مهدی، احمدی، خدابخش، غباری‌بناب، باقر، و احمدی‌زاده، محمد جواد. (۱۳۹۳). سنجش، ارزیابی و تبیین دلبستگی به خدا در بافت و فرهنگ اسلامی. روان‌شناسی نظامی. ۵(۲۰).

۷۳. شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۴). بحران بافت‌های مسکونی جدید در شهرهای بزرگ ایران. رفاه اجتماعی. (۱۶).

۷۴. عبادت‌پور، بهناز، نوابی‌نژاد، شکوه، شفیع‌آبادی، عبدالله، و فلسفی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دلزدگی زناشویی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی. (۱۳)، ۲۹-۴۵.

۷۵. عباسی، علی اصغر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه عملکرد خانواده (طبق الگوی سرکامپلکس السون) و رفتارهای انحرافی میان نوجوانان (۱۷-۱۳) قائم‌شهر. مطالعات علوم اجتماعی ایران. ۱۰(۳۶)، ۱۳۷.

۷۶. عبدالله‌پور، نازی، مقیمی‌آذری، محمدباقر، قلی‌زاده، حسین، سیدمهدوی‌اقدام، میرروح‌اله، و علی‌اشرفی‌زکی، زینب. (۱۳۸۸). رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز. علوم اجتماعی. ۳(۷)، ۱۵۷.

۷۷. عسکری، پرویز، و موسوی، آزاده. (۱۳۸۹). مقایسه کارکرد خانواده، کیفیت زندگی، خستگی روانی و نگرانی در میان همسران کارکنان مرد اقماری و روز کار شرکت نفت. (روان‌شناسی اجتماعی یافته‌های نو در روان‌شناسی. ۵(۱۷)، ۹۷.

۷۸. علی‌وردی‌نیا، اکبر، معمار، رحمت‌الله، و نصرت‌زهی، سیمین. (۱۳۹۴). بررسی تجربی رابطه دینداری، خودکنترلی و رفتار انحرافی. راهبرد اجتماعی فرهنگی. (۱۷).

۷۹. علیان‌سب، سیدحسین. (۱۳۹۱). خداجویی و نقش آن در نگرش به مرگ (پژوهشی روان‌شناختی درباره دل‌بستگی به خدا، تصویر ذهنی از خدا و اضطراب مرگ). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۸۰. علیایی، زهرا، سامانی، سیامک، و فانی، حجت اله. (۱۳۹۰). بررسی روایی و پایایی مقیاس دلبستگی به خدا. روشها و مدل‌های روان‌شناختی. ۲(ویژه نامه)، ۶۵.
۸۱. علی‌بخشی، زهرا، علی‌پور، احمد، فرزاد، ولی‌الله، و علی‌اکبری، مهناز. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای خوردن هیجانی، حرمت خود و خودمهارگری در مدلسازی چاقی دختران نوجوان. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۲۵(۱۳۴)، ۱۹۳-۲۰۸.
۸۲. علینی، محمد. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی. قم: موسسه بوستان کتاب.
۸۳. علینی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی. اسلام و مطالعات اجتماعی. ۱(۴)، ۷۷-۱۰۷.
۸۴. غباری‌بناب، باقر، و حدادی‌کوهسار، علی اکبر. (۱۳۹۰). دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری. روشها و مدل‌های روان‌شناختی. ۱(۴)، ۷۳.
۸۵. غفاری، ابوالفضل، و رضوی، بی بی زهرا. (۱۳۹۱). خودکنترلی در نظریه خودتعیین‌گری و اندیشه‌های امام علی علیه السلام. ارائه شده در ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان.
۸۶. غفاری، فاطمه، رفیعی، حسن، و ثنایی، ذاکر باقر. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش خانواده با استفاده از «تئوری سیستمی بوئن» بر تمایز یافتگی و کارکرد خانواده‌های دارای فرزند معتاد. فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۶(۲۲)، ۲۲۷.
۸۷. قدیمی‌گرجان، ثریا. (۱۳۹۱). نقش تمایز یافتگی خود، خودکنترلی و راهبردهای حل تعارض در پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی، کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه محقق اردبیلی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۸۸. کار، آلن، و تبریزی، غلامرضا. (۱۳۸۴). خانواده‌درمانی (مفاهیم فرایندها و تمریناتی برای زوج‌درمانی). مشهد: انتشارات مرنديز: نی‌نگار.
۸۹. کاظم‌زاده، رضا، بدری، توفیق، کمالی، عباس، و نوری‌زاداحمدآباد، ساناز. (۱۳۹۴). بررسی رابطی عزت نفس و خودکنترلی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. در سیویلیکا. (ج ۰۲).
۹۰. کجیاف، محمد باقر، کشاورز، امیر، نوری، ابوالقاسم، لعلی، محسن، و سلطانی‌زاده، محمد. (۱۳۸۹). مقایسه وضعیت عملکرد خانواده و سلامت روان در افراد دارای حیوان خانگی و بدون حیوان خانگی در شهر اصفهان در سال ۱۳۸۸. مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک. ۱۳(۴)، ۸۳-۹۴.

۹۱. کرامتی، هادی، مرادی، علیرضا، و کاوه، منیژه. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روان شناختی فرزندان شاهد. نوآوری های آموزشی. ۴(۱۱)، ۵۷.
۹۲. کرک پاتریک، لی. آ. (۱۳۹۳). دلبستگی، تکامل و روان‌شناسی دین. (محمودی، غلامرضا، مترجم). (جلد ۱-۱). تهران: وانیانیا.
۹۳. کرلینجر، فردریک نیکلز، پاشاشریفی، حسن، و نجفی‌زند، جعفر. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. تهران: آوای نور.
۹۴. کریمی، رامین. (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS. تهران: هنگام.
۹۵. کریمی، یوسف. (۱۳۸۸). روان‌شناسی شخصیت. تهران: دانشگاه پیام نور.
۹۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). اصول کافی (ترجمه کمره ای). (جلد ۱-۶). قم: اسوه.
۹۷. گال، مردیت دامین، بورگ، والتر، گال، جویس، و نصر، احمدرضا. (۱۳۸۴). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۹۸. گلادینگ، ساموئل، و بهاری، فرشاد. (۱۳۸۶). خانواده‌درهانی (تاریخچه، نظریه، کاربرد). تهران: تزکیه.
۹۹. گلدنبرگ، آیرین، گلدنبرگ، هربرت، حسین‌شاهی برواتی، حمیدرضا، نقشبندی، سیامک، و ارجمند، الهام. (۱۳۸۲). خانواده درمانی. تهران: روان.
۱۰۰. گلدنر، آلون وارد، و ممتاز، فریده. (۱۳۶۸). بحران جامعه‌شناسی غرب. تهران: انتشار.
۱۰۱. گلی‌علی‌پورلنگرودی، مهران، و اکبرنیا، مهناز. (۱۳۹۳). بررسی رابطه دلبستگی با خدا و تاب آوری در سلامت روان والدین دارای بیش از یک کودک استثنایی شهر کرج. مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
۱۰۲. لطفی‌نیا، حسین، محب، نعیمه، و عبدلی، عیسی. (۱۳۹۲). رابطه خودکارآمدی و سلامت عمومی با کارکرد خانواده در دانش آموزان پسر اول متوسطه ناحیه ۴ تبریز. ۶(۲۳)، ۴۱-۵۴.
۱۰۳. موسوی‌مقدم، سیدرحمت‌الله، هوری، سهیلا، امیدی، عباس، و ظهیری‌خواه، ندا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش معنوی با خودکنترلی و مکانیسم‌های دفاعی در دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه. فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران. ۲۵(۱)، ۵۹-۶۴.

۱۰۴. مایرز، لارنس اس، گامست، گلن، گوئارینو، ا ج، و پاشاشریفی، حسن. (۱۳۹۱). پژوهش چند متغیری کاربردی (طرح و تفسیر). تهران: رشد.
۱۰۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۵). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. (جلد ۱۱۰-۱). دار إحياء التراث العربی.
۱۰۶. مجید صفاری نیا. (۱۳۹۰). تاثیر محیط های مسکونی مختلف (خانه های ویلایی یا انواع آپارتمان) بر سلامت روان، شادکامی و بهزیستی شخصی دختران نوجوان. پژوهش های روان شناسی اجتماعی. ۶۰، (۱)، ۱.
۱۰۷. محبوبی، طاهر. (۱۳۹۴). تاثیر آموزش خودکنترلی هیجانی بر کاهش پرخاشگری کلامی دانشجویان دانشگاه پیام نور. دوفصلنامه علمی- پژوهشی شناخت اجتماعی. ۴(۸)، ۱۲۴-۱۳۶.
۱۰۸. محسنی، منوچهر. (۱۳۹۳). مقدمات جامعه‌شناسی. (ویرایش ویراست ۴). تهران: دوران.
۱۰۹. محمدپور، احمد، کریمی، جلیل، و ولی‌زاده، شعبان. (۱۳۹۱). مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر همدان. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۴(۱۳)، ۷۵-۱۱۵.
۱۱۰. محمدزاده، علی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین وسواس مرگ با روش های مقابله مذهبی، عمل به باورهای دینی و سبک های دلبستگی به خدا. مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار). ۲۱(پیاپی ۸۲)، ۲۳۶.
۱۱۱. محمدزاده، علی، جعفری، عیسی، و حاجلو، نادر. (۱۳۹۴). رابطه اضطراب مرگ با روش های مقابله مذهبی، سبک های دلبستگی به خدا و عمل به باورهای دینی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۵(پیاپی ۱۵)، ۲۵۹.
۱۱۲. محمدی، بهناز، زهراکار، کیانوش، داورنیا، رضا، و شاکرمی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی نقش دینداری و ابعاد آن در پیش بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. دین و سلامت. ۱(۲)، ۱۵-۲۳.
۱۱۳. محمدی‌مزیدی، هادی. (۱۳۹۳). رابطه بین عملکرد خانواده و خودکنترلی با دلزدگی زناشویی در زوجین، کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

۱۱۴. محمدی، مصیری فرهاد، شفيعی، فرد یعقوب، داوری، مژده، و بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۱). نقش خودمهارگری، کیفیت رابطه با والدین و محیط مدرسه در سلامت روانی و رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان. روان‌شناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). ۸(۳۲)، ۳۹۷.
۱۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا.
۱۱۶. مظاهری، علی، صادقی، منصوره السادات، و حیدری، محمود. (۱۳۸۷). مقایسه ادراک و آرمان ساختار خانواده در والدین و فرزندان جوان آن‌ها. خانواده پژوهی. ۱۶(۱).
۱۱۷. مهدی‌یار، منصوره. (۱۳۹۴). پیش‌بینی افسردگی بر مبنای تعلق، دلبستگی به خدا، صبر و نگرش‌های ناکارآمد در دانشجویان دانشگاه شیراز، کارشناسی ارشد. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه شیراز - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۱۱۸. میرزایی، سمیه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی، صمیمیت و عملکرد خانواده در زوجین عادی در مقایسه با زوجین اقدام‌کننده برای طلاق، کارشناسی ارشد. دولتی - وزارت بهداشت، درمان، و آموزش پزشکی - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۱۱۹. نوزدی‌اردکانی، حسن. (۱۳۹۳). رابطه بین عملکرد خانواده و خودکنترلی با اختلالات رفتاری، کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۱۲۰. نوزدی‌اردکانی، حسن، و زراعت‌پیشه، وحیدرضا. (۱۳۹۴). رابطه بین عملکرد خانواده و خودکنترلی با اختلالات رفتاری مطالعه موردی نوجوانان خوابگاه کمیت‌ه امداد امام خمینی (ره). در سرفصل ارائه مقاله: (ج ۰۲).
۱۲۱. نارویی، رحیم، صالحی، علی‌محمد، و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۲). اثربخشی یاد خدا بر خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی. روان‌شناسی و دین. ۲ (پیاپی ۲۲).
۱۲۲. نورعلیزاده میانجی، مسعود. (۱۳۹۴). از خداآگاهی تا خودآگاهی و آثار روان‌شناختی آن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۲۳. نظری، سودابه. (۱۳۹۴). انسجام و عملکرد خانواده. تهران: اندیشه فاضل.
۱۲۴. نیری، احمد. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌گری سبک‌های هویت در رابطه دلبستگی به خدا با بهزیستی روانشناختی در معلمان متأهل: رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری، کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

۱۲۵. نیکخو، محمد رضا، و آوادیس یانس، هامایاک. (۱۳۹۱). DSM-IV-TR: متن تجدیدنظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی. تهران: سخن.
۱۲۶. هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۶). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۲۷. همت پور، منوچهر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین معنویت با میزان خودکنترلی در دانش آموزان سال سوم دبیرستان های شهر کوهدشت در سال تحصیلی ۹۳-۹۲، کارشناسی ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه پیام نور - دانشگاه پیام نور استان تهران - دانشکده علوم انسانی.
۱۲۸. یاری گشینیگانی، حسین. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش خودمهارگری بر تعارضات زناشویی زوجین کمتر از پنج سال زندگی مشترک شهر مشهد، کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۲۹. یوسفی، ناصر. (۱۳۹۱). بررسی شاخص های روان سنجی مقیاس های شیوه سنجش خانوادگی مک مستر (FAD). اندازه گیری تربیتی. ۳(۷)، ۸۳.

منابع لاتین

130. Alvarez-Rivera, Lorna L. (2006). Effects of Parental Attachment on Self-control: A Look at Attachments Among Puerto Rican High School Students. University of Florida.
131. Aziz, Shagufta و Rehman, Ghazala. (1996). Self control and tolerance among low and high religious groups. Journal of Personality and Clinical Studies.
132. Barkley, Russell A. (2004). Attention-deficit/hyperactivity disorder and self-regulation: taking an evolutionary perspective on executive functioning .
133. Baumeister, RF, Schmeichel, BJ و Vohs, KD. (2007). Self-regulation and the executive function: The self as controlling agent, [in:] Social Psychology: Handbook of Basic Principles, ed. AW Kruglanski, ET Higgins. Guilford Press, New York .
134. Baumeister, Roy F و Vohs, Kathleen D. (2003). Self-regulation and the executive function of the self. Handbook of self and identity. 1, 197-217 .
135. Beavers, R. & Hampson, R. B. (2000). The Beavers Systems Model of Family Functioning. Journal Of Family Therapy, 22(2), 128-143.

136. Beck, R. & McDonald, A. (2004). Attachment to god: the attachment to god inventory, tests of working model. *Journal Of Psychology And Theology*, 32(2), 92–103.
137. Boekaerts, M., Pintrich, P. R. & Zeidner, M. (2005). *Handbook of Self-regulation*. Elsevier.
138. Cauffman, E., Steinberg, L. & Piquero, A. R. (2005). Psychological, Neuropsychological and Physiological Correlates of Serious Antisocial Behavior in Adolescence: The Role of Self-Control*. *Criminology*, 43(1), 133–176.
139. Cochran, William G. (2007). *Sampling techniques*. John Wiley & Sons .
140. Converse, P. D., Pathak, J., DePaul-Haddock, A. M., Gotlib, T. & Merbedone, M. (2012). Controlling your environment and yourself: Implications for career success. *Journal Of Vocational Behavior*, 80(1), 148–159.
141. Daly, M., Egan, M., Quigley, J., Delaney, L. & Baumeister, R. F. (2016). Childhood self-control predicts smoking throughout life: Evidence from 21,000 cohort study participants. *Health Psychology*, 35(11), 1254–1263.
142. Duckworth, A. L., Quinn, P. D. & Tsukayama, E. (2012). What No Child Left Behind leaves behind: The roles of IQ and self-control in predicting standardized achievement test scores and report card grades. *Journal Of Educational Psychology*, 104(2), 439–451.
143. Duckworth, Angela Lee و Kern, Margaret L. (2011). A Meta-Analysis of the Convergent Validity of Self-Control Measures. *Journal of research in personality*. 45(3), 259–268.
144. Eidelson, Roy J و Epstein, Norman. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of consulting and clinical psychology*. 50(5), 715.
145. Epstein, N. B., Bishop, D. S. & Levin, S. (1978). The McMaster Model of Family Functioning. *Journal Of Marital And Family Therapy*, 4(4), 19–31.
146. Gailliot, Matthew T, Baumeister, Roy F, DeWall, C Nathan, Maner, Jon K, Plant, E Ashby, Tice, Dianne M, Brewer, Lauren E, et. al. (2007) Self-control relies on glucose as a limited energy source: willpower is more than a metaphor. *Journal of personality and social psychology*. 92(2), 325 .
147. Ghasemi, Asghar و Zahediasl, Saleh. (2012). Normality Tests for Statistical Analysis: A Guide for Non-Statisticians. *International Journal of Endocrinology and Metabolism*. 10(2), 486–489.
148. Gibbons, F. X., O'Hara, R. E., Stock, M. L., Gerrard, M., Weng, C.-Y. & Wills, T. A. (2012). The erosive effects of racism: Reduced self-control

- mediates the relation between perceived racial discrimination and substance use in African American adolescents. *Journal Of Personality And Social Psychology*, 102(5), 1089–1104.
149. Granqvist ،Pehr ،Mikulincer ،Mario و ،Shaver ،Phillip R. (2010). Religion as attachment: Normative processes and individual differences. *Personality and Social Psychology Review*. 14(1) ،49–59 .
 150. Granqvist ،Pehr و ،Hagekull ،Berit. (1999). Religiousness and perceived childhood attachment: Profiling socialized correspondence and emotional compensation. *Journal for the scientific study of religion*. 254–273 .
 151. Hauser ،ST ،Gerber ،EB و ،Allen ،JP. (1998). Ego development and attachment: Converging platforms for understanding close relationships. *Personality development: Theoretical ،empirical ،and clinical investigations of Loevinger's conception of ego development*. 203–217 .
 152. Hay, C. (2001). Parenting, Self-Control, and Delinquency: A Test of Self-Control Theory*. *Criminology*, 39(3), 707–736.
 153. Higgins ،George E. (2006). Gender differences in software piracy: The mediating roles of self-control theory and social learning theory. *Journal of Economic Crime Management*. 4(1) ،1–30 .
 154. Hofmann ،Wilhelm ،Frieze ،Malte و ،Strack ،Fritz. (2009). Impulse and self-control from a dual-systems perspective. *Perspectives on Psychological Science*. 4(2) ،162–176 .
 155. Hofmann ،Wilhelm ،Schmeichel ،Brandon J و ،Baddeley ،Alan D. (2012). Executive functions and self-regulation. *Trends in cognitive sciences*. 16(3) ،174–180 .
 156. Joules ،Shaalon. (2007). The mediating role of God attachment between religiosity and spirituality and psychological adjustment in young adults. The Ohio State University.
 157. Kirkpatrick, L. A. & Hazan, C. (1994). Attachment styles and close relationships: A four-year prospective study. *Personal Relationships*, 1(2), 123–142.
 158. Kirkpatrick, L. A. (2005). Attachment, evolution, and the psychology of religion. Guilford Press.
 159. Kirkpatrick ،Lee A. (1995). Attachment theory and religious experience .
 160. Kirkpatrick ،Lee A و ،Shaver ،Phillip R. (1990). Attachment Theory and Religion: Childhood Attachments ،Religious Beliefs ،and Conversion. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 29(3) ،315–334 .
 161. Kirkpatrick ،Lee A و ،Shaver ،Philip R. (1992). An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 18(3) ،266–275 .

162. Krejcie ،Robert V و ،Morgan ،Daryle W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educ psychol meas* .
163. Li ،Xian ،Li ،Dongping و ،Newman ،Joan. (2013). Parental Behavioral and Psychological Control and Problematic Internet Use Among Chinese Adolescents: The Mediating Role of Self-Control. *Cyberpsychology ، Behavior ،and Social Networking*. 16(6) ،442–447.
164. Lucas ،Gerard. (2010). Singapore statement on research integrity. *Sri Lanka Journal of Child Health*. 39(4).
165. Maddux, J. (2009). Self-Regulation. In *The Encyclopedia of Positive Psychology* S. J. Lopez (Ed.), . Wiley-Blackwell.
166. Magen ،Eran و ،Gross ،James J. (2010). Getting our act together: Toward a general model of self-control. *Self-control in society ،mind and brain*. 335–53 .
167. Maranges ،Heather M ،Schmeichel ،Brandon J و ،Baumeister ،Roy F. (2016). Comparing cognitive load and self-regulatory depletion: Effects on emotions and cognitions. *Learning and Instruction* .
168. McCullough ،Michael E و ،Willoughby ،Brian LB. (2009). Religion ، self-regulation ،and self-control: Associations ،explanations ،and implications. *Psychological bulletin*. 135(1) ،69.
169. Mead, N. L., Alquist, J. L. & Baumeister, R. F. (2010). Ego depletion and the limited resource model of self-control. *Self Control In Society, Mind, And Brain*, 375–388.
170. Miller ،Holly Ventura ،Jennings ،Wesley G. ،Alvarez-Rivera ،Lorna L ، و Lanza-Kaduce ،Lonn. (2009). Self-control ،attachment ،and deviance among Hispanic adolescents. *Journal of Criminal Justice*. 37(1) ،77–84.
171. Muraven, M., Shmueli, D. & Burkley, E. (2006). Conserving self-control strength. *Journal Of Personality And Social Psychology*, 91(3), 524–537.
172. Muraven ،Mark و ،Baumeister ،Roy F. (2000). Self-regulation and depletion of limited resources: Does self-control resemble a muscle? *Psychological Bulletin*. 126(2) ،247–259.
173. Myrseth ،Kristian Ove R و ،Fishbach ،Ayelet. (2009). Self-control a function of knowing when and how to exercise restraint. *Current Directions in Psychological Science*. 18(4) ،247–252 .
174. Normandeau, S. & Guay, F. (1998). Preschool behavior and first-grade school achievement: The mediational role of cognitive self-control. *Journal Of Educational Psychology*, 90(1), 111–121.
175. Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and family sytems. *Journal Of Family Therapy*, 22(2), 144–167.

176. Rashidi, M., Sharif Mousavi, F. & Esmaeili, K. (2016). The Relationship between Styles of Attachment to God and Forgiveness and Empathy among Female Students in the City of Qom. *Health, Spirituality And Medical Ethics*, 3(1), 18–24.
177. Reynolds, T. & Baumeister, R. F. (2016). Self-control, cultural animals, and Big Gods. *The Behavioral And Brain Sciences*, 39, e21.
178. Ronen, T., Hamama, L., Rosenbaum, M. & Mishely-Yarlap, A. (2016). Subjective Well-Being in Adolescence: The Role of Self-Control, Social Support, Age, Gender, and Familial Crisis. *Journal Of Happiness Studies*, 17(1), 81–104.
179. Rowatt, W. & Kirkpatrick, L. A. (2002). Two Dimensions of Attachment to God and Their Relation to Affect, Religiosity, and Personality Constructs. *Journal For The Scientific Study Of Religion*, 41(4), 637–651.
180. Rueda 'M Rosario 'Posner 'Michael I و 'Rothbart 'Mary K. (2004). Attentional control and self-regulation. *Handbook of self-regulation: Research 'theory 'and applications*. 2 '284–299 .
181. Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55(1), 68–78.
182. Shaver 'Phillip R و 'Mikulincer 'Mario. (2005). Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. *Journal of Research in Personality*. 39(1) '22–45 .
183. Sim, T. N. & Loh, B. S. M. (2003). Attachment to God: Measurement and Dynamics. *Journal Of Social And Personal Relationships*, 20(3), 373–389.
184. Simpson, J. A. (1999). Attachment theory in modern evolutionary perspective. In *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), (pp. 115–140). New York, NY, US: Guilford Press.
185. Skinner 'Harvey 'Steinhauer 'Paul و 'Sitarenios 'Gill. (2000). Family Assessment Measure (FAM) and process model of family functioning. *Journal of Family Therapy*. 22(2) '190–210 .
186. Sven, S., Zubrick, S., De Maio, J., Shepherd, C., Griffin, J., Mitrou, J., Dalby, R., et al. (2006). The Western Australian Aboriginal Child Health Survey: Strengthening the Capacity of Aboriginal Children, Families and Communities.
187. Tavakkoli, Z. Chinave, M. (2015). The relationship between self-control and family function with social adjustment among high school students: Case study of Abadeh. *Indian Journal Of Positive Psychology*, 6(2).

188. Turnbull, J., Lea, D. & Parkinson, D. (Eds.). (2010). Oxford Advanced Learner's Dictionary (8 edition). Oxford University Press.
189. Vitell, S. J., Bing, M. N., Davison, H. K., Ammeter, A. P., Garner, B. L. & Novicevic, M. M. (2009). Religiosity and Moral Identity: The Mediating Role of Self-Control. *Journal Of Business Ethics*, 88(4), 601–613.
190. Vohs, Kathleen D و Baumeister, Roy F. (Editors). (2016). *Handbook of self-regulation: research, theory, and applications* (ویرایش Third edition). New York: The Guilford Press .
191. Vohs, Kathleen D و Baumeister, Roy F. (2004). Understanding self-regulation: An introduction. *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications*. 1–9 .
192. Vohs, Kathleen D و Baumeister, Roy F. (2011). *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications*. Guilford Press .
193. Vohs, Kathleen D و Schmeichel, Brandon J. (2007). Self-regulation: How and why people reach (and fail to reach) their goals. *The self*. 139–162 .
194. Walker, Roz و Shepherd, Carrington. (2008). Strengthening Aboriginal family functioning: What works and why? Australian Institute of Family Studies .
195. Wattananonsakul, Sittipong, Panrapee Suttiwan and Sompoch Iamsupasit. "Pathways To Smoking And Drinking: The Role Of Family Functioning, Supportive Parenting, Self-Control, Risk And Protective Factors In Thai Adolescents." *Journal Of Health Research* 24, no. 3 (2010): 135–42.
196. Wills, T. A. & Stoolmiller, M. (2002). The role of self-control in early escalation of substance use: A time-varying analysis. *Journal Of Consulting And Clinical Psychology*, 70(4), 986–997.

پیوست‌ها

پیوست «الف»: مقدمه پرسشنامه و سؤالات جمعیت‌شناختی

باسمه تعالی

پاسخگوی محترم

ضمن عرض سلام و احترام؛ پرسشنامه حاضر مربوط به پژوهشی در حوزه دین‌داری و خانواده است. پاسخ‌های شما کمک شایانی در نیل به اهداف پژوهش خواهد کرد. در ضمن:

- پرسشنامه‌ها بدون نام است و اطلاعات شما کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند.
- اطلاعات پرسشنامه‌ها فقط توسط شخص پژوهش‌گر و فقط در راستای اهداف علمی بررسی خواهد شد.
- لطفاً پس از مطالعه هر سؤال، اولین گزینه‌ای که به ذهنتان می‌رسد را علامت زده و از توقف روی سؤالات اجتناب کنید.
- هیچ پاسخ درست یا غلطی وجود ندارد، بلکه سؤالات صرفاً در مورد حالات مختلف شماسست.
- لطفاً با توجه به وضعیت کنونی خود به سؤالات پاسخ دهید، نه بر اساس ایده‌آل‌ها و یا وضعیت گذشته.
- لطفاً به همه سؤالات پاسخ دهید؛ حتی اگر احساس کردید تکراری و یا دارای اشکال است.

جنسیت: ☐ زن ☐ مرد سن: مدت ازدواج (به سال): تعداد فرزندان:

شغل: ☐ طلبه ☐ کارمند ☐ شغل آزاد ☐ بدون شغل ☐ سایر:

تحصیلات دانشگاهی: ☐ زیر دیپلم ☐ دیپلم ☐ فوق‌دیپلم ☐ لیسانس ☐ فوق‌لیسانس ☐ دکترا

پیوست «ب»: مقیاس دلبستگی به خدا

کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	سؤالات	۱
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۱ من با خدا رابطه صمیمانه‌ای دارم.	۱
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۲ احساس می‌کنم خداوند اغلب پاسخ درخواست‌های مرا می‌دهد.	۲
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۳ واکنش‌های خداوند به من، متناقض است (گاهی مثبت و گاهی منفی).	۳
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۴ به نظر می‌رسد که خداوند نسبت به مشکلات شخصی من علاقه کمی داشته و یا اصلاً علاقه‌ای نشان نمی‌دهد.	۴
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۵ خداوند برخی از اوقات با من بسیار صمیمی و برخی از اوقات بسیار بی‌تفاوت است.	۵
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۶ خداوند می‌داند که من چه موقع به حمایت او نیاز دارم.	۶
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۷ به نظر می‌رسد که خداوند نسبت به امور زندگی من علاقه کمی دارد و یا اصلاً علاقه‌ای نشان نمی‌دهد.	۷
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۸ به نظر می‌رسد ارتباط خداوند با من سرد و بی‌روح است.	۸
کاملاً موافقم	موافقم	تا حدی موافقم	نظری ندارم	تا حدی مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم	۹ به نظر می‌رسد که خداوند گاهی به نیازهای من پاسخ می‌دهد و گاهی نمی‌دهد.	۹

پیوست «ج»: مقیاس خودمهارگری

کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	سؤالات	۲
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	در برابر وسوسه‌ها، خوب مقاومت می‌کنم.	۱
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	کنار گذاشتن عادت‌های بدم برایم سخت است.	۲
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	آدم تنبلی هستم.	۳
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	چیزهای نامناسب می‌گویم.	۴
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	کارهایی می‌کنم که اگر چه سرگرم‌کننده است، اما برایم بد است.	۵
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	چیزهایی را که برایم بد است رد می‌کنم.	۶
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	ای‌کاش انضباط شخصی بیشتری داشتم.	۷
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	دیگران می‌گویند من انضباط شخصی محک می‌دارم.	۸
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	گاهی لذت و سرگرمی، مانع تمام کردن کارهایم می‌شود.	۹
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	در تمرکز حواس مشکل دارم.	۱۰
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	برای رسیدن به اهداف بلندمدتم قادرم به‌طور مؤثری کار کنم.	۱۱
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	گاهی نمی‌توانم جلوی خودم را از انجام کاری که حتی می‌دانم اشتباه است، بگیرم.	۱۲
کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	اغلب بدون بررسی همه گزینه‌های ممکن، عمل می‌کنم.	۱۳

پیوست «د»: مقیاس کارکرد خانواده

۳

سؤالات	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱ برنامه‌ریزی فعالیت‌های خانوادگی ما دشوار است، چون ما یکدیگر را به‌درستی درک نمی‌کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲ ما اکثراً مشکلات روزمره خانواده را حل می‌کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۳ وقتی یکی از اعضای خانواده ما ناراحت باشد، بقیه علت آن را می‌دانند.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۴ وقتی در خانواده ما از کسی کاری خواسته می‌شود، حتماً باید چک کنیم که انجام داده است یا نه.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۵ اگر کسی در خانواده ما دچار مشکل شود، سایرین هم درگیر حل آن می‌شوند.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۶ ما در هنگام بحران می‌توانیم روی حمایت بقیه اعضای خانواده حساب کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۷ هرگاه یک وضعیت اضطراری پیش می‌آید، نمی‌دانیم چه بکنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۸ گاهی خانه از چیزهای موردنیاز ما خالی می‌شود.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۹ ما از ابراز محبت به یکدیگر اکراه داریم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۰ ما خواستار آن هستیم که اعضا به وظایف خانوادگی خود عمل کنند.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۱ ما نمی‌توانیم با یکدیگر درباره احساس غم و غصه خود صحبت کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۲ معمولاً به تصمیمات خود برای حل مشکلات عمل می‌کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۳ علاقه سایر اعضای خانواده فقط وقتی به ما جلب می‌شود که موضوع برای خودشان هم مهم باشد.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۴ از گفته‌های اعضای خانواده نمی‌توانیم به احساس آن‌ها پی ببریم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۵ در خانواده ما وظایف خانوادگی به‌تساوی تقسیم نمی‌شود.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۶ افراد خانواده ما همان‌گونه که هستند، موردقبول یکدیگرند.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۷ در خانواده ما به‌آسانی می‌توان مقررات خانه را نقض کرد.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۸ در خانه ما، حرف‌ها بدون کنایه و بی‌پرده گفته می‌شود.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۱۹ بعضی از اعضای خانواده ما عاطفی برخورد نمی‌کنند.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۰ ما می‌دانیم در صورت پیش آمدن شرایط اضطراری چه باید کرد.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۱ ما از تبادل‌نظر درباره ترس‌ها و نگرانی‌های خود پرهیز می‌کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۲ برای ما گفتگو درباره احساس‌های لطیف دشوار است.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۳ ما برای پرداخت هزینه‌هایمان در‌دسر داریم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۴ معمولاً ما بعد از سعی خانواده برای حل یک مشکل، درباره موفقیت‌آمیز بودن یا نبودن آن، گفتگو می‌کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۵ افراد خانواده ما بیش‌ازحد به فکر خود هستند.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۶ ما می‌توانیم احساس‌های خود را به یکدیگر ابراز کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۷ ما درباره آداب دستشویی انتظار خاصی از یکدیگر نداریم (حساس نیستیم).	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم
۲۸ ما احساس محبت خود نسبت به یکدیگر را نشان نمی‌دهیم.	کاملاً مخالفم	مخالقم	موافقم	کاملاً موافقم

۲۹	اعضای خانواده ما مستقیم و بدون واسطه با یکدیگر صحبت می کنند.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۰	هرکدام از ما وظایف و مسؤولیت های خاصی بر عهده دارد.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۱	در خانواده ما احساس های ناخوشایند زیادی وجود دارد.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۲	ما برای زدن یا دست بلند کردن روی دیگران، ضابطه داریم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۳	ما فقط وقتی با یکدیگر همراه می شویم که منافعی در بین باشد.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۴	برای علائق شخصی اعضای خانواده، کم وقت می گذاریم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۵	غالباً منظور خود را به زبان نمی آوریم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۶	ما احساس می کنیم سایر اعضای خانواده، ما را همان گونه که هستیم، قبول دارند.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۷	ما فقط هنگامی به یکدیگر علاقه نشان می دهیم که بتوانیم شخصاً از آن بهره مند شویم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۸	ما اکثر ناراحتی های عاطفی اعضای خانواده را رفع می کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۳۹	در خانواده ما مهر و عطوفت در درجه دوم اهمیت قرار دارد.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۰	ما درباره این که هرکسی چه کارهایی را در خانه انجام دهد، گفتگو می کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۱	تصمیم گیری برای خانواده ما دشوار است.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۲	اعضای خانواده ما فقط وقتی به یکدیگر علاقه نشان می دهند که خودشان بتوانند از آن بهره مند شوند.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۳	ما با یکدیگر روراست و بی پرده هستیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۴	ما به هیچ معیار و قاعده ای پایبند نیستیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۵	در خانواده ما اگر از کسی کاری خواسته شود، باید به او یادآوری کرد.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۶	ما می توانیم درباره طرز حل کردن مشکلات تصمیم گیری کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۷	اگر مقررات خانواده نقض شود، نمی دانیم چه انتظاراتی باید داشت (نمی دانیم چه کار باید بکنیم).	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۸	در خانواده ما هر اتفاقی را می توان انتظار داشت.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۴۹	ما مهر و عطوفت خود را نشان می دهیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۰	ما با مسائلی که با احساس های اعضای خانواده بازی کند، برخورد می کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۱	ما با یکدیگر خوب کنار نمی آییم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۲	ما هنگام عصبانیت با یکدیگر صحبت نمی کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۳	ما به طور کلی از وظایف خانوادگی که بر عهده ما گذاشته می شود، ناراضی هستیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۴	ما گرچه حسن نیت داریم، اما در زندگی یکدیگر خیلی دخالت می کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۵	اعضای خانواده ما برای مقابله با شرایط خطرناک، قواعد خاصی را رعایت می کنند.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۶	ما به یکدیگر اعتماد و اطمینان داریم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۷	ما احساسات (غم، شادی، خشم و...) خود را در خانه راحت و آشکار بروز می دهیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۸	رفت و آمد در خانواده ما معقول و منطقی نیست (حساب و کتاب مشخصی ندارد).	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۵۹	اگر از عمل یکی از اعضای خانواده خوشمان نیاید، به او می گوییم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم
۶۰	ما به راه های گوناگون حل مشکل فکر می کنیم.	کاملاً مخالفم	مخالتم	موافقم	کاملاً موافقم

Abstract

This study aims to investigate the mediating role of self-control in relationship between attachment to God and family functioning. To achieve the above objective, in a descriptive study, 461 married individuals living in the residential complexes in Pardisan, Qom, were selected by using a combination of simple random and convenience sampling method. The data were collected through questionnaires attachment to God (Rowatt and Kirkpatrick), short form of self-control scale (Tangney), and McMaster Family Assessment Device; and data through Pearson correlation, linear regression analysis and path analysis were analyzed. According to the research hypothesis, results confirmed the mediating role (partial mediation) of self-control in the relationship between quality of attachment to God and family functioning. The results also showed that the secure attachment to God and self-control has significant negative relationship with family dysfunction, and self-control has significant positive relationship to it. It was also found that each of quality of attachment to God and self-control variables significantly predict family functioning. The attachment to God provides humans with essentials of self-control, such as cognition, motivation and purposefulness. Those who believe in God, to reach the larger goal means the satisfaction of the God and dwelling in divine safe haven, in all aspects of his life, including family life, try to control knowingly his thoughts, emotions and behaviors. Such people are more successful in the different aspects of the family, including solving the problems, doing responsibilities, making emotional relationships, taking part in activities in an empathetic way, and making appropriate regulations and adhering to them.

Keywords: family functioning, attachment to God, self-control



*The Academic Institute
for Ethics And Education*

*The College of Psychology
Islamic Psychology
A Thesis for MA in Islamic Psychology*

**The Mediating Role of Self-control in the
Relationship between Attachment to God
and Family Functioning**

Supervisor

Baqir Ghobari Bonab, Ph.D.

Advisor

Hoj. Hamid Rafi'ee Honar

By

Ahmad Erfani

February 2017